



این برداشت من از جنبش دانشجویی و نگاه من به جنبش دانشجویی است:
ضداستکباری، ضد فساد، ضد اشرافی‌گری، ضد حاکمیت تجمل‌گرایانه و زورگویانه،
ضدگرایش‌های انحرافی؛ اینها خصوصیات جنبش دانشجویی است.

گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

بیت‌های گنجینه

ویژه نامه سی و هشتمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی • سال یازدهم • بهمن ماه ۹۵ • شماره ۱۲۹

مدیر مسئول:

حمید صابر فرزام

سر دبیر:

حمید رضا یونسی

دبیر تحریریه:

حسین الهوردی

مدیر اجرایی:

محمد حاتمی

ویراستار:

مینا حدیری

مدیر هنری:

علیرضا عبادی

عکس:

حسن آقامحمدی، نقی

خوش خلق، علی مختاری

همکاران این شماره: میثم قهوه چیان، محمود قره داغی، سید حسین امامی، مریم روزبهانی، علی آتش ز، لیلا شرف مهدی مخبری، تیمور کاکایی

این شماره از زاویه با همکاری کمیته دانشگاهیان دهه فجر انقلاب اسلامی تهیه شده است.



۲۶



امید انقلاب

۳۹



جریان اسلامی

۲۱



دانشگاه تا انقلاب

۶



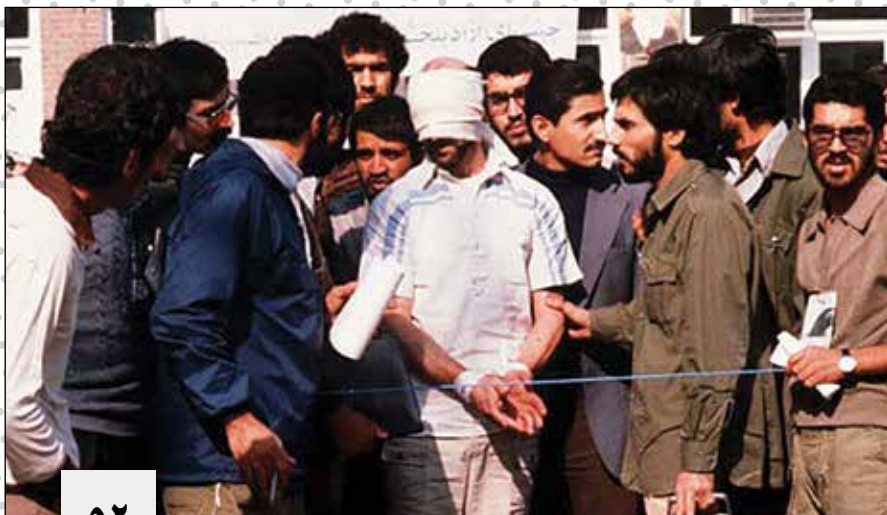
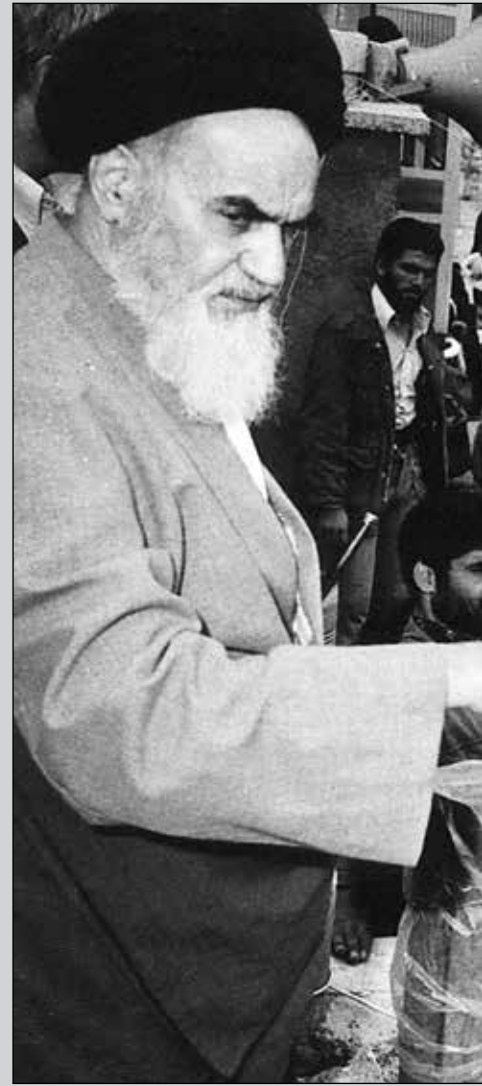
۳۴



۱۶



۳۶



۵۲



۴۰



۴۸

سی سال مبارزه در دانشگاه

۱۵ بهمن ۱۳۲۷

در این روز برای اولین بار رژیم شاهنشاهی دانشگاه را هدف سرکوب قرار داد؛ پلیس امنیتی دانشگاه را اشغال و دانشجویان را دستگیر کرد و سایر دانشجویان شعار «حفظ استقلال دانشگاه و وحدت استاد و دانشجو» سر دادند و نامه‌های اعتراضی دانشجویان به «شورای عالی دانشگاه، ریاست دانشگاه و استادان» ارسال شد.

۱۶ مهر ۱۳۳۲

سازمان‌های سیاسی تشکیل دهنده جبهه ملی برای دوره کوتاهی ائتلافی تحت عنوان «نهضت مقاومت ملی» و در اعتراض به محاکمه مصدق، تظاهرات و اعتصاب‌هایی در دانشگاه تهران، از جمله امروز ۱۶ مهر (مصادف با ۲۹ محرم)، برگزار کردند که به اشغال دانشگاه توسط سربازان مسلح و دستگیری ۱۱ دانشجو انجامید.

۲۱ آبان ۱۳۳۲

در پی اعلام وزیر خارجه بریتانیا از برقراری رابطه مجدد با ایران در مجلس عوام این کشور، دانشجویان که رادیکال‌ترین نیروهای مبارز علیه شاه بودند، در این روز تظاهراتی در اعتراض به برقراری رابطه مجدد دولت کودتا با انگلستان برگزار کردند که بازاریان هم در آن شرکت داشتند.

۱۷ بهمن ۱۳۴۲

در آستانه فراندوم انقلاب سفید، واحدهای ویژه در لباس کارگران و کشاورزان به دانشجویان ارتجاعی و ضد اصلاحات دانشگاه تهران یورش بردند و فقط اونیفورم نظامی خود را عوض کرده بودند اما پوتین‌های نظامی به پا داشتند. صدها دانشجو، استاد دانشگاه و رهبری جبهه ملی دوم در این روز توقیف شدند.

۱ بهمن ۱۳۴۰

در این روز، دانشجویان چند دانشکده دانشگاه تهران در اعتراض به تداوم تعطیلی مجلس، عدم برگزاری انتخابات آزاد، هواداری از خواسته‌های جبهه ملی و پشتیبانی از دانش‌آموزان اخراجی برخی مدارس تهران، کلاس‌های درس را تعطیل کرده و خواستار کناره‌گیری دولت امینی شدند؛ بار دیگر نیروهای ارتش دانشجویان معترض را سرکوب کردند.

۱۳ بهمن ۱۳۳۹

بعد از سه روز محاصره، دانشجویان اعتصابی دانشگاه را ترک کردند و به تظاهرات خیابانی روی آوردند که به مدت یک هفته ادامه یافت. از ۱۳ بهمن دانشگاه تا اواخر فروردین سال بعد بسته ماند و بازار هم در زمستان تعطیل شد.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷

با فرارسیدن چهلمین روز شهیدای یزد، جهرم و اهواز، در ۲۱ شهر کشور تظاهرات عظیمی برپا شد؛ در قم، یزد، جهرم و کازرون، نظامیان به مردم تیراندازی کردند؛ در این روز تمام کلاس‌های دانشکده علوم سیاسی دانشگاه ملی تهران و همچنین دانشگاه تبریز تعطیل شد.

۱۵ خرداد ۱۳۵۷

اعلامیه‌هایی در مشهد و چند شهر دیگر پخش شد که در آن از مردم خواسته شده بود دوشنبه ۱۵ خرداد در خانه‌ها متحصن شوند و خارج نشوند، دانشجویان نیز اعلام کردند که امروز به محل درس خود نمی‌روند. در هند و آمریکا نیز دانشجویان ایرانی علیه دولت تظاهرات کردند.

۱۴ مرداد ۱۳۵۷

سالگرد قیام مشروطه با شکوهی غیرعادی امروز در ایران جشن گرفته شد. شاه به همین مناسبت پیامی خطاب به ملت ایران فرستاد و در آن وعده‌های بسیاری به مردم داد؛ به رغم این وعده‌ها، دانشگاه تهران صحنه اعتراض‌ها و اعتصاب‌های هر روزه بود.

۲ بهمن ۱۳۵۷

با قوت گرفتن شایعه کودتا، مردم برای مقابله با آن آماده می‌شدند. جزوه‌های آموزشی ساخت بمب‌های دست‌ساز و استفاده از اسلحه‌های سبک، دست به دست می‌گشت. ۲ بهمن در بهشت زهرا (س)، دانشگاه تهران و تمامی مساجد، سربازان فراری و چریک‌های مبارز به جوانان، آموزش نظامی می‌دادند.

۲۷ دی ۱۳۵۷

در این روز از سوی امام (ره) پیامی به مردم فرستاده شد که در آن همگان را به راهپیمایی بزرگ در روزربعین حسینی دعوت کرد و به دانشگاهیان مبنی بر ادامه دادن به شعارهای ضد رژیم و تظاهرات علیه دولت و راندن استادان وابسته به حکومت تأکید کردند.

۱۶ دی ۱۳۵۷

امام خمینی (ره) امروز در پیامی به مناسبت روی کار آمدن دولت بختیار به دانشگاهیان اعلام کرد: «علمای اعلام، دانشگاهیان، وکلای محترم و... مخلوع بودن شاه و غیرقانونی بودن مجلسین را اعلام کنند».

۶ بهمن ۱۳۵۷

از این روز مردم به خیابان‌ها آمدند و در اطراف دانشگاه تهران بیش از پنج نفر شهید شدند. تیراندازی در نواحی مختلف تهران برای یک لحظه هم خاموش نمی‌شد.

۸ بهمن ۱۳۵۷

تظاهرات در سراسر ایران همچنان ادامه داشت و ۸ بهمن در تهران، بیش از ۴۰ روحانی سرشناس؛ از جمله آیت‌الله دکتر شهید بهشتی و آیت‌الله شهید مرتضی مطهری در دانشگاه تهران دست به تحصن نامحدود زدند و تعداد آنان به تدریج به ۴۰۰ نفر رسید.

۱۰ بهمن ۱۳۵۷

در این روز در حالی که تعداد روحانیون متحصن در دانشگاه به ۴۰۰۰ نفر رسیده بود و کشور در اوج تظاهرات خشونت‌آمیزی قرار داشت، بختیار در یکی از مصاحبه‌هایش اصول برنامه‌های آینده خود را شرح می‌داد.

۱۴ آذر ۱۳۳۲

با اعلام آمدن ریچارد نیکسون به ایران، دانشجویان دانشگاه تهران به سخنرانی در کلاس‌ها پرداختند و دولت وقت، تصمیم به سرکوب اعتراضات گرفت. روز بعد دانشجویان ادامه تظاهرات را به خارج از دانشگاه کشاندند که به سرکوب، ضرب و جرح و دستگیری عده‌ای از دانشجویان منجر شد.

۱۶ آذر ۱۳۳۲

در این روز، نیروهای ویژه ارتش به فرمان بختیار، پس از هجوم به دانشگاه تهران، صدها دانشجو را بازداشت و زخمی کردند. نیروهای امنیتی با شلیک تیر در دانشکده فنی، موجب کشته شدن سه دانشجوی این دانشکده به نام‌های «احمد قندچی»، «مهدی شریعت‌رضوی» و «مصطفی بزرگ‌نیا» در صحن دانشکده شدند.

۹ بهمن ۱۳۳۹

با تحصن ۴۰۰ دانشجو در محوطه دانشگاه تهران و در اعتراض به دستگیری رهبران، نیروهای نظامی سه روز دانشگاه را محاصره کردند و مانع از رساندن آب و غذا به دانشجویان شدند. ۹ بهمن دانشگاه تعطیل شد ولی تظاهرات به دانشگاه‌های تبریز و مشهد گسترش یافت.

۱۶ آذر ۱۳۳۹

اولین گرامیداشت رسمی شهدای ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در سال ۳۹ توسط سازمان دانشجویان دانشگاه تهران برگزار شد. همه اعضای این کمیته توسط رژیم شاهنشاهی دستگیر شدند و تا فروردین به‌ماه سال بعد که تظاهرات دانشجویان شدت یافت، در زندان ماندند.

۱۷ آذر ۱۳۳۲

در این روز تمام دانشگاه‌های تهران و اغلب شهرستان‌ها به دلیل شهادت سه دانشجو، در اعتصاب کامل بودند. با این حال، نیکسون که روز قبل به تهران آمده بود، در این روز دکترای افتخاری در رشته حقوق را در دانشگاه تهران که در اشغال مشهود نیروهای نظامی بود، دریافت کرد.

۲۱ مرداد ۱۳۵۷

در این روز ۴ هزار دانشجو در تبریز دست به تظاهراتی پرشور زدند؛ در ماه‌های گذشته، این دانشگاه دستخوش اعتصاب‌ها، تحریم کلاس‌های درس و تظاهرات گوناگون بود.

۱۴ مهر ۱۳۵۷

دانشجویان و ایرانیان مقیم آمریکا و اروپا برای دیدار امام (ره) به نوفل‌لوشانو رفتند. امروز، دانشگاه‌های ایران پس از چهار ماه تعطیلی با حضور شاه و همسرش در دانشگاه تهران طی مراسمی بازگشایی شد، اما با وجود حضور دانشجویان در محیط دانشگاه‌ها، هیچ کلاسی دایر نشد.

۲ آبان ۱۳۵۷

۱۱۲۶ زندانی سیاسی از زندان‌ها آزاد شدند؛ دانشگاه تهران از ۲ آبان ماه شاهد سخنرانی‌های هر یک از آن‌ها بود و مردم مشتاقانه به حرف‌هایشان گوش می‌دادند و حکایت‌هایشان دهان به دهان بازگویی می‌شد.

۵ آذر ۱۳۵۷

در این روز کلاس‌های درس تعطیل شد، مردم در مساجد، دانشگاه‌ها و میدان‌های اصلی شهرها، برای اعتراض جنایت دولت نظامی اجتماع کرده بودند؛ کارکنان مطبوعات که از زمان تشکیل کابینه از تشبید از هاری در اعتصاب به سر می‌بردند با انتشار بیانیه‌ای از مردم برای ادامه اعتصاب، تقاضای کمک مالی کردند.

۱۴ آبان ۱۳۵۷

در پی پخش فیلم دو دقیقه‌ای کشتار دانشگاه تهران، ایران پر آشوب و متشنج شد. در این روز جواد شهرستانی، شهردار تهران نامه‌ای تند خطاب به شریف‌امامی، نخست‌وزیر وقت نوشت و سرانجام جعفر شریف‌امامی در مقابل قیام مردم به زانو درآمد و پس از هفتاد روز صدارت ناموفق، استعفا داد.

۱۳ آبان ۱۳۵۷

در این روز آخرین حمله رژیم شاهنشاهی به دانشگاه تهران صورت گرفت که در اثر آن تعدادی از دانش‌آموزانی که در جریان راهپیمایی وحدت با دانشجویان به دانشگاه تهران آمده بودند، به شهادت رسیدند. این آخرین کشتار بزرگ رژیم شاهنشاهی بود و باعث شد تا روند سقوط شاه سرعت بیشتری به خود گیرد.

۱۲ بهمن ۱۳۵۷

سرانجام در روز ۱۲ بهمن، امام خمینی (ره) به تهران آمد. با آمدن امام (ره)، روحانیون متحمن در مسجد دانشگاه با انتشار اعلامیه‌ای به تحصن خود پایان دادند.

۲۰ بهمن ۱۳۵۷

در این روز مهندس مهدی بازرگان در دانشگاه تهران سخنرانی کرد و در آن، وظایف و سیاست‌های دولت موقت را شرح داد و از بختیار و نیروهای ارتش خواست تا به ملت پیوسته و در برابر اراده مردم مقاومت نکنند.

سخن نخست

دانشگاه انقلابی و انقلاب دانشگاهی



از هر منظری که به تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بنگریم، نقش دانشگاه به روشنی پیش چشم حاضر است؛ دانشجویان و دانشگاهیان در برافراشتن بیرق بزرگی که نشان از عزت و اقتدار ایرانیان بر قله جهان بود، پیشگام و پیشقدم بوده و هستند؛ در صحنه‌ها و کارزارهای مختلفی که این انقلاب سترگ در عمر با برکت سی و هشت ساله خود به چشم دیده است، این جوانان نخبه و انقلابی کشور بودند که دوشادوش ملت، همه موانع را یک‌به‌یک پشت سر گذاشتند، تا آنکه ایرانی آباد و آزاد به ثمر بنشیند؛ از آغاز نهضت رهبر کبیر انقلاب در سال ۴۲ تا دمامد روزهای پیروزی در سال ۵۷، از دوران دفاع مقدس تا معرکه مسائل هسته‌ای، چشم امید و قوت قلب ملت بزرگ ایران به جامعه دانشگاهی کشور و جوانان برومند خود بوده و هست.

دانشجویان و دانشگاهیان در هر عرصه‌ای که حضور پیدا می‌کنند، نویدبخش خودباوری، خودکفایی و خلاقیت هستند و راه‌های دشوار به همت جوانان رشید ایران هموار می‌گردد؛ زیرا جوانان از سویی نظاره‌گر پیشرفت‌های علمی جهان و آینده درخشانی هستند که ایران می‌تواند و می‌باید که بدان دست یابد و از سوی دیگر، به عزم و اراده ملت عزیز ایران پشت گرم هستند که برای دستیابی به حقوق حقه خود و رسیدن به جایگاه حقیقی‌شان در سطح جهانی، از جان و دل مایه می‌گذارند؛ چنین موازنه‌ای است که سرنوشت دانشگاه را با انقلاب در آمیخته و تمام هم و غم دانشجویان و دانشگاهیان را برای اعتلا و سربلندی انقلاب اسلامی ایران هم جهت کرده و «دانشگاه انقلابی» امروز ایران را تعیین بخشیده است. اما! هر آنچیزی که تاکنون محقق گردیده و هر دستاوری که تا امروز بدست آمده، تنها فعلیت یافتن بخش اندکی از ظرفیت‌های بالقوه فراوانی است که

جامعه دانشگاهی کشور در اختیار خود دارد؛ افق متعالی حرکت دانشگاهیان؛ نقش آفرینی در عرصه جهانی، بدست آوردن مرجعیت علمی، رسیدن به آزادی و تحقق پیشرفت ایرانی و اسلامی است؛ آنچنان که در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی به روشنی قابل مشاهده است، این اهداف جز از طریق بهره‌گیری از توان علمی کشور محقق نخواهد شد و تنها با اعتماد و اتکای به دانشجویان و دانشگاهیان است که می‌توان مسیر سعادت را، چنانچه تا به امروز پیموده‌ایم، به سرانجام مطلوب برسانیم.

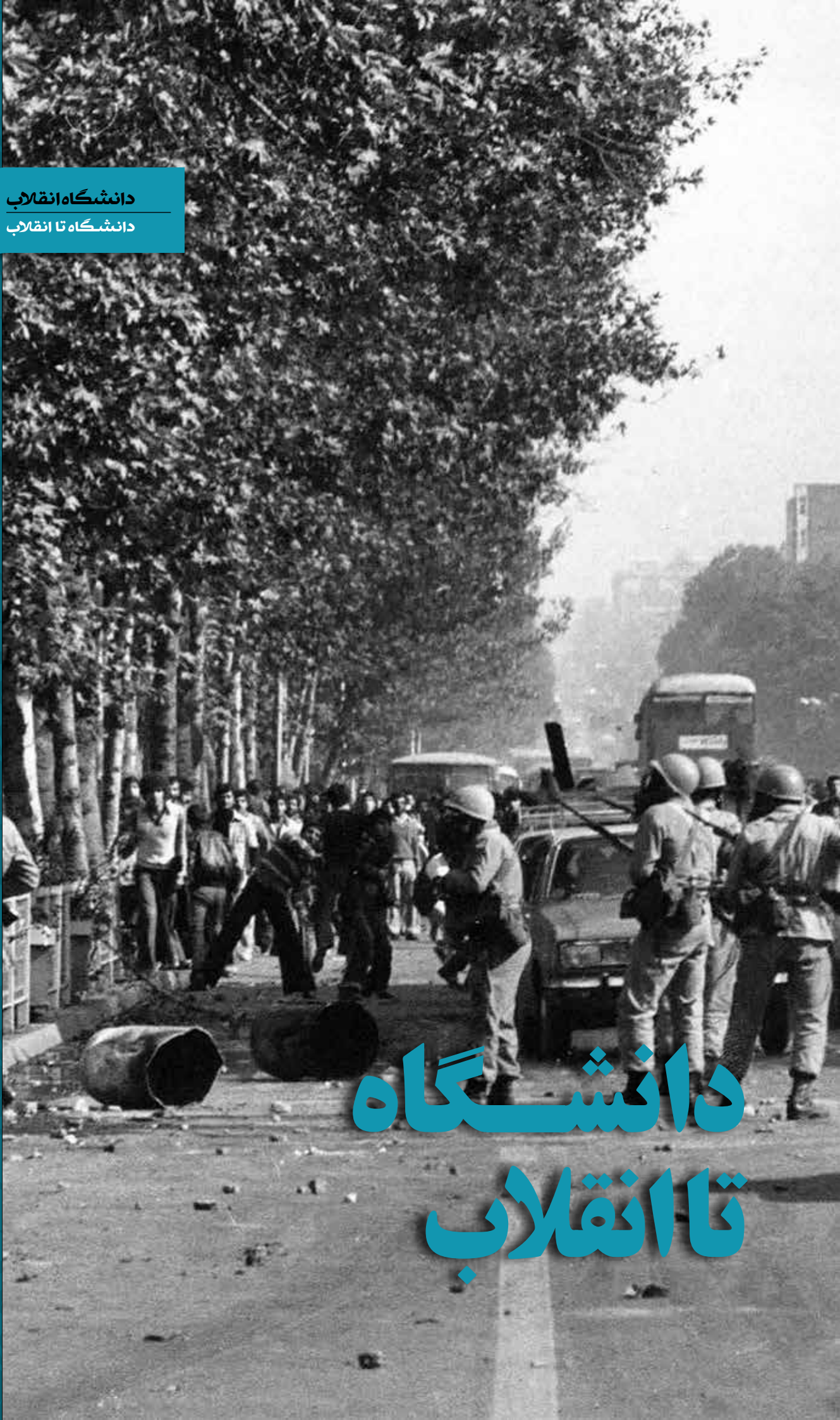
ولی برای نائل آمدن به این مطلوب، مشارکت و بهره‌گیری از توان همه نیروهای جوان کشور امری ضروری و گریزناپذیر است؛ باید با اعتماد و اطمینان به جوانان، فرصت برای باروری و خلاقیت را در آنان مساعد کرد و به نقدها و نظرهای آنان مجال طرح داد؛ نشاط و شادابی نسل جوان، قطعی‌ترین ضامن برای یافتن راه‌حل‌های بدیع و خلاقانه جهت رفع مشکلات است؛ مطلوبی که جز به وسیله به رسمیت شناختن استقلال دانشگاه محقق نمی‌شود؛ در چنین شرایطی است که می‌توان روز به روز شاهد جهش‌های بزرگ علمی در جامعه دانشگاهی کشور بود و با همت بدنه دانشجویی کشور، دم‌به‌دم پله‌های کامیابی و شکوفایی علمی را به نظاره نشست و این همان «انقلاب دانشگاهی» است که مطلوب همه ماست. از «دانشگاه انقلابی» موجود تا «انقلاب دانشگاهی» مطلوب، مسیر پیچیده‌ای در پیش است که باید همه احاد ملت، از مردم و مسئولان گرفته تا یک‌یک اعضای بدنه علمی کشور، دست‌در‌دست هم داده و این گام را با اراده و عزم روزهای آغازین انقلاب، با قوت و اقتدار برداریم تا همه شاهد بر صدر نشستن ایران اسلامی در همه زمینه‌ها باشیم.

دکتر سیدضیاء هاشمی

معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه انقلاب
دانشگاه تا انقلاب

دانشگاه تا انقلاب





از دارالفنون تا انقلاب ۵۷؛

جنبش‌های دانشجویی در تحولات معاصر

ریشه

ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب

عنوان موسس دارالفنون در کنار خدمات ارزنده دیگر به کشور و ملت ایران در تاریخ ثبت شد. به هر روی؛ با تاسیس دارالفنون و پذیرش نخستین داوطلبان به تحصیل که عمدتاً از فرزندان خانواده‌های دارای قدرت و نفوذ در جامعه آن روز ایران بودند، چرخ آموزش در سطوح عالی به گردش در آمد؛ دارالفنون اتفاق بزرگی در نظام آموزش عالی ایران شد و گرچه بیشتر رشته‌های آن که از انگلستان دست نیز فراتر نمی‌رفت، مربوط به علوم طبیعی، پزشکی و نظامی بود، اما نمی‌توان کتمان کرد که بسیاری از دانش‌آموختگان آن در سال‌های بعد توانستند به افرادی تاثیرگذار در فضای سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل شوند؛ آنان در کنار تحصیل دروس با شرایط سیاسی کشور، ایده‌های ملی‌گرایانه و تفکرات روشنفکرانه آشنا می‌شدند و نسبت به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران نسبت به سایر اقشار و قوف بیشتری داشتند. تعدادی از فارغ‌التحصیلان دارالفنون به تدریج نسلی از منتقدان طبقه حاکم و عقب‌افتادگی فرهنگی را به وجود آوردند؛ بسیاری از

دانشگاه همچون بسیاری از تحولات چند قرن اخیر با تاخیر معناداری نسبت به بسیاری از کشورهای دنیا در ایران پای گذاشت؛ جنبش‌های دانشجویی گرچه همگام با تاسیس نخستین دانشگاه‌ها رشد و توسعه نیافتند، اما دانشجویان خیلی زود نقش این جنبش‌ها را باز یافته و در لوای آن به نقش آفرینی در تاریخ تحولات معاصر پرداخته‌اند.

نوبین و امروزی دانست با درایت امیر کبیر و اشتیاق ناصرالدین شاه، تحت عنوان دارالفنون در ۱۲۳۰ شکل گرفت؛ امیر زودتر از آنچه می‌پنداشت مورد بی‌مهری سلطان صاحبقران قرار گرفت و هیچگاه موفق به دیدن نخستین دانش‌آموختگان این مدرسه نشد، اما نامش به

همانند بسیاری از تحولات تاریخی چند سده اخیر، پای دانشگاه نیز با تاخیری قابل توجه به کشور باز شد؛ گرچه بسیاری معتقدند دانشگاه جندی شاپور در عصر ساسانیان را باید پرچم‌دار آموزش عالی در تاریخ ایران تلقی کرد، اما ساختاری که بتوان آن را معادل دانشگاه‌های



هشیاری دانشجویان در نگاه رهبری

اکنون، دانشجویان با گرایش‌ها و سلاقی مختلف در حال اثرگذاری بر تعاملات و تحولات اجتماعی کشور بودند و صاحبان قدرت به مدد سلاح سرد و گرم نیز نمی‌توانستند از تاثیر بیان و قلم آنان بکاهند؛ رهبر معظم انقلاب در تبیین علل و چرایی وقایع روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ بیان می‌دارند: جالب است توجه کنید که ۱۶ آذر در سال ۱۳۳۲ که در آن سه نفر دانشجو به خاک و خون غلطیدند، تقریباً چهارماه بعد از ۲۸ مرداد اتفاق افتاده؛ یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آن اختناق عجیب، سرکوب عجیب همه نیروها و سکوت همه، ناگهان به وسیله دانشجویان در دانشگاه تهران یک انفجار در فضا و در محیط به وجود می‌آید. چرا؟ چون نیکسون که آن وقت معاون رییس جمهوری آمریکا بود، آمد ایران. به عنوان اعتراض به آمریکا، به عنوان اعتراض به نیکسون که عامل کودتای ۲۸ مرداد بودند، این دانشجویها در محیط دانشگاه اعتصاب و تظاهرات می‌کنند که البته با سرکوب مواجه می‌شوند و سه نفرشان هم شهید می‌شوند. حالا ۱۶ آذر در همه سال‌ها،

می‌شد و در مقام مقایسه، کمیت و کیفیت بیشتری نسبت به دارالفنون داشت که پس از سقوط رضاخان و ایجاد فضای بازتر نسبت به گذشته، مرکزی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان شد؛ تا آنجا که حزب توده و جبهه ملی، دو تشکل سیاسی و فعال آن زمان هواخواهان بسیاری در میان دانشجویان این دانشگاه داشتند.

یکی از نخستین تحریکات جنبش‌های دانشجویی آن ایام در قالب نهضت مقاومت ملی شکل گرفت و دانشجویان حامی دولت سرنگون شده مصدق دست به مقاومت سیاسی زدند، مقاومتی که با کشیده شدن به ۱۶ آذر ۱۳۳۲ رنگ خون به خود گرفت؛ از سرگیری روابط ایران و انگلستان که در زمان نخست‌وزیری مصدق قطع شده بود و همزمان سفر نیکسون، معاون رییس جمهوری آمریکا به کشور، فضای دانشگاه تهران را ملتهب کرد؛ سخنرانی دانشجویان هوادار «ائتلاف نهضت مقاومت ملی» و در پی آن درگیری نیروهای نظامی با آنان نهایتاً منجر به شهادت سه دانشجوی دانشگاه تهران شد.

فارغ‌التحصیلان دارالفنون وارد فعالیت‌های سیاسی شده و در جنبش مشروطه مشارکت تاثیرگذاری داشتند؛ «صنیع‌الدوله» و «احتشام‌السلطنه» اولین و دومین روسای مجلس شورای ملی و میرزا جهانگیرخان روزنامه‌نگار و مدیر روزنامه تاثیرگذار صوراسرافیل و بسیاری دیگر از دانش‌آموختگان دارالفنون بودند که نقش‌های بزرگی در تاریخ ایران ایفا کردند.

بلوغ جنبش دانشجویی

گرچه در آن دوران جنبش دانشجویی منسجمی در دارالفنون شکل نگرفت که برای آن دلایل متعددی می‌توان متصور شد، اما بسیاری از دانش‌آموختگان دارالفنون با رسیدن به بلوغ فکری، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تاثیر بسزایی در تحولات جامعه آن روزگار ایفا کردند. سال‌ها بعد با دستور رضاخان دانشگاه تهران با ادغام دارالفنون و تعدادی دیگر از مدارس آن زمان در ۱۳۱۳ تاسیس شد؛ دانشگاه تهران بزرگترین کانون آموزش عالی کشور تلقی



و رهایی از وابستگی - در همه ابعاد آن - همواره کوشا باشد.

در ده‌های ۳۰ و ۴۰ نیز جنبش‌های دانشجویی نقش فعالی در صحنه‌های مختلف از خود برجای گذاشتند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به برپایی تظاهرات به هنگام عقد کنسرسیوم در اردیبهشت ۳۳ و شرکت فعال دانشجویان در میتینگ دی‌ماه ۳۹ در جلالیه، تظاهرات گسترده در مخالفت با انتخابات دوره بیستم شورا در بهمن‌ماه ۳۹، آتش‌زدن اتومبیل دکتر اقبال، رییس وقت دانشگاه تهران و تظاهرات بر ضد ورود ملکه الیزابت به تهران در اسفندماه همان سال اشاره کرد که باعث شد تا دهه ۳۰ تحت تاثیر ابتدای این دهه روندی ناآرام و مبارزاتی را در دانشگاه‌های کشور به نمایش گذارد.

جنبش دانشجویی پس از ۱۵ خرداد

دهه ۴۰ نیز برای جریان دانشجویی مسلمان، رشد فکری به حساب می‌آمد و مخالفت با رژیم شاه از مهم‌ترین ویژگی‌های این دهه است؛ به دنبال واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و دستگیری

دانسته و می‌گوید: در آن ایام هواداران مارکسیسم بر این اعتقاد بودند که مبارزه با امپریالیسم فقط از اندیشه‌های مارکسیستی برمی‌آید و مبانی اعتقادی غیرمارکسیستی را غیرواقعی گرایانه؛ غیررئالیستی و ایده‌الیستی می‌دانستند؛ در مقابل این اندیشه مهدی بازرگان، یدالله سبحانی و آیت‌الله طالقانی مجموعه‌ای پایه‌ریزی کردند تا بتوانند تفکرات و اندیشه‌های مبتنی بر فکر اسلامی را وارد دانشگاه کنند؛ آنان بر این اعتقاد بودند که اولاد ادعای علمی بودن مارکسیسم باطل است و در ثانی تعارض بین دین به خصوص دین اسلام با علم وجود ندارد و بالاخره اینکه گفته می‌شود دین عامل رخوت و رکود است، باطل است. این جریان‌ها با این تفکر وارد مبارزات اجتماعی و سیاسی دانشگاه شدند و در نتیجه انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها شکل گرفت. در واقع انجمن‌های اسلامی در پی این اندیشه به وجود آمد که دین اسلام بر پایه علم استوار است و در هیچ یک از کتب دینی و آسمانی به اندازه قرآن به علم توصیه نشده است و علاوه بر آن یک انسان مسلمان دارای تعهدات اجتماعی است و باید برای اصلاح جامعه

با این مختصات باید شناخته شود. ۱۶ آذر مال دانشجویی ضد نیکسون است، دانشجویی ضد آمریکا، دانشجویی ضد سلطه است.

با نگاهی به سال‌های پیش از کودتای ۱۳۳۲ می‌توان به وضوح دید که کفه انجمن‌های توده‌ای در دانشگاه نسبت به سایر تشکلات از وزن بیشتری برخوردار است، اما اوضاع به همین منوال نمی‌ماند و نیروهای اسلام‌گرا در کنار ملی‌گرایان لیبرال، مبادرت به فعالیت و عضوگیری می‌کنند؛ انجمن اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، نهضت خداپرستان سوسیالیست و سازمان دانشجویی جبهه ملی در داخل و کنفدراسیون جهانی محصلان و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور از جریان‌های فعال دانشجویی آن روزگارند که با گرایش‌های فکری مختلف در فضای سیاسی آن ایام نقش‌آفرینی و

موضع‌گیری می‌کنند.

«صادق طباطبایی» در گفت‌وگویی ریشه جریانات اسلامی دانشگاه‌ها و جنبش‌های اسلامی دانشجویی را در ماجراهای قبل از شهریور ۱۳۲۰



ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب



هم‌دستان نبود، لکن همه بودند؛ وقتی همه بودند، یک قدرت ملی، یک قدرت الهی بود.

در بخش دیگری از این سخنرانی، امام رسالت دانشگاه را تربیت صحیح دانشجویان می‌داند و صراحتاً تربیت نیرو برای پشت میز نشینی و بزرگ کردن بدون توجه ادارات را نکوهش می‌کنند و می‌فرمایند: دانشگاه باید عالم درست کند نه اداری. اداری یک مسئله کوچکی است؛ حالا یک احتیاجی هست؛ البته باید برود آنجا؛ اما دانشگاه باید عالم درست کند؛ دانشگاه باید اشخاصی را درست کند که مملکت خودش را اداره کند از حیث علمیت؛ اداره کند از حیث فرهنگ؛ نه اینکه غایت آمل این باشد، یک چیزی دستش بیاید برود توی یک اداره‌ای بنشیند مهمل؛ کار هم بود، خوب بود؛ اما کار نیست توی ادارات؛ یک اداره که نمی‌تواند این همه جمعیت را بپذیرد؛ جز این است که بروند آنجا بودجه مملکت را بی‌خودی صرف کنند، خودشان هم مهمل بار بیایند؛ یک قوه فعاله مهمل بار می‌آید و بودجه مملکت را هم از بین می‌برد؛ اینها باید اصلاح بشود؛ دانشگاه‌ها را مرکز تربیت قرار بدهید؛ علاوه بر دانش، تربیت لازم است؛ اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است؛ خیانت می‌کند، و آن کسی که با علم خیانت بکند، با دانشمندی خیانت بکند، خطرش بیشتر از سایر مردم هست؛ دانشگاه‌ها را تربیت کنید؛ دانشگاهی‌ها تربیت کنند، این دانش‌آموزها را؛ اینها قابل تربیتند؛ اگر تربیتشان کردید درست حسابی، می‌توانند اداره کنند؛ شما بعدها باید این مملکت را با این جوان‌ها اداره کنید؛ بخواهید مستقل باشید و ان‌شاءالله همه می‌خواهید آزاد باشید و همه می‌خواهید. باید شماهایی که اهل دانشگاه و تربیت و اهل تعلیم هستید، جوان‌ها را تربیت کنید و تعلیم؛ همراه تعلیم، تربیت باشد.

اکنون بیش از ۱۶۰ سال از تاسیس دارالفنون و افزون بر ۳۷ سال از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، در تمام این سال‌ها، دانشجویان و دانشگاهیان هم‌پا و هم‌گام با سایر احاد جامعه از سیر تحولات تاریخی اثرپذیرفته و بر آن اثر گذاشته‌اند؛ نقشی که گاه در تبعید شدن، گاه در شکنجه شدن، و البته گاهی نیز در خون دادن تجلی یافته است؛ جایگاهی که گاه تکریم شده و از آن به عنوان پرچم‌دار حرکت در مرزهای فرهنگ و دانش یاد شده است و در تندباد حوادث آماده است تا با بصیرت نقش‌آفرین صحنه‌های حساس و تاریخی ایران اسلامی باشد.

نویسنده: علی آتش‌زر

ایفا کرده‌اند و اگر دانشگاه تهران را امروز به عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های دانشگاهی در به‌ثمر رسیدن انقلاب اسلامی نام می‌بریم، نباید از خاطر دور داشت که سایر دانشگاه‌های کشور از جمله دانشگاه تبریز و بسیاری دیگر نیز نقشی در خشان در این حرکت عدالت‌خواهانه ایفا کرده‌اند.

دانشگاه در نگاه امام(ره)

نقش دانشجویان در انقلاب به مانند سایر اقشار و احاد جامعه بارز و آشکار است و امام(ره) در سخنرانی‌های پس از انقلاب بارها به آن اشاره می‌کنند؛ ایشان در بخشی از سخنرانی که در ۱۴ دی‌ماه ۱۳۵۸ در قم و در دیدار اساتید دانشگاه تهران ایراد می‌کنند، می‌فرمایند: این نهضت نه کودتاست و نه اینکه یک قدرتی یک قدرت دیگر را از بین برده باشد؛ یک ملتی یک قدرتی را از بین برده؛ یک ملتی، در صورتی که نه نظامی بود و نه تعلیمات نظامی داشت و نه چیزی، دانشگاهی بودند و یادانشجو بودند و یا طلبه بودند و یا زن بودند و یا مرد؛ مثلاً بازاری بودند و اینها هیچ‌کدام تعلیمات نظامی نداشتند و ابزار نظام

امام(ره)، دانشجویان جزء نخستین اقشاری بودند که پا به صحنه گذاشته و خواهان آزادی امام(ره) شدند.

از آن پس و با هدایت و روشنگری‌های افرادی؛ چون دکتر شریعتی، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مفتح و آیت‌الله بهشتی دانشجویان نقش روشنگرانه خود را بازیافته و به یکی از ارکان اصلی مبارزه با رژیم شاهنشاهی تبدیل شدند؛ هر صفحه که از روزهای پیش از انقلاب ورق می‌خورد، توأم با نقش‌آفرینی فردی و جمعی دانشجویانی است که برای به ثمر نشاندن انقلاب به رهبری امام(ره) دست به هر کاری می‌زنند؛ از چاپ و توزیع اعلامیه‌های امام، بازگو کردن سخنان ایشان در محافل مختلف و اقدامات آگاهی‌بخش و روشنگرانه گرفته تا اقدامات مسلحانه. در آن سوی مرزها نیز دانشجویان امام(ره) را تنها نگذاشته‌اند و به اشکال مختلف بانوفل‌شاتو در ارتباط بودند.

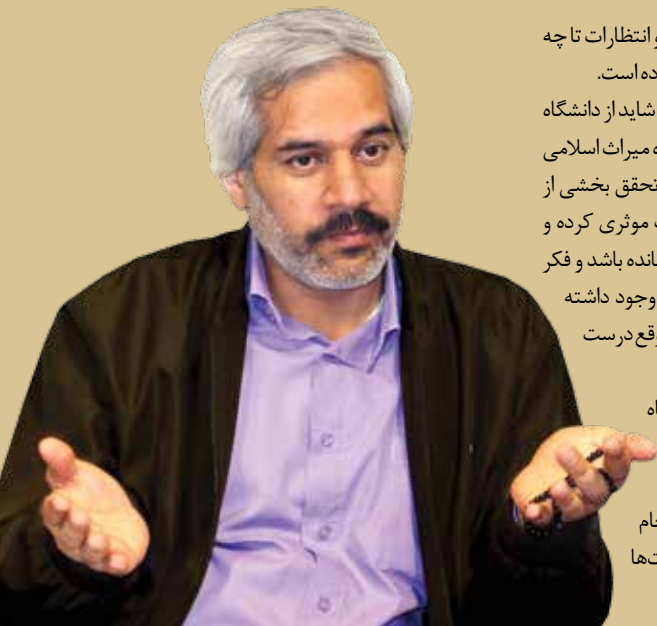
آنچه در این مجال نباید از نظر دور داشت، نقش و جایگاهی است که دانشجویان و دانشگاه‌های مختلف کشور در حادث شدن انقلاب اسلامی

گفت‌و‌گو با شریف لک‌زایی؛

سوالات پیش‌روی دانشگاه و میراث اسلامی

سوالات زیادی پیش‌روی برقراری ارتباط میان دانشگاه و میراث اسلامی وجود دارد و نمی‌توان از همه سنن برای برقراری ارتباط میان دانشگاه و میراث اسلامی استفاده کرد و این ارتباط نیازمند زیرساخت و لوازم فراوانی است؛ در خصوص این موضوع گفت‌و‌گویی با شریف لک‌زایی داشتیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها دارای ابهام است و به هر حال آیا دانشگاه موظف شده است که به‌عنوان مثال از یک طرف توقع مانسبت به تامین نیروی انسانی ماهر و متخصص در زمینه‌های مورد نیاز جامعه را برآورده بسازد و از طرف دیگر، ارتباط آن با میراث اسلامی را برآورده سازد؟ آیا دانشگاه از عهده این کار برمی‌آید؟ اینکه آیا دانشگاه این توقع را برآورده کرده یا خیر، می‌تواند محل بحث باشد. نکته بعدی اینکه آیا دانش‌آموختگان دانشگاه قادر هستند توقعاتی که از آنها انتظار می‌رود را برآورده کنند؟ قبل از آن آیا به‌خوبی این توان را و این نیاز را فرا گرفته‌اند و راجع به آن اطلاع دارند؟ آیا می‌توانند مسائلی که در جامعه وجود دارد را حل‌وفصل کنند؟ آیا وقتی که دانشجوی ما از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود، بازار کاری برای آن فراهم شده است یا خیر؟ و چه مقدار در واقع دانشگاه در مسائل و میراث‌های جامعه بازی گرفته می‌شود؟ چه مقدار خود دانشگاه متقاضی این است؟ برای مثال در همین پرسش شما چه مقدار



باید بررسی شود که این توقعات و انتظارات تا چه میزان انجام شده و تحقق پیدا کرده است. یکی از آن انتظارات و توقعاتی که شاید از دانشگاه وجود داشته، این بوده که در حوزه میراث اسلامی و ارتباط آن با انقلاب اسلامی و تحقق بخشی از آن در قالب دانشگاه بومی کمک موثری کرده و تاثیرگذاری مهمی را به انجام رسانده باشد و فکر می‌کنم ممکن است این تحقق وجود داشته باشد، ولی باید راجع به اینکه این توقع درست است یا نه؟ صحبت کنیم.

در وهله اول باید انتظارات از دانشگاه و مراکز علمی ما شفاف و روشن شود، اینکه دانشگاه ما چه وظیفه و کاری را باید انجام بدهد، به نظر من در حوزه سیاست‌ها

● دانشگاه چه نقشی در برقراری ارتباط میان میراث اسلامی و انقلاب اسلامی دارد؟ مفروضی در این پرسش نهفته است که باید به بررسی آن پرداخت؛ این انتظار و توقع از دانشگاه وجود داشته و دارد که بین میراث اسلامی و انقلاب اسلامی ارتباطی برقرار کند و از طرفی شاید این مفروض هم نهفته باشد که این میراث در ماهیت دانشگاه تاثیرگذار بوده و اینکه در واقع ارتباط موثری را در انقلاب اسلامی ممکن است ایجاد کند؛ انتظار از دانشگاه به هر حال زیاد است، خیلی از این توقعات و انتظارات ممکن است به حق و درست باشد و ممکن است خیلی از اینها هم درست نباشد و باید بین توقعات مان از دانشگاه تفکیک برقرار کنیم و تمایز بین انتظارات و توقعاتی که ما از دانشگاه داریم، قائل شویم و بعد

ریشه

ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب

خاطره

دکتر احمد توکلی؛

سازماندهی

فعالیت‌های انقلابی

بود که اعتصاب کردیم؛ این دوره همزمان شد با رحلت آیت‌الله حکیم و اعلام مرجعیت آیت‌الله خمینی (ره) توسط علمای شیراز، پلیس ریخت و همه را گرفت؛ اولین باری بود که بازداشت می‌شدم و برای من پرونده تشکیل دادند؛ در دوره دانشجویی سالی یک‌بار بازداشت می‌شدم تا اینکه سال سوم به دلیل محکومیت از دانشگاه اخراج شدم.

سازماندهی فعالیت‌های انقلابی در دانشگاه

از تیر ۱۳۵۲ تا اسفند ۱۳۵۵ زندان بودم؛ پس از آزادی از زندان، تحصیل در دانشگاه را رها کردم؛ زیرا دانشگاه، شرط ادامه تحصیل مرا

بعد از دوره دبیرستان در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه شیراز پذیرفته شدم؛ در دانشگاه حرکت‌های ما جدی‌تر شد؛ خرداد ۴۹



در بازشناسی میراث اسلامی و سنت اسلامی دانشگاه ورود پیدا کرده؟ و اگر ورود کرده در واقع چه مقدار توانسته در این حوزه کار در خوری را انجام دهد؟ اینها پرسش‌های مهمی است که وجود دارد؛ پاسخ این سوالات مبهم است، دانشگاه در واقع چه طرح و برنامه‌ای برای اداره جامعه دارد؟ آیا اگر برنامه‌ای داشته باشد جایی هست که به آن عمل بکند یا خیر؟

اینها در قالب طرح‌های زیبا در کتابخانه‌های دانشگاه محبوس می‌شود، من معتقدم اگر دانشگاه ما یک برنامه عملیاتی و اجرایی پیشنهاد بدهد، حداقل راجع به همین بهره‌گیری از میراث ایرانی و اسلامی، آیا به هر حال جایی وجود دارد که از آن استفاده، و آن را اجرایی کنند؟ معتقد هستم که حتی اگر دانشگاه یک برنامه عملیاتی و اجرایی بسیار مطلوب و آرمانی و خوبی که قابل تحقق هست پیشنهاد بدهد، کسی نیست که آن را اجرا کند. آیا وزارت علوم از این امکان و این اراده برخوردار است که اینها را به بخش‌های اجرایی دیگر منتقل کند؟

پرسش دیگر اینکه رشته‌های موجود در دانشگاه ما چه مقدار می‌توانند در بازسازی در بازشناسی و بازنگری این میراث ورود پیدا کنند؟ آیا دانشگاه ما از این امکان دانشجویان و اساتید را برخوردار می‌کند که به این سمت و سو حرکت کنند؟ به هر حال این با شغل آنها هم مرتبط می‌شود؛ یعنی یک دانشجویی که در این حوزه تحصیل می‌کند، آیا پس از اینکه فارغ التحصیل شد، می‌تواند کار مرتبط با دانش خودش را هم به عهده بگیرد؟ من از رشته خودم مثال می‌زنم، یک دانشجوی علوم سیاسی چه مقدار درگیر این مباحث می‌شود؟ نه تنها در باب میراث اسلامی و امت اسلامی و ایرانی خودمان، بلکه چه مقدار درگیر مباحث عینی جامعه ما می‌شود و می‌تواند در پیشبرد مقاصد انقلاب اسلامی کمک کند؟ به هر حال

جمله در بحث بومی‌سازی یا اسلامی شدن علوم مورد توجه مطرح است، بیشتر از حد دانشگاه‌ها خارج نمی‌شود، نه اراده عملی وجود دارد تا بتواند اینها را تحقق ببخشد و نه اینکه این امکان در اختیار اساتید و دانشجویان گروه‌های علمی ما قرار می‌گیرد.

آنهایی که به این مسیر و راه معتقد هستند، باید بتوانند کار را پیش ببرند و حمایت کنند اینها مجموعه‌ای از پرسش‌ها و دغدغه‌ها و تاملاتی است که فکر می‌کنم در مسیر پاسخ می‌تواند کمک کند می‌تواند به این پرسش شما جهت درستی بدهد و موضوع را برای ما شفاف کند که ما در چه مسیری گام برمی‌داریم؛ الان می‌خواهیم در بحث میراث اسلامی کدام بخش را بر جسته کنیم؛ مثلاً در حوزه علوم سیاسی مباحث اندیشه سیاسی اسلامی را می‌خواهیم مورد توجه قرار بدهیم، ببینیم که چه فضایی ایجاد شده است و حتی قدم‌هایی که برداشته می‌شود با یک کار سیاسی و یک حادثه سیاسی همه بر باد است. زحمات زیادی هم ممکن است کشیده شود و افراد علاقمند زیادی هم این را پشتیبانی کنند به رغم اینکه ابداع‌هایی که از طرف نهادهای مختلف مطرح می‌شود، ولی می‌بینیم

بعد از فارغ‌التحصیلی، دانشجو باید بتواند ضمن اینکه مسیر اشتغالش تامین شود، باز به صورت هم‌زایی کمک کند، این میراث در جایگاه خودش قرار بگیرد و بیش از پیش بتواند جامعه ما بهره‌مند شود و مسیر پیشرفت خودش را طی کند.

ارتباط با سنت نیازمند حمایت است

دانشگاه چه مقدار این مسیر را تسهیل می‌کند؟ مراکز اجرایی و تصمیم‌گیر چقدر می‌توانند این فضا را حمایت کنند؟ نمی‌شود ما دانشجوی خودمان را با یک سری مباحث صرف نظر از آشنا بکنیم که خیلی از آنها هم ربطی به جامعه ما نداشته باشد، آنها را آموزش بدهد و بعد ما توقع داشته باشیم که در میراث اسلامی و ایرانی ما هم یک تحول عظیمی اتفاق بیفتد و مشکلات جامعه ما از این مسیر حل شود. انقلاب اسلامی نگاهش روبه جلو باشد و تولیدات خودش را محقق کند و از آنها برخوردار باشد و از آنها استفاده کند، همین‌طور نمی‌توانیم انتظار اسلامی شدن علوم را داشته باشیم، در حالی که به نظر می‌رسد هیچ جهت‌گیری ارادی در دانشگاه وجود نداشته و از طرفی هم هیچ حمایتی صورت نمی‌گیرد؛ آن چیزی که در این زمینه‌ها و از

ساله بود؛ بعد هم مهم‌ترین اقدامی که موجب اخراج من از دانشگاه شد، سازماندهی و فعالیت در جهت اعتصاب در دانشگاه بود که دو روز بعد هم بازداشت شدم؛ روزی مرا صدا زدند و برای بازجویی به سلول‌های ساواک بردند؛ ساواک شیراز سه، چهار سلول به صورت اتاق پنج شش متری داشت؛ به شدت تهدیدم کردند ولی من اقرار نکردم و چیزی را بر عهده نگرفتم؛ بعد مرا داخل سلول بردند و به دو نرده آویزان کردند؛ دست‌هایم را با دستبند فلزی به نرده‌ها بستند؛ هنوز آویزان نشده بودم که فشار شدیدی روی کتف‌ها و دست‌هایم آمد؛ حالت سختی بود، جریان خون در بدنم سخت شده بود و در همان

رضایت‌نامه ساواک قرار داده بود که من هم این شرط را قبول نکردم؛ از جمله فعالیت‌های انقلابی که ما در دانشگاه سازماندهی کردیم؛ یکی برگزاری نمازهای جماعت در ایام ماه مبارک رمضان و جلسات قرآن بود؛ همچنین برهم‌زدن جلسه سخنرانی وزیر علوم پهلوی در دانشگاه، که رییس دانشگاه شیراز، او را دعوت کرده بود و من اواسط جلسه سخنرانی بلند شدم و فریاد زدم و پر خاشگرانه وضعیت دانشگاه را زیر سوال بردم و گفتم که چرا مرا ثبت‌نام نکرده‌اند؟ یکی دیگر از برنامه‌های مهم ما در سال ۱۳۵۰ که من و مهندس طاهری سازماندهی کردیم، نوشتن اعلامیه علیه جشن‌های ۲۵۰۰



حوادث سیاسی تاثیر خودش را می گذارد. شرایط سیاسی و اقتصادی ما می تواند در این قسمت تاثیر گذار باشد و این انتظاری که از دانشگاه داریم که در این مسیر حرکت کند، تحت الشعاع قرار می گیرد و ادبیات فعلی ما در دانشگاهها در این مسیر نیست، البته این که عرض می کنم به صورت کلی است و طبعا ممکن است، مراکز و گروههای علمی این بحث را پیش ببرند، ولی این ادبیات رایج نیست. نمی بینیم که ادبیات رایج از این استفادهای کنند، با این بحث ارتباطی برقرار کنند و بخواهند این مسیر را جلو ببرند و در این قسمت مبنای و جهت گیریها باید روشن تر شود. باید بدانیم می خواهیم به کجا برسیم و دانشجوی ما در هر رشته ای قرار است بعد از فارغ التحصیلی کجا به کار گرفته شود؟

اگر دانشگاه بخواهد با میراث و سنت ما ارتباط برقرار کند، باید این ارتباط از دل گروههای علمی ما بیرون بیاید و به صورت خواست عمومی این مراکز قرار گیرد. این مسائل باید خواست عمومی اساتید ما و دانشجویان ما باشد که سپس بتوانیم درباره این بحث کنیم که با وجود خواست به وجود آمده، این خواست چقدر توانسته نیازهای ما را تامین کند؟ این اتفاق نمی افتد بلکه ضد خودش هم تبدیل می شود. حمایت های صادقانه و عالمانه می تواند موثر باشد و حتما باید از جانب دولت هم اتفاق بیفتد و به خصوص سیاست هایی که تدوین می شود، ولی این سیاستها حتما باید تحقق بخشیده شود و آن هم تحقق عینی، نه اینکه در روی کاغذ باقی بماند؛ مسیر باید باز باشد، موانع برطرف و تسهیل شود.

ولی آن چیزی که من می فهمم و حداقل در مباحثی که در علوم اسلامی انسانی مطرح می شود، ناچاریم که به میراث مان رجوع کنیم و معتقدم در خیلی بخش ها اصلا میراث خودمان را نمی شناسیم، طبعا باید باز شناسی صورت گیرد و البته این بحث هم هست که آیا همه میراث قابل تحقق و بهره برداری و قابل استفاده برای امروز است؟

همه آن چیزی که به عنوان میراث از آن یاد می کنیم برای امروز ما قابل استفاده نیست، ولی بخش هایی از آن می تواند استفاده شود که این بخش ها باید باز سازی و باز نگری شود و در قالب

دانشگاهی ما این آمادگی را دارند که در این قسمت ورود کنند، اما این ورود طبیعتا تبعاتی دارد و نیاز به الزاماتی است که این الزامات باید فراهم شود، در غیر این صورت اگر بهترین متن ها و بهترین منابع هم تهیه و ارائه شود، شاید مورد توجه قرار نگیرد و خلای را بر طرف نکنند.

● میراث یک امر ثابت به مانند سرمایه است و یا موجودی زنده که باید مشکلات را حل کند؟ پاسخ به این پرسش نیاز به دقت و تأمل دارد که بتوانیم با دقت بیشتری راجع به آن صحبت کنیم،

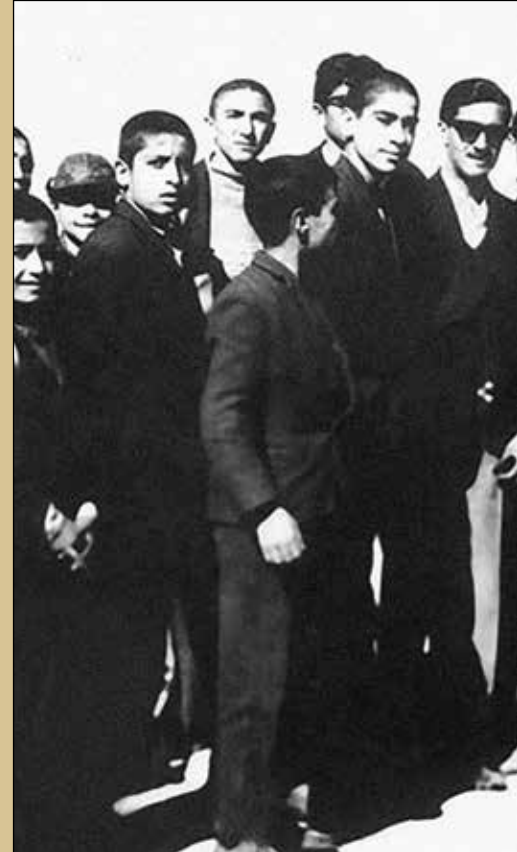
● آیا می توان از ادبیات دانشگاهی یاد کرد که میان سنت و جامعه ارتباط برقرار کند؟ طبعا این اتفاق می تواند موثر باشد. فکر می کنم مشکل ما در این قسمت این نیست. مراکز



خاطره

اسلام ساز گاری نداشت؛ آن دوره جو بسیار اختناق آمیز و هول آوری بود. در شهریور ۱۳۵۰ که اعضای سازمان مجاهدین خلق دستگیر شدند، در زندان «کریم خان»، با مجاهدین خلق آشنا شدم؛ تیرماه ۱۳۵۲ مرا به حشمیتیه تهران که پادگان نظامی بود، آوردند و به سلول بردند؛ ما را از حشمیتیه برای بازجویی به ساواک آوردند. بعد از مدتی مرا از آنجا به زندان قصر بردند؛ آنجا عده ای از مشاهیر مجاهدین خلق زندانی بودند؛ آنها به سراغم می آمدند و با من قدم می زدند و سوابق مرا می پرسیدند؛ به من جزوه می دادند من بر سر جزوه هاییشان دچار مشکل شده بودم.

حالت به پاهایم شلاق می زدند؛ پس از زندان، مرا به سرباز خانه بردند؛ در پادگان کازرون ۱۷ نفر دانشجوی در وضعیتی همانند من بودند که از دانشگاه های مختلف از جمله شیراز آمده بودند. در سربازی، به ساری منتقل شدم؛ مرا از باب اینکه با سربازها اختلاط نداشته باشم در پادگان نگه نمی داشتند؛ در همان ایام بود که با چند تن از دوستانمان با احتیاط و آرام فعالیت می کردیم؛ یکی از دوستان به نام «سعید شاهسون» هم جزوه های مجاهدین خلق را می آورد تا بخوانیم؛ وقتی جزوات آنها را می خواندیم، برای ما بن بست فکری درست می کرد؛ مثلا جزوه شناخت را می خواندیم که حاوی مطالب مارکسیستی بود و با

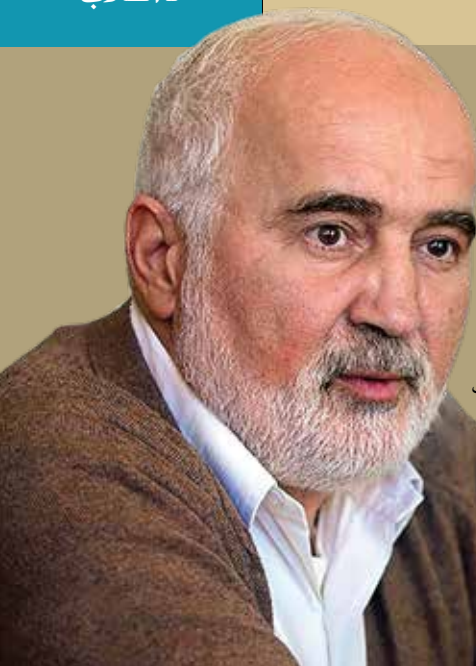


ایستاده‌ایم و نظریه‌های رقیب ما کدامند؟ آیا در دانشگاه‌ها نظریه‌های بومی در مقابل نظریه‌های رقیب تولید می‌کنیم؟ فکر می‌کنم این اتفاق نمی‌افتد؛ یعنی شاید خود ما مروج راه‌های رقیب باشیم؛ طبیعتاً باید در این بخش تامل و توجه بیشتری صورت گیرد و نیاز است در مورد آن بیشتر صحبت کنیم، نمی‌توانیم به صورت کلی بگوییم این ارتباط برقرار است. البته در جاهایی این پیوند برقرار است و تلاش‌هایی هم شده، ولی وجه رایج و قالب، این را نمی‌گوید و با وضع مطلوب متفاوت است.

ما ندارد، ولی ما باید آن را بشناسیم، باشناسی کنیم و ببینیم چه بخش‌هایی را می‌توانیم استفاده کنیم و چه بخش‌هایی را باید کنار بگذاریم. البته توجه دارید که فضا و شرایط امروز ما با فضا و شرایط دیروزمان خیلی فرق دارد، آن زمان بحث‌هایی که می‌شد فارغ از تجربه ۳۷، ۳۸ ساله امروز بود که ما الان با آن مواجه هستیم و بحث‌ها در واقع در فضای مخالفت برای رژیم پهلوی انتخاب می‌شد یا در مقابله و مخالفت و نقد نظریه‌های دیدگاه‌های رقیب که مارکسیسم و سرمایه‌داری بود، ارائه می‌شد، اما امروز ما در کجا

نظریه‌های جدیدی ارائه شود تا بتواند به ما کمک کند؛ بنابراین باید این را توجه کنیم که چه مقدار گروه‌های علمی ما به این سمت و سو حرکت، و این میراث را باشناسی می‌کنند؟ چه مقدار از این باشناسی‌ها که انجام می‌گیرد، مفید است و می‌تواند به ما کمک کند تا تمدن نوین اسلامی را تحقق ببخشیم؟ این تمدن نوین اسلامی به نظر می‌رسد که ریشه در همین میراث داشته باشد. در پاسخ به این پرسش که آیا همه این میراث به کار ما خواهد آمد؟ پاسخ منفی است؛ یعنی همه میراث به صورت صد در صدی قابلیت بهره‌برداری برای امروز

دانشگاه تا انقلاب



برای دوستانم شرح می‌دادم؛ فضای خفقان باعث شد تصمیم بگیرم به قم بروم و درس علوم دینی بخوانم؛ در حادثه ۱۹ دی ۵۶ قم بعد از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی فعالیت داشتم و در مرحله‌ای برای خرید اسلحه به شیراز رفتم، سپس در تظاهرات ساری شرکت کردم؛ بعد هم ماجرای ۱۷ شهریور پیش آمد که متأسف شدم که چرا من در آن تظاهرات شرکت نکردم.

حداکثر فهم آنها از وحی انبیاء، فهم کاتالیزوری بود قرآن را با نگاه شخصی و گروهی تفسیر به‌رای می‌کردند. در زندان با «محمد رجبی» دوست شدم؛ او فلسفه خوانده بود و توصیه می‌کرد که اگر می‌خواهی جریان‌های فکری معاصر را بشناسی، ناچاری که فلسفه بخوانی؛ رجبی به من منطق و فلسفه عمومی یاد داد، تاریخ فلسفه و سیر حکمت را نیز پیش او آموختم؛ همه اینها باعث شد تا با انحرافات ایدئولوژیک آنها به صورت عمیق و مستدل آشنا شوم و راه خودم را پیدا کنم.

اولین همتم پس از زندان، تشویق افراد برای پیوستن به جریان مبارزه و در عین حال دوری از مجاهدین خلق بود؛ موضوع انحراف سازمان را



از دانشگاه تهران
تا شکنجه گاه ساواک

نویسنده:
جلال رفیع
مشخصات نشر: تهران، موزه عبرت ایران،
۱۳۸۴، ۲۶۴ صفحه



جنبش دانشجویی تبریز
(به روایت اسناد و خاطرات)

نویسنده:
رحیم نیکبخت
مشخصات نشر:
تهران، نشر سوره مهر، ۱۳۸۱، ۲۵۸ صفحه



جنبش دانشجویی در ایران: از تاسیس دانشگاه
تا پیروزی انقلاب اسلامی

نویسنده:
علیرضا کریمیان
مشخصات نشر:
تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱،
۴۶۸ صفحه



دانشگاه و دانشگاهیان
از دیدگاه امام خمینی (ره)

گردآوری:
موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
مشخصات نشر:
تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی (ره)، ۴۸۵ صفحه



ناتیر جنبش دانشجویی بر جامعه مدنی ایران
پس از انقلاب اسلامی

مؤلف:
حمیدرضا صادقی
مشخصات نشر:
تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم،
۱۳۹۴، ۲۴۴ صفحه

جنبش دانشجویی ایران
ورسالت‌ها

نویسنده:
منصور سلطانزاده
مشخصات نشر:
تهران، کانون مطالعاتی امام خمینی (ره)
دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۲، ۱۸۴ صفحه

جنبش دانشجویی در ایران:
از تاسیس تا پیروزی انقلاب اسلامی

مؤلف:
علیرضا کریمیان
مشخصات نشر:
مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ۴۶۸ صفحه

تاریخ شفاهی
جنبش دانشجویی مسلمان

تدوین:
محمد حسن روزی طلب و امیر حسین نایبی
مشخصات نشر:
تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶،
۴۷۲ صفحه





جنبش دانشجویی خارج از کشور؛
انجمن اسلامی

اسناد لایحه جاسوسی
آمریکا

جریان شناسی
جنبش دانشجویی

اتحادیه انجمن های اسلامی
دانشجویان در اروپا

نویسنده:
داود قاسم پور
مشخصات نشر:
تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،
۱۳۸۷، ۴۸۴ صفحه

اسناد دانشجویان خط امام (ره)
مشخصات نشر:
موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی
۸، ۱۳۸۶ مجلد، تهران

تالیف:
مهدی رحیمی
مشخصات نشر:
تهران، مهرآه عصر، ۱۳۸۶، ۹۴ صفحه

تهیه و تنظیم:
بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله
دکتر بهشتی.
مشخصات نشر:
تهران، نشر بقیه، ۱۳۸۶، ۱۷۹ صفحه



دیروز، امروز و فردای
جنبش دانشجویی

دانشجوی؛
جنبش یا کرتش

جنبش دانشجویی
در ایران

جنبش دانشجویی
پلی تکنیک

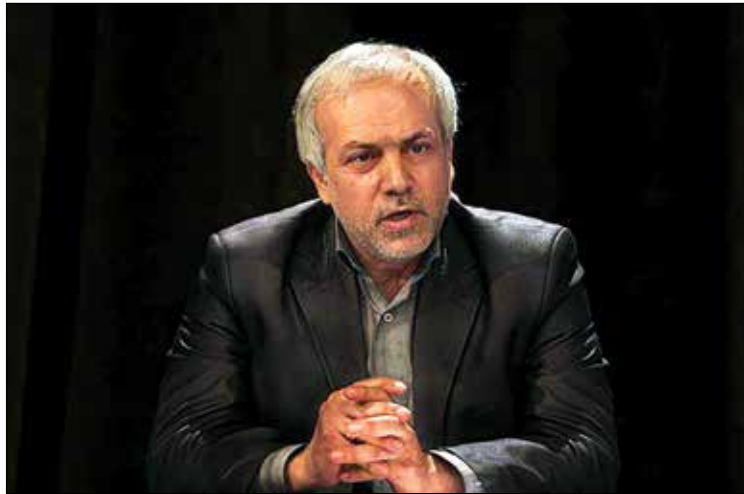
به اهتمام:
مسعود سفیری
مشخصات نشر:
تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، ۲۴۸ صفحه

نویسنده:
رحیم مخدومی
مشخصات نشر:
تهران، رسول آفتاب، ۱۳۹۲، ۱۲۸ صفحه

مؤلف:
شهریار زر شناس
مشخصات نشر:
نشر معارف، ۱۳۹۲، ۸۴ صفحه

نویسنده:
عباس عبدی
مشخصات نشر:
تهران، نشر نی، ۱۳۹۲، ۳۶۸ صفحه





مصطفی نوروزی بیان کرد:

استراتژی امام (ره) برای قدرت‌گیری جنبش دانشجویی مسلمان

مصطفی نوروزی، عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور ارشد سیاسی رییس نهاد نمایندگی رهبر معظم انقلاب در دانشگاه‌ها و مسئول اداره تشکلات اساتید در این نهاد است؛ او با نگاهی به روند شکل‌گیری و قدرت‌یابی جنبش‌های دانشجویی در جوامع و دوره‌های مختلف بر این اعتقاد است که تنها جنبشی که ظرفیت پویایی و پایایی مستمر دارد، جنبش دانشجویی مسلمان است؛ چرا که سایر جنبش‌ها انگیزه‌های لازم را برای استمرار و تداوم نداشته و پس از مدتی به بن‌بست می‌رسند؛ مصطفی نوروزی گفت و گوی پیش رو به تفاوت‌های جنبش‌های دانشجویی ایران با سایر جوامع پرداخته است.



ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب

جریانی که واقعا در دنیا توانست تا امروز بایستد و فریاد بزند و بیداری به‌وجود بیاورد و جریان‌های مقاومت را فعال کند جریان دینی است؛ با تجربه‌ای که وجود دارد جریان دینی است که می‌تواند بایستد و دنیا را مورد خطاب خود قرار دهد و ملت‌ها را بیدار کند و در طولانی مدت تسلیم نشود، به زانو در نیاید و دچار دهه‌ها آفت نشده و به‌ضد خود تبدیل نشود.

جریان‌های دانشجویی ایران در خارج از کشور نیز تحت کنفدراسیون، فعال شدند که سه لایه داشت، اما در واقع دانشجویانی بودند که با ایده‌های غیردینی مبارزه می‌کردند؛ البته تفکر دینی هم ورود پیدا کرد، اما تفکر اول نبود؛ تیم‌های مبارزاتی را تشکیل دادند و اقداماتی صورت گرفت، اما نهایتاً تسلیم شدند و راه به جایی نبردند.

● بعد از انقلاب جنبش‌های دانشجویی توانستند اقدامات بزرگی انجام دهند؛ منشا این تاثیرگذاری از کجاست؟

در دهه ۵۰ که اوج قدرت دولت پهلوی است برخلاف انتظار، جنبش‌های دانشجویی قدرت گرفت و دانشجویان مسلمان توانستند در برابر اندیشه‌های رقیب، قد علم کنند؛ این شرایط در زمانی رخ می‌دهد که دانشجویان با نجف اشرف و امام خمینی (ره) ارتباط می‌گیرند.

دانشجویان مسلمان که به تفکر سنتی، دینی، حوزوی و فقهاتی نزدیک بودند، توانستند از امام (ره) ایده بگیرند و ایشان نیز استراتژی دانشجویان را مشخص کردند که باعث شد دانشجویان به یکباره قدرت بگیرند؛ این استراتژی شامل ارتباط با فضای محرومان در جنوب تهران، مساجد و تکایا بود؛ دانشجویان مسلمان با این راهبرد از یک فضای کوچک و محدود وارد فضای بزرگی شدند و به‌عنوان استوانه‌ای پر قدرت برای انقلاب شناخته شدند و تاثیر جدی در پیروزی و تثبیت انقلاب داشتند.

دانشجویان مسلمان امام (ره) را دریافتند و مردم را به جوشش وادار کردند و تمام‌قدر برابر ساواک ایستادند؛ قبل از انقلاب مقابل آمریکا ایستادند و توانستند در پیروزی انقلاب موثر باشند و بعد از انقلاب نیز در سال‌های اول، دانشجویان نقش تراز اول را داشتند و پایه‌های انقلاب و امام (ره) جلو آمدند و امام نیز به دانشجویان اهمیت دادند و به‌طور جدی تحویل گرفتند و به دانشگاهیان میدان، قوت قلب و جسارت دادند؛ همین عوامل باعث تسخیر لانه جاسوسی و سیلی محکم دانشجویان مسلمان به آمریکا شد.

یک جنبش اصلاح‌گر اجتماعی است، جنبش دانشجویی ایران به خصوص هر چقدر به انقلاب نزدیکتر می‌شود یک جنگ دینی و معنوی است که بسیار عمیق‌تر، پر قدرت‌تر و بالنده‌تر است و آرمان‌های عمیق‌تر و ماندگارتری دارد؛ برای همین، جنبش دانشجویی مسلمان هیچ وقت به خاموشی نگرانید؛ چرا که هر چه از مبانی انقلاب اسلامی ایران بیشتر تغذیه می‌کند عمیق‌تر و بالنده‌تر می‌شود.

● تاثیرگذاری جنبش‌های دانشجویی مسلمان چگونه بود؟

جنبش دانشجویی در ایران سرمایه ملی است؛ هفت دهه فعالیت دانشجویان در ایران در قالب جنبش‌های اعتراضی، جنبش‌های بیدارگری، دفاع از آزادی و عدالت‌خواهی استمرار داشته و به‌ویژه در مقطعی که با تفکر اسلامی سیراب می‌شود فوق‌العاده می‌درخشد. اگر بگوییم جنبش دانشجویی آمریکا و اروپا

دانشگاه انقلاب

جریان اسلامی

جریان اسلامی

انقلاب اسلامی با انقلاب فرهنگی تکمیل شد؛ فرایند انقلاب فرهنگی دو سال و نیم به طول انجامید و نهاد ستاد انقلاب فرهنگی که بعدها به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر نام داد از دل آن به وجود آمد. بعدها اسلامی سازی علوم انسانی و دانشگاه در دستور کار این شورا قرار گرفت، اما این فرایند چه پیشینه و تباری داشته است؛ دانشگاه تراز انقلاب اسلامی محصول تاریخ معاصر ایران است؛ نگاهی به بستر نظری نهاد دانشگاه به ایران نشان دهنده ریشه های فکری این مسئله در رویارویی سنت و تجدد و آغازهای دوران جدید ایران است.

انقلاب اسلامی دوران جدیدی در ایران را شکل داد، اما الگوی اسلامی سازی دانشگاه و بعدها علم در ایران، منحصر در جهان بینی اسلامی نبود؛ بسیاری فکری می کردند می توان جهان جدیدی را ساخت؛ انقلاب مبتنی بر تفکر انقلابی و علیه نظم موجود، به دنبال تخریب آن بود؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمینه اسلامی سازی دانشگاه فراهم شد؛ تاریخ بستی برای تبار انقلاب اسلامی است؛ نهاد دانشگاه در ایران جایگاه بسیاری از افراد بوده است که برخی دل در گرو غرب داشتند و برخی نگاه به شرق دوخته بودند، اما دانشگاه میراث کسانی شد که معتقد به شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» بودند.

دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، بر اساس تصویری که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب ترسیم کرده اند، علاوه بر آنکه باید کشور را به پیش برد، راهکاری برای انسان سازی و تداوم انقلاب اسلامی است. دانشگاه تراز انقلاب اسلامی با پیشینه نظری جدید که مبتنی بر میراث اسلامی بود به وجود آمد؛ نهادهای جدیدی در دانشگاه تاسیس شدند و دستاوردهای دانشگاه و نهادهای دانشگاهی افزون گشت؛ جهاد دانشگاهی یکی از نمونه های مبارک دانشگاه تراز انقلاب اسلامی و پیوند میان فرهنگ اسلامی و جامعه است؛ هر چند ارزیابی دقیق و علمی دانشگاه تراز اسلامی دغدغه اصلی متن حاضر نیست، تبارشناسی دانشگاه تراز انقلاب دغدغه اصلی آن خواهد بود.

بستر نظری نهاد دانشگاه در ایران

ایران پس از ورود به دوران تجدد به دنبال نهاد علم رفت؛ امیر کبیر با اعزام برخی از ایرانیان به خارج از کشور و ممالک فرنگ به دنبال اخذ دانش برای ایران بود و نهاد دارالفنون به همین منظور تاسیس شد؛ اگر میرزا تقی خان و عباس میرزا به گزینه و فراست، ضرورت اعزام ایرانیان به خارج را



از نظر تا عمل؛

تبارشناسی دانشگاه اسلامی

دانشگاه اسلامی ریشه در تاریخ معاصر ایران دارد. پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی برای بازسازی دانشگاه بر تراز انقلاب اسلامی بود؛ دانشگاهی که بر اساس تصویری که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب ترسیم کرده اند، علاوه بر آنکه باید کشور را به پیش برد، راهکاری برای انسان سازی و تداوم انقلاب اسلامی است.



ویژه نامه
دانشگاه انقلاب



یافته بودند، اخذ دانش و اهمیت آن مورد تاکید در آثار روشنفکران بود؛ «فراستخواه» معتقد است؛ علم‌گرایی در ایران مجبور بود مراحل اولیه تکوین خود را در قرن ۱۹ در میان آتش و خون، کشمکش، تکفیر، تشنج، ناامنی، نابسامانی، هرج و مرج و انواع واگرایی سیاسی طی کند.

موج اول روشنفکران معتقدند بودند که ایران باید پیشرفت کند و این مسئله نیازمند تقویت علم و توجه به غرب است؛ برای مثال؛ «ملکم» معتقد بود: ترقی ایران علاوه بر این یک مانع خانگی هم دارد... خلق ایران به واسطه حدت مشاعر طبیعی خود، عقل ساده و انفرادی خود را با قدرت لعموم مجتمعه دنیا متشبه کردند و اغلب وزرای ما به گرفتاری این خبط موروثی، عقل شخصی خود را واقعا مستغنی از علوم کسبی می‌دانند و به این سهو دائمی خود می‌خواهند اعظم مسائل دولت داری را فقط به عقل بی علم حل نمایند؛ بر اساس یک تقسیم‌بندی نسل دوم روشنفکران در آغاز دوران پهلوی بیشتر دور مدار غرب بودند، اما روشنفکران نسل سوم سازهای غرب‌ستیزی را آرام‌آرام کوک کردند؛ البته می‌توان از تبار سیدجمال‌الدین اسدآبادی به عنوان نیای بزرگ اندیشه اسلامی جدید یاد کرد.

اعزام دانشجوی به خارج از کشور، وجه عملی اندیشه ترقی و علم‌گرایی در ایران بود و در طول دوران قاجار ادامه داشت تا اینکه رضاخان اقدام به تاسیس دانشگاه کرد؛ اعزام ایرانیان به خارج جهت اخذ علم از سال ۱۱۹۰ شمسی توسط عباس میرزا و به توصیه میرزا بزرگ قائم مقام (پدر قائم مقام فراهانی) آغاز شد و دو ایرانی برای یادگیری نقاشی و پزشکی به انگلستان رفتند؛ هزار ایرانی در کل دوران قاجار برای تحصیل به ممالک غربی رفتند و همین زمینه را برای تاسیس دانشگاه تهران فراهم کرد؛ دانشگاه تهران ۹ سال پس از سلطنت رضاخان تاسیس شد؛ الگوی تاسیس دانشگاه در ایران غربی بود؛ این دانشگاه بر اساس الگوی فرانسوی تاسیس شد، همچنین طراحان ساختمان دانشگاه تهران از فرانسه آمده بودند؛ تفکرات ایرانی اما همواره با غرب مهربان نبود و تاکید بر سنت و میراث اسلامی نیز مطرح بود؛ در این میان می‌توان به جلال آل احمد و علی شریعتی اشاره کرد؛ البته پیش از این دو سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز بر راه بازگشت به قرآن اشاره کرده بود و شاگردش میرزا رضای کرمانی با گلوله، قلب ناصرالدین شاه را شکافته بود. بستر نظری علم‌گرایی در نهاد دانشگاه و عینیت پهلوی قوام گرفت؛ پس از تاسیس دانشگاه می‌توان از سه گفتمان عمده غربی و

چون امام خمینی (ره)، آیت‌الله طالقانی و شهید مطهری نزدیک بود در جدایی از جبهه ملی رنگ دینی خود را به رخ می‌کشاند. این تشکیلات در حالی وجود داشت که گروه‌های غیردینی برای خود نشریات و تشکل‌های غیررسمی داشتند؛ بسیاری از مذهبی‌ها که بعدها به جریان غالب و انقلابی بدل شدند با رسیدن به اکثریت در انجمن‌های اسلامی دانشجویان توانستند در دانشگاه هژمونی اسلامی برقرار کنند.

گروه‌های غیردینی؛ مانند جبهه ملی و حزب توده از دانشگاه نیرو می‌گرفتند؛ برخی از گروه‌های چریکی نیز در این دوره قدم به میدان گذاشتند؛ که از دانشگاه و جوانان تغذیه انسانی می‌کردند؛ به تدریج نهاد دانشگاه در ایران بدل به نهاد مبارزه شد؛ در این میان رهبران سیاسی جریانات از دانشگاه برمی‌خاستند، البته این جریان با نهاد حوزه و بازار نیز ارتباطاتی برقرار کرد. بسیاری از کتاب‌های شهید مطهری برای

شرقی (مارکسیستی) و اسلامی، در دانشگاه‌های ایران سخن گفت که البته ریشه در تاریخ فکری ایران جدید داشت؛ با سیطره نظام پهلوی بر دانشگاه، گفتمان غربی، گفتمان غالب دانشگاهی شد؛ در کنار این دو گفتمان، حضور گفتمان شرقی و اسلامی به عنوان گفتمان‌های رقیب قابل توجه است؛ با توجه به حاکمیت پارادایم پوزیتیویستی، بخش عمده‌ای از دانشگاهیان ایران به امکان تغییر جهان و تاریخ معتقد بودند.

نهاد دانشگاه؛

از ندای غرب و شرق تا آرمان اسلامی

نهاد دانشگاه جایگاه ورود و خروج اندیشه‌ها و جریان‌های غربی، شرقی و اسلامی شد؛ از دوران پهلوی دوم بود که دانشگاه آرام‌آرام وارد تحولات اجتماعی و سیاسی شد؛ در این میان می‌توان به تاسیس انجمن‌های اسلامی توسط مهدی بازرگان اشاره کرد؛ این جریان که به روحانیونی؛



هنوز مبارزات ما شروع نشده بود، بنده در تهران بودم، دانشجویان در این خیابان‌ها گروه‌گروه جمع می‌شدند، شعار می‌دادند، پلیس حمله می‌کرد، فرار می‌کردند؛ قبل از آن در دوره نهضت ملی هم بوده و این مبارزات دانشجویی وجود داشته است. در کنار آرمان اسلامی که آرمان پیروز انقلاب شد، آرمان‌های دیگری هم وجود داشت؛ یکی از این آرمان‌ها، آرمان گروه‌های چپ بود که از حزب توده، حزب وابسته به شوروی سابق، جدا شده بودند؛ گروه‌های آرمان‌خواه دیگری نیز پیش از انقلاب وجود داشت و باعث شد تا این نهاد از یک نهاد در سیستم آموزشی به کنشگری در عرصه سیاست ایرانی تبدیل شود؛ دانشگاه پس از ورود مردم کم‌رنگ شد، اما فرهیختگان اجتماعی را نمایندگی می‌کرد؛ این نهاد در بستر تاریخی نهاد دانش در ایران به دنبال تغییر جامعه بود، اما الگوهای کلانی که برای این کار انتخاب کرده بود فرق داشت.

دانشگاه آرمانی از دیدگاه امام خمینی (ره)

دانشجویان پیرو خط امام؛ سازندگان دانشگاه اسلامی دانشجویان پیرو خط امام، انقلاب فرهنگی را رقم زدند و به ساختن دانشگاه اسلامی در ایران جدید اقدام ورزیدند؛ چندی پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی (ره) در پیام نوروزی ۱۳۵۹ فرمودند: باید انقلاب اسلامی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید؛ این تأکیدات از آن سال رنگ اجرایی به خود گرفت؛ باید گفت که نهاد دانشگاه از ریل خود خارج شده و به پایگاهی برای گروه‌های ضد انقلاب بدل شده بود. دانشگاه تراز انقلاب بارج نهادن به علم، تلاش داشت تا پیوندی میان میراث اسلامی و علم به وجود آورد.

آرمان دانشگاه از دیدگاه انقلاب اسلامی از طریق امام خمینی (ره) بیان شده است؛ ایشان معتقدند که دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است؛ از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود؛ دانشگاه خوب یک ملت را سعادتمند می‌کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند؛ این آرمان بر بستر اندیشه جدید در ایران ظاهر شده است.

برخی از ارزش‌های دانشگاه در تراز انقلاب اسلامی را می‌توان اشتراکات این آرمان با دانشگاه به صورت کلی دانست، اما برخی از ویژگی‌ها در این آرمان، خاص دانشگاه در تراز اسلامی است؛ بر اساس یک تحقیق در خصوص جایگاه دانشگاه و دانشگاهیان در نگاه امام خمینی (ره) دانشگاه از نظر ایشان سه وظیفه دارد؛ انسان‌سازی،

این میان به گفتمان امام خمینی (ره) گرویدند و این بود که دانشگاه بر بستر آرمان اسلامی قرار گرفت. دانشگاه در جریان آرمان خواهی بود که توانست نقش پررنگی در تاریخ بازی کند.

این نهاد نقش برجسته‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی داشت؛ رهبر معظم انقلاب نقش دانشگاه در پیروزی انقلاب را چنین ارزیابی می‌کنند که دانشگاه به‌طور طبیعی جایی است که مبارزات در آن معمولاً پا می‌گیرد، در همه‌جای دنیا همین جور است؛ علتش هم معلوم است؛ چون در دانشگاه یک مجموعه جوان است، با مسائل روز آشنایند، طبعاً محیط روشنفکری است، محیط آگاهی از مسائل جهانی و با اوضاع حال حاضر و اوضاع جاری است؛ لذا اعتراض می‌کنند؛ همه‌جای دنیا مبارزات دانشگاهی وجود دارد و در کشور ما هم وجود داشت؛ فقط مختص دوران مبارزات اسلامی هم نیست، قبل از آن هم وجود داشت؛ بنده یادم هست، سال ۴۰ که

دانشجویان نگاه‌شده بود؛ آنها پلی بین میراث اسلامی و علم جدید بودند؛ یکی از نمونه‌های برجسته تفکر آکادمیک معلم شهید آن بود که او بر کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی شرح مفصلی نوشت؛ عنوان این کتاب به نوعی بستر هستی‌شناختی و معرفت‌شناسی اندیشه دینی و اسلامی را در مقابل تفکرات مادی تقویت و بیان می‌کرد؛ علاوه بر پایه دانشجویی، اساتید انقلابی نیز به تقویت و طرح مبانی اندیشه اسلامی در دانشگاه‌ها پرداختند؛ شهید مفتاح و علی شریعتی از دیگر اساتید برجسته انقلاب بودند؛ ارتباط وثیق این اساتید با دانشجویان را می‌توان یکی از زمینه‌های طرح دانشگاه تراز انقلاب پس از پیروزی دانست.

دانشگاه بر جریان آرمان خواهی

هر گروه انقلابی پیش از انقلاب بر اساس یک آرمان به نقد و نفی وضع موجود برمی‌خاست؛ مردم در

محمّد فرهادی؛ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

طراوت آرمان فواهی

خاطره از خودگذشتگی دانشجویان فداکار و مبارزی که در جریان اعتراض به دخالت‌های بیگانگان در امور ایران در سال ۱۳۳۲ همراه با دیگر دانشجویان انقلابی بپاخاسته، سینه خویش را آماج گلوله‌های اجنبی پرستان قرار دادند، هرگز از یادها نرفته و برای همیشه در تاریخ ثبت شده است؛ امروز اگر چه از شهادت دانشجویان زنده یاد مهدی شریعت‌رضوی، احمد قندچی و مصطفی بزرگ‌نیا بیش از ۶ دهه می‌گذرد، اما به برکت خون ایشان و دیگر شهدای دانشجو، هنوز طراوت آرمان‌خواهی، عدالت‌طلبی، نقد و پرسش‌گری بر فضای دانشگاه‌ها حاکم است.

دانشجویان انقلابی و استکبارستیز دوران انقلاب شکوهمند اسلامی نیز همان دانشجویان بسیجی و رزمندگان شهید معرکه‌های جهاد و دفاع مقدس‌اند و دانشجویان خلاق عرصه‌های علم و نوآوری سالیان پس از جنگ، همان پرچم‌داران ابتکار و رصدکننده مرزهای دانش امروز هستند؛ نسل‌هایی که با وجود فشارها، و تحریم‌ها از مرزهای هویت و اصالت میهن عزیز اسلامی خویش جانانه دفاع کرده و می‌کنند.

بی‌تردید دانشجویان و دانشگاهیان همواره از تاثیرگذارترین و بیش‌روترین اقشار جامعه در آگاهی‌بخشی، بصیرت‌افزایی و ایجاد شور و شعور انقلابی بوده و در تاریخ معاصر کشورمان نیز کارنامه‌ای درخشان از خود به جای گذاشته‌اند. به‌گونه‌ای که امام‌راحل عظیم‌الشان، دانشگاه را مبدا تحولات می‌دانستند و رهبر معظم انقلاب نیز به کرات بر لزوم آگاهی سیاسی دانشجویان و مشارکت در مدیریت جامعه تاکید ورزیده‌اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این قشر فرهیخته جامعه، موقعیت‌شناسی و آگاهی از اقتضائات زمان و مکان است. اگر تا دیروز دانشجویان متعهد، رسالت‌ساز و سستیز با دشمنان خارجی و حاکمان فاسد داخلی را بر عهده داشتند، امروزه ضمن حفظ موضع انتقادی و حساسیت‌های لازم در برابر عملکرد مدبران، می‌باید جهاد علمی را سرلوحه اندیشه و عمل خود قرار داده و بکوشند که در این مقطع تاریخی، در برون‌رفت کشور از مشکلات فرارو، نقشی سازنده و تاثیرگذار ایفا کنند.

قطع وابستگی و استقلال کشور و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی.

در چند جنبه می‌توان دانشگاه تراز انقلاب را توصیف کرد؛ به لحاظ نظری، رهبران انقلاب اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیات عظام و اندیشمندان اسلامی به صورت ایجابی به توصیف دانشگاه انقلابی پرداختند؛ از لحاظ عملی نیز می‌توان در دو بعد ساختاری و برون‌دادی، به ارزیابی دانشگاه تراز انقلاب پرداخت.

چنانچه آمد، امام خمینی (ره) جایگاه والایی برای دانشگاه قائل بودند و اعتقاد داشتند که دانشگاه می‌تواند انسان‌ساز باشد؛ دانشگاه پس از نزدیک به دو سال تعطیلی و تاسیس ستاد انقلاب‌فرهنگی در تراز انقلاب اسلامی تنظیم شد؛ دانشجویان پیرو خط امام که حالا آرام آرام مسئولیت‌های سیاسی و دانشگاهی را به دست می‌گرفتند، در نظر داشتند که به موازات جمهوری اسلامی دانشگاهی اسلامی نیز داشته باشند. یکی از نهادهایی که پس از انقلاب تاسیس شد جهاد دانشگاهی بود. این نهاد از سال ۱۳۶۵ تاکنون توانسته است در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی، علوم فنی و مهندسی و کشاورزی به ارائه خدمات و توانمندسازی اقتصادی، فنی و تجاری بپردازد.

تشکل‌های اسلامی دیگر در دانشگاه مانند کانون‌های قرآن و عترت، بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشجویان سامان جدیدی یافتند و در کنار این مجموعه‌ها؛ نهادی مانند نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها مأمور به نظارت بر عملکرد دانشگاه‌ها بر اساس موازین جمهوری اسلامی شد.

دانشگاه تراز انقلاب تاثیرات مهمی در تاریخ ایران داشته است؛ پس از انقلاب نیز مهم‌ترین شخصیت‌های نظام سیاسی از دل تشکل‌های دانشجویی وارد نظام سیاسی می‌شوند؛ پروژه جدیدی که برای اسلامی‌سازی دانشگاه تعریف شده بود اجرایی شد و همه ساله همایش‌هایی در این زمینه برگزار می‌شود؛ گام بلندتر دانشگاه در تراز انقلاب اسلامی را باید در ایده اسلامی‌سازی علوم دید؛ این ایده بر آن است که مبانی علوم را بر اساس اسلام بنهد؛ خوانش‌های مختلفی در این میان وجود دارد که یکی از این خوانش‌های را ایده «قرآن‌بنیان علوم» می‌توان نام نهاد؛ اندیشمندانی نظیر آیت‌الله رشاد، حجت‌الاسلام آکوچکیان، گلشنی و رحیم‌پور ازغدی از بزرگ‌ترین تنوریسین‌های این خوانش هستند.

نویسنده: میثم قهوه‌چیان





از دیدگاه امام خمینی (ره)؛

تحول آفرینی دانشجو

امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۰ به بعد که به صورت گسترده وارد مبارزه علیه حاکمیت طاغوت شد، همواره دانشجویان را به عنوان یک قشر موثر در نظر داشت و علی‌رغم وضعیت فرهنگی، اجتماعی و فکری آن دوران که فاصله زیادی بین حوزه، دانشگاه و مردم وجود داشت و دانشگاه پدیده تقریباً ناشناخته‌ای بود و رسانه‌های گروهی به دلیل عدم پیشرفت و گستردگی و توسعه نتوانسته بودند مردم را با دانشگاه آشنا کنند.

دانشجویان می‌خواستند در صحنه‌های سیاسی از جمله انتخابات و دیگر فعالیت‌های سیاسی به عنوان یک قشر تاثیرگذار حضور فعال داشته باشند؛ ایشان در سخنانی از اینکه دانشجویان از سیاست کناره بگیرند، اظهار ناراحتی کرده و فرمودند: در دانشگاه بعضی از اشخاص گفته‌اند که دخالت در انتخابات؛ دخالت در سیاست است و این حق مجتهدان است؛ تا حلالی گفتند که مجتهدان در سیاست نباید دخالت کنند؛ این منافی با حق

شد در سال ۵۷، روحانی و دانشجو در کنار هم در پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسیار موثری ایفا کرده و از این رو ایشان خود را در شکستن توطئه‌های دشمن در ایجاد اختلاف بین دو قشر دانشجو و روحانی موفق دید و فرمود: حال فهمیدید که اگر چنانچه آخوند و دانشگاهی و دیگر قشرها با هم باشند، یک همچون کاری بزرگی می‌کنند. امام (ره) پس از انقلاب اسلامی همواره از

امام راحل در این رابطه فرمودند: بر شما جوانان روشنفکر است که از پاننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید و با فاش کردن خیانت‌ها و جنایت‌های استعمارگران و پیروان بی‌فرهنگ آنها، غفلت زده‌ها را آگاه نمایید. امام (ره) همچنین از ایجاد اختلاف بین حوزه و دانشگاه توسط دشمن کاملاً آگاه بود؛ و لذا به دانشجویان گوشزد می‌کردند که متوجه این توطئه باشند و همین تذکرات امام بود که باعث

راهنما

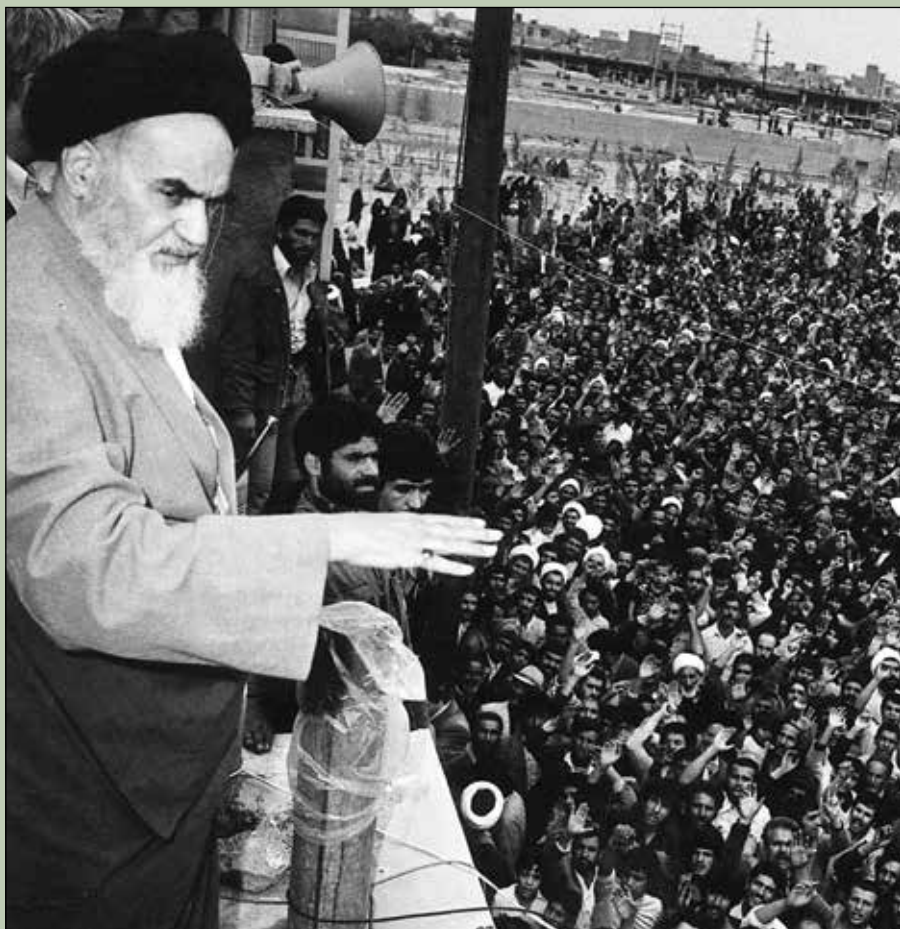
ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب

حاشیه

پیام شهید علم‌الهدی برای دانشجوی امروز

شهید سیدحسین علم‌الهدی سال ۱۳۳۸ در خانواده مرحوم آیت‌الله سیدمرتضی علم‌الهدی از علمای مبارز خوزستان دیده به جهان گشود؛ او از مبارزان دانشجو علیه رژیم شاهنشاهی بود؛ علم‌الهدی با نصب اعلامیه‌ها در رهبری تظاهرات در دانشگاه فردوسی مشهد نقش عظیمی ایفا کرد.





داشتند: ترقی مملکت به دانشگاه است؛ ایشان معتقد بودند رژیم پهلوی باعث شده بود دانشگاه‌ها پیشرفت نکنند؛ لذا می‌فرمودند: این‌ها دانشگاه‌ها را با هر قدرتی که داشتند عقب نگه می‌داشتند، نمی‌گذاشتند که اساتید ما، درست بچه‌های ما را تعلیم کنند این هم برای این بود که می‌دیدند اگر چنانچه دانشگاه به‌طور صحیح عمل کند، مستقل باشد، بعد که این جوان‌ها از دانشگاه بیرون بیایند ضداستعمار بیرون می‌آیند.

چنانچه ملاحظه می‌شود در اندیشه امام (ره)، دانشگاه نقشی اساسی در دادن فکر سیاسی-اجتماعی به دانشجویان داراست، از این رو می‌فرمودند: نقش دانشگاه‌ها در هر کشوری ساختن انسان است؛ ممکن است از دانشگاه انسان خارج بشود که یک کشور رانجات بدهد و ممکن است که یک انسان درست بشود که کشور را به هلاکت بکشاند.

از دید امام خمینی (ره) دانشجویان یک قشر آگاهی است که می‌تواند در اجتماع نقش موثری ایفا کند، اما ایشان معتقد است دانشجویان برای اینکه بتوانند نقش خود را کامل کنند، باید در کنار سایر اقشار اجتماعی از جمله روحانیون، بازاریان، نظامیان و عامه مردم باشد. مرور بر اندیشه‌های حضرت امام (ره) نشان می‌دهد که امام (ره) در میان اقشار مختلف اجتماعی برای دانشجویان جایگاه ممتازی قائل است و همواره تأکید دارد که با قشر ممتاز دیگر؛ یعنی حوزویان در ارتباط باشند تا بتوانند در تحولات، نقش محوری ایفا نمایند؛ امام (ره) معتقد بود توطئه‌های در کار بوده و هست تاروحنانی و دانشجویان را به جان هم بیندازند؛ از این رو ایشان به دانشجویان توصیه می‌کردند در کنار سایر اقشار اجتماعی و به‌ویژه روحانیون قرار گیرند؛ زیرا ائتلاف این دو قشر را ائتلاف همه ملت می‌دانستند.

منبع: فصل‌نامه دانشگاه اسلامی، شماره ۱۵.

امام (ره) پس از پیروزی انقلاب، دانشجویان را مسئول نگرهبانی از انقلاب اسلامی می‌دانستند و همواره به دانشجویان سفارش می‌کردند برای اینکه بتوانند در قلب نهضت قرار داشته باشند و عامل حرکت نهضت باشند، نباید خود را از عموم مردم جدا کنند؛ زیرا در آن صورت مردم به دانشجویان اعتماد نمی‌کنند. ایشان چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی برای دانشگاه اهمیت ویژه‌ای قائل بودند و اعتقاد

مجتهدان است؛ آنجا شکست خورده‌اند؛ حالا عکسش را دارند می‌گویند؛ این هم روی همین زمینه است؛ اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاست هم حق مجتهدان است هر دوی غلط است؛ انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند؛ انتخابات به فرض اینکه سیاسی باشد و هست؛ سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند.

انجمن‌های اسلامی بود و در این تشکل‌ها مرتب فعالیت می‌کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آن دوران جلسات تفسیر قرآن در مسجد کرامت مشهد داشتند و جلسات ایشان بسیار جوان‌پسند بود و یکی از پایگاه‌ها و محل تجمع نیروهای جوان و مذهبی بود. حسین در مشهد مرتب در این جلسات حاضر می‌شد و حضور فعال داشت و جلسات تفسیر قرآن را یادداشت و تکثیر می‌کرد و در واقع از دوران دانشجویی با رهبر معظم انقلاب ارتباط داشت و بعد از جنگ هم دوباره در اهواز با معظم له ارتباط داشت.

سید حمید، برادر شهید سید حسین علم‌الهدی

حسین در زلزله طبس نقش فعالی در کمک به آسیب‌دیدگان و بسیج کمک‌های عمومی داشت و به هنگام ورود شاه و همسرش به طبس، تظاهرات عظیمی علیه آنان به راه انداخت. حسین قبل از انقلاب، سازمان موحدین را با چند تن از دوستان هم‌فکرش تشکیل داد و به اطاعت از امام (ره) به مبارزه با طاغوت می‌اندیشید و در مقابل آتش زدن مسجد جامع کرمان توسط عوامل رژیم، شهربانی کرمان را به آتش کشید و به اهواز بازگشت. پیش از انقلاب در دانشگاه، فقط یک پایگاه برای دانشجویان مسلمان وجود داشت و آن انجمن اسلامی دانشجویان بود که حسین عضو ثابت و فعال



از منظر رهبر معظم انقلاب؛

نسبت دانشگاه با سیاست

نسبت دانشگاه و جنبش دانشجویی با سیاست از نظر جریان‌های غیر انقلابی و ضد انقلابی در زمینه رویکرد و تکنیک با چارچوب دیالکتیک دانشجویی سیاسی از نظر رهبر معظم انقلاب متفاوت است که در این مقاله مهم‌ترین وجوه این تفاوت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

هدف

در صورتی که بخواهیم به نسبت صحیح بین دانشگاه و سیاست بپردازیم، باید ابتدا تفاوت اهداف موجود میان جریان انقلابی و ضدانقلابی را متمایز نماییم؛ هدف جریان انقلاب از برقراری پیوند میان دانشگاه و سیاست، نقش آفرینی دانشجویان در دولت‌سازی و نظام‌سازی است که نهایتاً منجر به ساخت تمدن اسلامی می‌شود؛ به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب میدان دادن به دانشجویان و اساتید ارزشی را برای فعالیت، از لوازم نقش آفرینی دانشگاه‌ها در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی برمی‌شمرند؛^(۱) در این راستا، به منظور اصلاح در کوتاه‌مدت به نقد قدرت حاکم و مطالبه‌گری از آن و آگاه‌سازی عمومی می‌پردازد و در بلندمدت می‌کوشد در تعامل با سیاست، سیاست‌مداران تراز دولت اسلامی را تربیت نماید.

از سوی دیگر هدف جریان غیرانقلابی و ضدانقلاب از پیوند دادن دانشجویان و سیاست، جز این است؛ این جریان به جنبش دانشجویی به عنوان یکی از جنبش‌های توده‌ای فعال در جریان جامعه مدنی می‌نگرد^(۲) و می‌کوشد تا با بهره‌گیری از ایدئولوژی غربی، جنبه‌های استقلال‌طلبانه و هویت مستقل این جنبش را به نفع نظام‌سازی غربی مصادره کند تا نهایتاً کشور با تربیت مدیران تراز انسان مدرن غربی، به چیزی بیشتر از یک پازل برای نقشه جامعه جهانی تبدیل نشود، در

همین راستا، جریان معارض می‌کوشد در کوتاه‌مدت، جنبش دانشجویی را به عنوان ابزاری در کنار سایر خرده‌نهادهای جامعه مدنی، به نقش آفرینی در فضای اجتماعی و ساختار قدرت سیاسی و گاه فشار و مقابله با نظام اسلامی وادار کند و در بلندمدت عناصر مطلوب خود را به عنوان تصمیم‌گیران سیاسی بر مسند نظام قرار دهد.

رویکردها

۱. مبنای فعالیت سیاسی

جنبش‌های دانشجویی غالباً خود تولیدکننده ایدئولوژی نیستند و نقش اصلی آن‌ها در تعمیم و گسترش ایدئولوژی و اثر بخشی بر افکار عمومی است؛ لذا از افراد شاخص یا به عبارتی ایدئولوگ‌های جریان فکری و سیاسی نزدیک به خود تبعیت می‌کنند که بهترین مثال از شیوه تأثیر پذیری ایدئولوژیک را می‌توان در جریان جنبش دانشجویی کشور خودمان در برهه‌های گوناگون جست‌وجو کرد. جنبش دانشجویی در ایران در زمان اوج خود؛ یعنی در بحبوحه پیروزی انقلاب، تحت تأثیر سه ایدئولوژی مارکسیستی، اسلامی و ناسیونالیستی بود که هر یک، از ایدئولوگ‌های خود تأثیر می‌پذیرفتند؛ جریان مارکسیستی دانشگاه با تأثیر پذیری از عقاید مارکس و لنین و رهبران شوروی، به تعمیم ایدئولوژی

در شبکه پیچیده و پنهان مارکسیستی که شعبه‌ای از آن در دانشگاه‌ها فعال بود، می‌پرداخت؛ جریان ملی‌گرا به ترویج افکار رهبران جنبه ملی و نهضت آزادی در دانشگاه می‌پرداخت؛ دانشجویان مسلمان نیز به رهبران فکری خود؛ از جمله امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید بهشتی، شهید مطهری و دکتر شریعتی تاسی می‌کردند.^(۳)

۲. تحلیل‌گری

جنبش دانشجویی زمانی که خود نتواند به درستی به قدرت تشخیص مسائل دست یابد، طبیعتاً به یک واکنشگر منفعل و سطحی‌اندیش تبدیل می‌شود که عملاً قوه تحلیل خود را به جریان معارض بخشیده است؛ در مواجهه دانشجویان با مسائل سیاسی هر چه سطح تحلیل آن‌ها عمیق‌تر باشد، می‌توانند به واکنش مناسب‌تری نسبت به هر رخداد بپردازند؛ این امر مطلوب انقلاب اسلامی هم هست و از همین روست که رهبر انقلاب معتقدند کشوری که دانشجویان و جوانانش مسائل سیاسی را نمی‌فهمند و تحلیل درستی از جریان‌های سیاسی دنیا ندارند، نمی‌تواند مبتنی بر مردم، حکومت، حرکت، مبارزه و جهاد کند.^(۴)

۳. گفت‌وگو

آنچه در رویکرد گفت‌وگو در مواجهه با سیاست باید ذکر شود، نقش گفت‌وگو و دیالوگ با سایر گفت‌وگوهای رقیب و رویکردهای غیرانقلابی است؛ از همین رو انتظار



ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب



جریان اسلامی

با توجه به مبانی سیاست انقلابی که پیش تر ذکر آن رفت، در واکنش به مسائل سیاسی به گونه‌ای رفتار کند که به کاهش یا رفع هزینه‌ها از انقلاب اسلامی منجر شود. در مقابل، تکنیک جریان معارض انقلاب در برخورد با مسائل روزمره سیاسی، دامن زدن به حواشی، شایعات و اخبار غیرمؤثق است؛ به گونه‌ای که به جای تلاش برای رفع مشکل یا اصلاح نقص، برای اصل نظام هزینه ایجاد شود و حتی بعضاً نمود این رفتارها در رسانه‌های ضدانقلاب با عنوان «بیداری جنبش دانشجویی» منعکس می‌شود. نمونه این رفتارهای هزینه‌زا در سال ۸۸ و ۸۷ مشاهده شد.

پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار روسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، ۲۰ آبان ۱۳۹۴.
۲. صدقی، حمیدرضا، تأثیر جنبش دانشجویی بر جامعه مدنی ایران پس از انقلاب اسلامی، موسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم، آبان ۱۳۹۴.
۳. کریمیان، علیرضا، جنبش دانشجویی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
۴. بیانات رهبر انقلاب در آستانه روز دانش آموز، ۱۲ آبان ۱۳۷۲.
۵. بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان، ۲۰ تیر ۱۳۹۴.

به معنی غفلت از واقعیت‌ها و رشد انتظارات غیر واقعی نیست؛ توجه به واقعیت‌های موجود در کنار رضایت نداشتن مستمر از وضع فعلی، می‌تواند هدایتگر رویکردی آرمان‌گرایانه باشد؛ مسئله‌ای که جریان معارض با انقلاب آن را بر نمی‌تابد و با القای مسائل غیر واقعی به جای واقعیت، در صدد مایوس کردن دانشجویان از آینده کشور و القای تفکر «مانمی‌توانیم» در سطح دانشگاه‌ها و به تبع آن، فضای عمومی کشور است.

۶. وظایف دانشجویی

در تبیین نسبت دانشگاه با فعالیت سیاسی، نمی‌توان از وظایف اصلی دانشجویی غافل شد؛ به هر حال مهم‌ترین وظیفه دانشگاه، تولید علم و مهم‌ترین وظیفه دانشجویی، کسب علم است؛ جریان انقلاب، رابطه دانشگاه و سیاست را در خدمت این وظیفه اصلی می‌خواهد؛ به نحوی که دیالکتیک دانشگاه و سیاست به ایجاد نشاط در دانشگاه و تلاش برای ارتقای جایگاه علمی خود و کشور و رسیدن به هدف مقدس و انقلابی منجر شود.

تکنیک‌ها

در برخورد با مسائل سیاسی روزمره، به تبع تفاوت اهداف و رویکردها، جریان انقلابی، غیر و ضدانقلابی واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند؛ جریان انقلابی می‌کوشد با توجه به تحلیل صحیح سیاسی و

می‌رود فعالیت گفتمان‌های متفاوت در چارچوب قانون و آزاداندیشی وجود داشته باشد و ممانعت از تکرار آن و گفتمان‌های ذیل انقلاب به عمل نیاید تا از دل این گفت‌وگو، به تولید نرم‌افزار علمی در سطح سیاست و ترویج آن در فضای جامعه پرداخته شود.

۴. استکبارستیزی

مقابله با استکبار را می‌توان یکی از رویکردهای اساسی و کار ویژه مهم جنبش دانشجویی به حساب آورد؛ این تکلیف نه در یک برهه زمانی خاص، که به عنوان یک رویکرد دائمی در نسبت دانشگاه و سیاست جهانی تعریف می‌شود؛ مبدأ تحرک جنبش دانشجویی انقلابی (۱۶ آذر ۱۳۳۲) خود حرکتی بر پایه استکبارستیزی بوده است و این حرکت تا امروز نیز استمرار داشته است؛ رهبر انقلاب مبارزه با استکبار و نظام سلطه را جزء کارهای اساسی و مبانی انقلاب برمی‌شمرند که تعطیل پذیر نیست و تصریح دارند اگر مبارزه با استکبار نباشد، ماصلا تابع قرآن نیستیم.^(۵)

۵. آرمان‌گرایی

جریان غیرانقلابی از یک سو می‌کوشد با نقش دادن به دانشجویان در ساختار قدرت، آنها را از مطالبه‌گری به سوی محافظه‌کاری سوق دهد تا جنبش دانشجویی احیای مطالبات اساسی و آرمان‌های انقلاب را فراموش کند؛ از همین رو رهبر انقلاب از محافظه‌کاری با تعبیر تکان‌دهنده «قتلگاه انقلاب» یاد می‌کند؛ البته این

سه قطره خون

زمینه‌های وقوع حادثه

● پس از بازگشایی دانشگاه در مهرماه ۱۳۳۲ که هم‌زمان با شروع دادگاه فرمایشی دکتر محمد مصدق، دکتر علی شایگان و مهندس احمد رضوی بود، جنب و جوش زیادی در میان دانشجویان برای فعالیتهای سیاسی و برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات اعتراضی پدید آمد. نخستین حرکت عملی در این زمینه، تظاهرات روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به نشانه اعتراض به محاکمه این سه تن بود. دانشجویان با شعارهایی نظیر «مصدق بی‌رواست» و «هرگ بر شاه» به تداوم فضای خفقان و تجدید رابطه سیاسی با بریتانیا، شدیداً اعتراض کردند.

● چند هفته پس از برپایی دادگاه مصدق، اعلام شد که روابط ایران و بریتانیا که در زمان نخست وزیری مصدق قطع شده بود از سر گرفته خواهد شد و ریچارد نیکسون نایب رئیس جمهوری وقت آمریکا برای دیدار رسمی به ایران خواهد آمد. این موضوع بهانه لازم برای اعتراضات را فراهم کرد و دانشجویان فعال در ۱۶ آذر به سخنرانی در کلاس‌ها پرداختند و ناآرامی تمامی محوطه دانشگاه تهران را فرا گرفت. دولت وقت برای پیشگیری از هرگونه اقدام بعدی تصمیم به سرکوب اعتراضات گرفت.

● اوایل دهه ۱۳۳۰، فعالیتهای سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه تهران افزایش یافت. پس از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق با همکاری عوامل آمریکا و انگلیس، دولت کودتا به تحدید آزادی‌ها و سرکوب فعالان سیاسی پرداخت و کشور را به سمت وابستگی به غرب سوق داد. نیروهای ملی با تشکیل «نهضت مقاومت ملی» سعی کردند فضای اختناق را شکسته و برای گسترش اندیشه‌های استقلال طلبانه دکتر مصدق، فعالیتهایی را به کمک دانشجویان به عنوان بازوی اجرایی نهضت، سازماندهی کنند.

شهدای ۱۶ آذر

احمد قندی در سال ۱۳۱۲ به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا سال اول در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه داد. او فعالیت سیاسی داشت و به پخش اعلامیه‌های افشاگرانه، اقدام می‌کرد؛ قندی مذهبی بود و از آرمان ملی کردن صنعت نفت شدیداً دفاع می‌کرد. روز حادثه، پس از اینکه احمد زخمی شد، لوله شوفاژ از بالای سقف نیز ترکید، سر و صورتش را سوزاند؛ او پس از انتقال به بیمارستان نیروی مسلح شاهنشاهی به وسیله عناصر رژیم؛ به علت خونریزی شدید و نرساندن خون به بدنش شهید شد.



مصطفی بزرگ‌نیا متولد ۱۳۱۳ بود و در هنگام شهادت ۱۹ سال داشت و دانشجوی دانشکده فنی بود و علاقه زیادی به مستضعفان و محرومان جنوب شهر داشت؛ شب‌های جمعه مواد غذایی می‌خرید و به جنوب شهر می‌رفت؛ همچنین او در شب‌های عید، برنج و ماهی در کیسه‌های کوچک تهیه می‌کرد و با کمک دوستانش با دوچرخه به جنوب شهر می‌بردند و تقسیم می‌کردند؛ بسیار با شهامت بود و جمله معروفش این بود که می‌گفت: «مرگ افتخار آمیز را از زندگی ننگین بهتر می‌دانم».



مهدی شریعت‌رضوی معروف به آذر شریعت‌رضوی، متولد مشهد در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۱۱، یکی از سه دانشجویی است که در حمله نیروهای امنیتی به دانشگاه تهران در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ کشته شد. او برادر پوران شریعت‌رضوی است؛ علی شریعتی، همسر پوران شریعت‌رضوی در رابطه با او گفته است: «اگر اجباری که به زنده ماندن دارم نبود، خود را در برابر دانشگاه آتش می‌زدم، همان جایی که بیست و دو سال پیش آذرمان در آتش بیداد سوخت، او را در پیش پای نیکسون قربانی کردند».



دانشگاه در نگاه امام خمینی (ره)

مقدرات مملکت ما دست دانشگاهی‌هاست. فردای امروز مقدرات مملکت ما دست این‌هاست. دانشگاهی یک عضو مؤثر است که ما فردا همه چیزمان دست این‌هاست. اگر ایران بخواهد یک سعادت‌ی پیدا کند با دست این‌ها سعادت پیدا می‌کند. (۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸) دانشگاهی، دانشجو، چه دانشجوی قدیمی، چه دانشجوی جدید، همه مسائل توی دست اینها باید حل بشود. اینها قوه متفکره یک ملت هستند. اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست ما برود، همه چیزمان از دستمان رفته است. (۲۳ خرداد ۱۳۵۸)

۱۶ آذر از نگاه رهبر معظم انقلاب

حادثه ۱۶ آذر، نشان دهنده یک حرکت آرمان‌خواهانه دانشجویی در مبارزه با آمریکا محسوب می‌شود و این در حالی است که عده‌ای به عنوان دانشجو و تحت عناوین بسیار پوچ، سست و غیرمنطقی در صدد هستند تا ۱۶ آذر را در نقطه مقابل آن؛ یعنی گرایش به آمریکا مطرح کنند. این کار، پشت کردن به جنبش دانشجویی و در مقابله با آرمان‌خواهی دانشجویان است.

واقعه ۱۶ آذر ۱۳۳۲

● صبح ورود نیکسون یکی از روزنامه‌ها در سرمقاله خود تحت عنوان «سه قطره خون» نامه سرگشاده‌ای به نیکسون نوشت که فوراً توقیف شد ولی دانشجویان سحر خیزی زودتر از پلیس روزنامه را خواندند. نویسنده این نامه، ابتدا به سنت قدیم ایرانی‌ها مبنی بر قربانی کردن در پای دوستی که از سفر یا زیارت برمی‌گردد اشاره کرده بود و خطاب به نیکسون نوشته بود: «آقای نیکسون وجود شما آن قدر گرمی و عزیز بود که در قدوم شما سه نفر از بهترین جوانان این کشور؛ یعنی دانشجویان دانشگاه راقربانی کردند».

● روز ۱۷ آذرماه ۱۳۳۲، فردای رخداد غم‌بار ۱۶ آذر، نیکسون، معاون وقت آیزنهاور به ایران آمد و دکترای افتخاری در رشته حقوق را در دانشگاه تهران که در اشغال مشهود نیروهای نظامی بود، دریافت کرد.

● مهندس شمس‌ملک‌آرا مشغول تدریس بود که ناگهان در کلاس باز شد و نیروهای مسلح وارد شدند که دو دانشجو را با خود ببرند. استاد درخواست کرد که تا پایان کلاس صبر کنند و حرمت کلاس را نگاه دارند، ولی آنان کشان‌کشان آن دو دانشجو را بردند؛ در ادامه دانشجویان شعارهای «مرگ بر شاه» سر دادند و در مقابل، سربازان به روی آنها آتش گشودند که موجب شهادت سه دانشجوی این دانشکده به نام‌های احمد قندی، مهدی (آذر) شریعت‌رضوی و مصطفی بزرگ‌نیا شد.

قدیری ایبانه:

رویکرد ضد امپریالیستی جنبش‌های دانشجویی

محمدحسن قدیری ایبانه یکی از دانشجویانی است که در ایتالیا به ترویج اندیشه‌ها و آرای امام خمینی (ره) می‌پرداخت. او که در سال ۱۳۵۳، ۲۰ سال داشت اولین انجمن اسلامی ایتالیا را وابسته به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا بنا نهاد و مسئولیت آن را تا سال ۵۸ بر عهده داشت و پس از این دوره نیز با حضور در رسانه‌های ایتالیایی در مناظراتی به منظور تبیین اهداف و آرمان‌های انقلاب شرکت کرد؛ در خصوص این موضوع گفت‌وگویی با او داشتیم.

● دانشگاه و فضای دانشگاهی پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه تفاوت‌هایی داشتند و جنبش‌هایی دانشجویی چگونه توانستند تاثیر گذار باشند؟

قبل از انقلاب کل ظرفیت دانشگاه‌های ایران حدود ۱۲۰ هزار نفر بود که تنها ۲۰ درصد آنها را خانم‌ها تشکیل می‌دادند و در بسیاری از استان‌ها حتی یک دانشکده هم وجود نداشت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به تاکید اسلام بر علم‌آموزی و اینکه آموختن علم عبادت خدا محسوب می‌شود، اهتمام فوق‌العاده‌ای

به گسترش دانشگاه‌ها و ظرفیت آنها و تدریس علوم متفاوت با هدف و نیت پیشرفت همه‌جانبه کشور تالیس شد، به نحوی که ظرفیت دانشگاه‌ها هر ساله بیش از کل ظرفیت دانشگاه‌های پیش از پیروزی انقلاب شد تا جایی که امروز ظرفیت دانشگاه‌ها حدود ۵ میلیون نفر است؛ ظرفیت مقاطع عالی؛ یعنی فوق لیسانس و دکترا نیز از ظرفیت کل دانشگاه‌های کشور قبل از انقلاب بیشتر است؛ به عبارت دیگر تعداد دانشجویان ما از کل جمعیت کشورهای کویت، قطر، بحرین و امارات بیشتر است و این مسئله یک امتیاز بزرگ برای کشور محسوب می‌شود.

دانشجویان به عنوان نیروی جوان آینده‌سازان کشور هستند و این نیرو و توان، موتور حرکت کشور به سمت آینده‌ای روشن است؛ دانشجویان در قبل از انقلاب هم نقش موثری داشتند و در ۱۶ آذر که روز دانشجو اعلام شده این تاثیر گذاری را نشان دادند؛ در این روز چند تن از دانشجویان که در اعتراض به حضور معاون رییس جمهور آمریکا تجمع کرده بودند به شهادت رسیدند.

جنبش‌های دانشجویی از ابتدا جنبه ضد امپریالیستی داشتند و با همین رویکرد توانستند در پیروزی انقلاب اسلامی نقش آفرین باشند؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم در جهاد سازندگی و هم در دوران دفاع مقدس نقش آفرینی کردند؛ محسن رضایی که فرمانده سپاه بود در دوران دانشجویی خود برای این سمت انتخاب شد.

ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست در اوج تحریم‌ها و فشارها در عرصه‌های گوناگون، دستاوردهای بزرگی را محقق سازد؛ پیشرفت ایران در زمینه‌های نانو تکنولوژی، سلول‌های بنیادی، موشک‌سازی و بسیاری از زمینه‌ها مرمون تلاش همه کسانی است که هم به تحصیل علم روی آوردند و هم بعد از فارغ‌التحصیلی به تلاش سازنده خویش ادامه دادند.

● رژیم پهلوی تلاش کرد با ایجاد دانشگاه‌ها در ایران تفکر و اندیشه غرب را در کشور ترویج کند، اما شاهد رشد دانشجویانی بودیم که در زمینه انقلاب و تثبیت اندیشه‌های انقلابی نقش موثری داشتند و پس از انقلاب مسیر دانشگاه‌ها به سمت ارزشی شدن تغییر پیدا کرد؛ این تغییر رویکرد چگونه رخ داد؟

رژیم شاه تحت امر آمریکا درصدد زدودن دین از جامعه بود و هدفش هم در این رابطه

ریشه

ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب





مجتبای اسلام و المسلمین ممد ممد مدیان، رئیس نهاد رهبری در دانشگاه

جنبش استکبارستیز

دانشجویان، تلاشگران عرصه علم، فرهنگ و سیاست در دانشگاه‌ها هستند و بدون شک ۱۶ آذر را می‌توان آغازگر جنبشی حق‌طلب، ضد ظلم، استکبارستیز، استقلال‌خواه و عدالت‌طلب دانست که در هیاهوی انگاره‌های ماتریالیستی و ایستارهای محافظه‌کارانه و سازشگر چپ‌ها و راست‌ها و در هیاهوی سرسپردگی به قدرت‌های بیگانه، به دست جریان اسلام‌گرا به تکاپو افتاد و با قطره‌های خون آن سه شهید، رنگی از جاودانگی یافت؛ همراه و همگام با نهضت امام خمینی (ره) رشد کرد و در مسیر ۳۸ ساله انقلاب اسلامی به بالندگی رسید و حالا تبدیل به درختی تنآور و مثمر برای آرمان‌های انقلاب شده است.

بدین ترتیب این جنبش ۶۳ ساله با چهار ویژگی ممتاز آرمان‌گرایی، تعهد و دردمندی، استغنا از احزاب و باندهای قدرت و ثروت و پیش‌رو بودن در مطالبه آرمان‌ها؛ چه در ۱۶ آذر ۳۲ که بهترین جوانان این مملکت به پای کهنه‌سواران دولت آمریکا قربانی شدند و چه امروز که در دوران حاکمیت مردم‌سالاری دینی - با صداقت و صراحت - مؤلفه‌های اصلی انقلاب اسلامی؛ یعنی استقلال، عدالت و آزادی متعهدانه را در محیط دانشگاه راهبری می‌کند، علی‌رغم برخی فراز و فرودها مسیر افتخار آمیزی را طی کرده است.

جوانان و دانشجویان این مرز و بوم در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در حالی که هنوز باطن آمریکانه در بین توده‌های مردم که حتی در بین نخبگان هم خیلی شفاف نبود با هوشمندی مسیری را برگزیدند که امروز راه هر آزادی‌خواه راستینی از آن مسیر می‌گذرد، راه مقابله با ظلم و ظالمان و مصداق اتم آن در این دوره؛ یعنی آمریکا.

امروز فریاد دانشگاه بلند است و راه دانشجوی بصیر و جوان انقلابی همان راه قندچی و شریعت رضوی و بزرگ‌نیا و علم‌الهدی و وزوایی و رجب‌بیگی و چمران و علی‌محمدی و شهریار و رضایی‌نژاد و احمدی‌روشن است، مسیر جریان دانشجویی و دانشگاه مسیر آزادی متعهدانه، دینداری خردمندانه، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی است.

عقب‌نگه داشتن جامعه بود؛ استراتژی آمریکا در رابطه با کشورهای نفت‌خیز به ویژه ایران وابسته کردن آنها به صادرات نفت خام بود؛ فلذا در همین راستا مانع تولید در کشور شد و برای اینکه تولید صورت نگیرد باید مانع کار می‌شد و برای اینکه مانع کار شود باید فرهنگ کار را از بین می‌برد.

بعد دیگر این استراتژی مصرف‌گرا بار آوردن ایرانیان و حرکت به سمت مصرف کالاهای خارجی بود و به همین منظور از نظر فرهنگی تلاش می‌کردند کاری کنند که مصرف کالاهای خارجی به نشانه تشخص اجتماعی در بین ایرانیان مبدل شود که البته ما هنوز گرفتار این نوع از توطئه‌ها هستیم؛ لذا دانشگاه‌های ما هم در همین راستا و در همین مسیر گام برداشتند.

با پیروزی انقلاب اسلامی مسیر حرکت کلا تغییر کرد و مسیر اسلامی شدن را پیمود؛ هر چند تا به نتیجه نهایی رسیدن فاصله داریم، اما اهدافی که وجود داشت مسیر دانشگاه‌ها را شکل داد؛ تشکیل نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ایجاد دانشگاهی، برقراری دروس معارف، رعایت حجاب و ازدواج‌های دانشجویی همه و همه به حرکت دانشگاه‌ها در این مسیر کمک کرد.

● چه انتظاری از دانشگاه انقلابی و اسلامی می‌رود؟

انتظاری که رهبر معظم انقلاب از دانشگاه‌ها داشته و دارند نه تنها تأثیرگذاری بر محیط داخلی بلکه تأثیرگذاری در محیط بین‌المللی نیز بود؛ در پیام اخیر ایشان به دانشجویان خارج از کشور نیز این انتظار مشخص و هویداست؛ دانشجو و دانشگاه چه در داخل و چه در خارج از کشور باید همواره به فکر تأثیرگذاری باشند و به نوعی انقلاب و اسلام را در جهان منتشر کنند؛ این از حیث استکبارستیزی، خودباوری و تلاش از شاخصه‌های دانشگاه انقلابی و اسلامی است.

دانشگاه‌ها و دانشجویان ما باید این آمادگی را داشته باشند که در صورت فراهم آمدن شرایط لازم و آزادسازی کشورها از دست استکبار و استبداد بتوانند توان و ظرفیت علمی خود را در سایر کشورها نیز ایجاد کنند و موقعیت جهان اسلام را ارتقا بخشند و در راستای شکل‌گیری تمدن بزرگ اسلامی وظیفه تاریخی خود را انجام دهند؛ بر همین اساس مسیر حرکت باید به سمتی باشد که همه بتوانند مطابق با علاقه و استعداد خود در رشته‌های تحصیلی بدون محدودیت تحصیل کنند و توان علمی خود را در خدمت به ملت خود و جهانیان قرار دهند.

نجفقلی حبیبی:

دانشگاه ایرانی؛ پیش و پس از انقلاب

جان نثار اعلی حضرت، مورد تمسخر دانشجویان بود؛ دانشگاه پس از کودتا خراب شد؛ جریانات انقلابی در دانشگاه بودند.

اما این نهاد از نظر مدیریتی مشکلات و کاستی‌های زیادی داشت؛ مدیریت‌ها خیلی به شاه وابسته بودند و ساواک در دانشگاه به صورت مرتب حضور پیدا می‌کرد و برای اساتید و دانشجویان دردسرا ایجاد می‌کرد، آنها را بازداشت می‌کرد و این‌ها یعنی وابستگی نهاد دانشگاه؛ از سوی دیگر روزبه‌روز دانشجویان دانشگاه از اقشار مختلف وارد دانشگاه شدند و چهره دانشجویی دانشگاه عوض شد؛ این یک حسن است؛ دانشجویان روستایی، کشاورز، کارگر و کاسب وارد دانشگاه شدند.

● شما شاگرد استاد مطهری بودید ایشان یکی از معلمان انقلاب بودند و کلاس‌های ایشان به عنوان یک استاد شاخص انقلاب چه خصوصیتی داشت؟

ایشان در کلاس فقط درس‌شان را می‌گفتند؛ بچه‌هایی که ایشان را می‌شناختند بعد از کلاس به دفترش می‌رفتند یا جلسات بیرون از دانشگاه را شرکت می‌کردند و اصلاً این طور نبود که در کلاس بحث سیاسی را طرح کنند؛ کلاس درس فقط مختص درس بود.

● آیا اساتید غیرمذهبی هم در دانشکده الهیات حضور داشتند؟
بلکه آریان‌پور یک مارکسیست اعتقادی بود و تاریخ فلسفه غرب در دانشکده الهیات تدریس می‌کرد و در همه جلسه‌هایش بین او و شاگردانی که بعضاً از قم می‌آمدند دعوا می‌شد و برخی از دوستان، ایشان را از هم جدا می‌کردند و بعد از کلاس مراسم آشتی‌کنان برگزار می‌شد؛ رژیم عمداً او را فرستاده بود؛ چند نفر دیگر هم بودند.

نجفقلی حبیبی را می‌توان مردی از تبار دانشگاه اسلامی دانست؛ او پیش از انقلاب در دانشکده الهیات دانشگاه تهران شاگرد استاد شهید مطهری در علوم اسلامی بود و دل به انقلابی اسلامی داد و پس از انقلاب نیز از پیروان پیر جماران بود و سال‌ها در دانشگاه‌های معتبر و نامی کشور؛ مانند تهران، تربیت مدرس و علامه به مدیریت در سطح عالی پرداخت، او هم در دانشگاه پیش از انقلاب و هم در دانشگاه پس از انقلاب حضوری تام داشته است و تصویری از جریان دانشگاه در این دو دوره را بیان می‌کند.

● دانشجویان فارغ التحصیل از دانشگاه پیش از انقلاب به انقلاب می‌پیوستند، نقش دانشگاه در رشد این تفکرات چه بود؟
پس از کودتای سال ۳۲ بود که فشار زیادی بر دانشگاه‌ها وارد شد؛ دکتر اقبال که رییس شرکت نفت بود، رییس دانشگاه تهران شد؛ یک بار که به دانشگاه آمده بود با اعتراض دانشجویان مواجه شده و کلاهش را گرفته و فرار کرده بود و به خاطر اینکه به شاه گفته بود



پهلوی

ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب

خاطره

مسئ غفوری فرد:

جو ضد اسلامی
در دانشگاه فرح پهلوی

دانشگاه فرح پهلوی در سال ۱۳۵۰ ایجاد شد؛ مسؤلان این دانشگاه برای اینکه بدانند کدام یک از دخترهای دانشجو با حجاب می‌آیند، در دانشگاه

مصاحبه حضوری گذاشته بودند؛ همه این کارها در حقیقت یک نوع برنامه‌ریزی دقیق و علمی برای مبارزه با مظاهر دین و دینداری بود. خانم بنده در سال ۱۳۵۶ به دانشگاه الزهرا (فرح آن زمان) برای استخدام مراجعه کرد؛ قبلاً اعلام کرده بودند که یک نفر با مدرک لیسانس یا فوق لیسانس استخدام می‌کنند؛ چون تازه می‌خواستند کادر تربیت کنند و بورسیه دکترادر خارج می‌دادند.

اعلام کرده بودند اشخاصی که فوق لیسانس دارند، در اولویت قرار دارند و کسانی که زبان انگلیسی بلد باشند و یا سابقه کارهای آموزشی داشته باشند هم اولویت دارند؛ ایشان همه شرایط را داشت؛ هم فوق لیسانس داشت و هم

● رفتار شهید مطهری با چنین اساتیدی چگونه بود؟

یک بار یادم می‌آید، استاد مطهری پس از دعوی برخی از مذهبی‌ها با سکولارها در دانشکده، عصبانی بود و داد می‌زد؛ مرا که دید گفت آخر من با این آدم (آریان‌پور) چه کار کنم، قرار می‌گذاریم در جمع دانشجویان، اساتید یا حتی دو نفری مناظره بکنیم، قبول می‌کند و نمی‌آید.

● از استاد خاطره‌ای دارید؟

آقای مطهری اتاق کوچکی در دانشکده و تختی هم آنجا داشت که درس‌های خصوصی را آنجا می‌گفت و جا هم نبود ما روی تخت می‌نشستیم؛ ایشان بعضاً ناهار را ماست و نانی می‌خرید و می‌خورد و هر چه هم ما اصرار می‌کردیم اجازه نمی‌داد ما این کار را برایش انجام دهیم؛ ایشان ماشین بنز قراضه‌ای خریده بود و برخی از شاگردان مارکسیست آریان‌پور دست گرفته بودند که آقای مطهری بنز دارد و ما می‌گفتیم آخر این هم شد ماشین؛ اساتید مارکسیست نمی‌توانستند حریفش بشوند.

● ضرورت شکل‌گیری انقلاب فرهنگی چه بود و چه روندی منجر به تعطیلی دانشگاه‌ها شد؟

جریان‌های سیاسی مختلف و متعارضی در دانشگاه پس از انقلاب وجود داشت، اما جریان‌های دیگر شروع به توطئه کردند و اتاق جنگ در دانشگاه‌ها تشکیل دادند و این باعث شد که دانشگاه‌ها تعطیل شود؛ در دانشگاه‌ها تکرر وجود داشت، جریان غالب اسلامی بود، اما جریان‌های دیگر اسلحه به دست بردند و واقعه ۱۴ اسفند ۱۳۵۸ شکل گرفت که دانشجویان به عنوان اعتراض به نزد امام (ره) رفتند و خواستار ارتقای دانشگاه شدند؛ هر چند بسیاری از اساتید



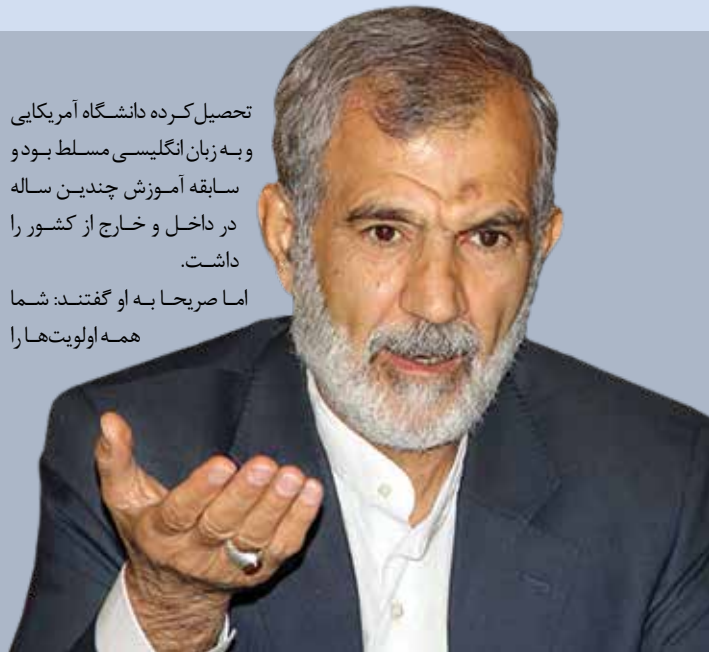
امروز خیلی وضع بدی دارد؛ بنده رایزنی‌هایی با آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی کرده و مسئله را بیان کردم که به نظرم تاثیر داشت و باعث شد بسیاری از اساتید اخراج شده بازگردند؛ بالاخره اتفاقاتی افتاد و البته بسیاری از اساتید قبل و بعد از انقلاب رفته بودند و بعضاً خودشان بازنگشتند و هر چه دانشگاه پس از انقلاب از ایشان خواست که برگردند نتیجه نداد و برخی از خسارات از سوی دولت نبود.

اخراج شدند، اما روندی ایجاد شد که اساتید با اعتراض به دیوان عدالت اداری به دانشگاه‌ها برمی‌گشتند و اغلب برگشتند؛ اساتیدی مانند استاد کاتوزیان از این دست بود؛ وقتی بنده به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفتم، برخی از دانشجویان پیش من آمدند و گفتند کاتوزیان می‌توانست مانند دیگران به پاریس برود و همه عمرش را قانون مدنی تدریس کرده است که فقه اسلامی است و حالا اخراج شده است و

دارید، ولی به علت حجاب از استخدام شما معذوریم؛ اگر حجابتان را کنار بگذارید همین الان به شما بورس می‌دهیم تا بروید و به تحصیلاتتان ادامه دهید.
یعنی یک نوع برنامه‌ریزی بسیار دقیق برای مبارزه با تمام مظاهر دین و دینداری کرده بودند؛ بخشنامه‌هایی هم به دانشگاه‌ها و مدارس فرستاده بودند مبنی بر اینکه مثلاً؛ دختران باحجاب را نپذیرند.

منبع: خاطرات دکتر حسن غفوری فرد، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

تحصیل کرده دانشگاه آمریکایی و به زبان انگلیسی مسلط بود و سابقه آموزش چندین ساله در داخل و خارج از کشور را داشت.
اما صریحاً به او گفتند: شما همه اولویت‌ها را





گفت‌وگو با پیشکسوت قرآنی؛

کتابی قرآنی به قلم سرهنگ

عباس سلیمی، خادم القرآن در دو عرصه مهم، حضور در لباس نظامی و نیز قاری قرآن، خدمات شایانی به انقلاب کرده است، او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای اولین بار جمهوری نوپای ایران را در عرصه‌های بین‌المللی قرآن کریم به جهانیان شناساند؛ آن زمانکه هنوز نظامی بود، در حالیکه لوح افتخار مسابقات مالزی را در دست داشت به محضر امام (ره) شرفیاب شد؛ در خصوص تفاوت محیط دانشگاه‌ها در پیش از انقلاب و پس از آن با او به گفت‌وگو نشستیم.

● به‌عنوان اولین سوال می‌خواستم در مورد نقش دانشگاهیان در شکل‌گیری انقلاب بپرسم؟

وقتی با رویکرد تاریخی به تاسیس و راه‌اندازی دانشگاه در کشورمان نگاه می‌کنیم؛ با توجه به اینکه دورکن‌رکین و مهم دانشگاه؛ یعنی دانشجو و استاد، برخوردار از دانش و معرفت بودند، فکر باز اینها سبب می‌شد تا مسائل اجتماعی را به صورت دقیق و عالمانه رصد و تحلیل کنند و تسلیم شرایط دیکته شده توسط عناصر قدرت طلب و کسانی که دنبال حکومت‌های غیرمنطقی بودند نشوند، در حقیقت با این وضع می‌توان گفت دانشگاهیان از پایه‌های اساسی مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی بودند.

● سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا برای نقش آفرینی در شکل‌گیری انقلاب همین دورکن کافی بود یا ارکان دیگری نیز در این بین نقش داشت؟

قطعا نیاز به ارکان دیگر نیز بوده است، از زمانیکه برخی از بزرگان، روحانیون و علما همچون شهید بهشتی، شهید مفتاح، شهید مطهری، طالقانی، دکتر شریعتی و... که عناصر متفکر و روشنفکری بودند، موفق به حضور در دانشگاه‌ها شدند،

حق‌طلبی دانشگاهیان رو به افزایش گذاشت.

● از زمان شکل‌گیری دانشگاه در ایران تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، اولین یا شاید نقطه عطف در شکل‌گیری مبارزات چه حرکتی بود؟ آیا حرکت برای شکل‌گیری انقلاب پیش‌زمینه‌ای هم داشت یا خود اولین حرکت دانشگاهیان بود؟

۱۶ آذر ۱۳۳۲ در حقیقت نقطه عطفی در تاریخ مبارزات دانشگاه‌ها رقم خورد و شاید پیش‌زمینه بود؛ بعد از آن نیز به یاد دارم که بعد از سال ۱۳۵۴، فعالیت دانشجویان و دانشگاهیان افزایش چشم‌گیری پیدا کرد؛ هیئت‌های مذهبی خانگی با عضویت دانشجویان تشکیل می‌شد و در حقیقت جنبش‌های دانشجویی فعالیت اثرگذاری را آغاز کرده بودند.

● آیا این قلب تپنده همچنان در صحنه حضور دارد یا خیر؟

بله؛ دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی یک نقش غیرقابل انکار داشتند و نکته قابل توجه این است که در تداوم و استمرار انقلاب اسلامی نیز نقش مشابهی داشتند.

● در مقایسه بین دانشگاه قبل و بعد از انقلاب چه تفاوت‌هایی مشهود است؟

من همواره وقتی به فضای دانشگاه قبل و بعد از انقلاب اسلامی نگاه می‌کنم می‌بینم که قبل از انقلاب به دانشگاهیان با دید دیگری نگریسته می‌شد، اما بعد از انقلاب نوع نگاه به دانشجو و دانشگاه تغییر کرد و در بیاناتی که رهبر معظم انقلاب نسبت به این عناصر پاک و با ایمان دارند، رمز پویایی دانشگاهیان برای ما آشکار می‌شود؛ معظم‌له در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند: وجود عنصر صفا و معصومیت، احساسات پاک در نسل دانشجو آنها را در مبارزه با ظلم و ستم با انگیزه ساخت؛ در یک عبارت کوتاه امروزه دانشجو هم چشم‌بیدار جامعه و هم پاسدار ارزش‌های انقلاب اسلامی است.

● به نقایص اشاره کردید، نمونه‌هایی از این نقایص را بیان کنید؟

از جمله مواردی که باید به اطلاع مسئولان برسد و در زمینه آن اقداماتی انجام دهند، حفظ فرهنگ اصیل و هویت دینی دانشجویان است که البته این اقدام باید از طفولیت دوران دانش‌آموزی تا دانشگاه و بعد از دانشگاه در دستور کار قرار



ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب



غیرت دانشجوی افسری

آمدیم دانشکده، بعد از دو ما تعلیمات که دیدیم، شاه باید می آمد و به ما درجه می داد؛ یک سردوشی می داد؛ به آنها که فارغ التحصیل می شدند هم درجه می داد؛ به حسب اهمیت دانشکده افسری هر سال شاه می آمد. عصر روزی که فردایش می خواستیم سردوشی بگیریم، کارهای ما تمام شده بود و می خواستیم برویم توی آسایشگاه گردان که به ما گفتند جلوی پله های یکی از ساختمان ها مستقر شوید. سرگرد بالا رفت و صحبت هایی کرد؛ آخرش این بود که دانشجوها اگر می خواهند خانواده هایشان را بباورند اشکال ندارد، دعوت کنند، منتها آنهایی که خواهر و مادرشان چادری است آنها را دعوت نکنند. مثل اینکه آب سردی روی ما ریختند، من خیلی تحقیر شدم، آن قدر ناراحت شدم که احساس کردم سر دوراهی قرار گرفته ام؛ به عمق ایمانم ضربه خورد؛ چون مادر من چادری بود؛ زمزمه ای می شنیدم که به من می گفت تو اشتباه کردی که به اینجا آمدی؛ اینجا جای تونیست.

خاطرات شهید امیر
سپهبد صیاد شیرازی



شما در آن حضور داشتید در روزهای انقلاب به چه صورت بود؟

آن زمان به برکت وجود عناصر متدین در ارتش، جلسات مذهبی و آموزش قرآن درون خانه های پرسنل نظامی و حتی به صورت مخفیانه در پایگاه و پادگان ها برگزار می شد، در مقوله قرآن آن موقع شاید یکی از اصلی ترین منابع آموزش تجوید در کشور که همه هم دوره های ما آن را بارها

گرفته و راه محوریت قرآن و معارف اهل بیت (ع) ادامه پیدا کند.

● شما در دو دوره قبل و بعد از انقلاب در محیط دانشگاهی که نظامی هم بوده است حضور داشته اید، وضعیت دانشگاه در این بخش در هر دو دوره به چه صورت بوده است؟

مسئله مهمی که در بحث دانشگاه های نظامی وجود دارد این است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برکتی متوجه دانشگاه های نظامی شد؛ یعنی علاوه بر توسعه و تنوع رشته ها، ارتقاء علمی و نگاه پژوهش محور، اتفاق دیگری در محیط دانشگاه نظامی رخ داد و آن هم حاکمیت دیدگاه توحیدی و ولایی بود؛ امروز به برکت همان پیش توحیدی و ولایی که در مراکز نظامی در مراکز دانشگاهی نظامی حاکم شده، بخشی از نیروهای مسلح مافوق به عنوان مدافعان حرم اهل بیت (ع) دیده می شوند.

● شرایط و وضعیت فعالیت های مذهبی در دانشگاه ها خصوصاً در دانشگاه های نظامی که



فرار دو ارتشبد

در روز ۱۴ دی ماه ۱۳۵۷ ارتشبد غلامرضا اژه‌اری و ارتشبد غلامعلی اویسی دو نفر از فرماندهان نظامی رژیم پهلوی به خارج از کشور گریختند؛ غلامرضا اژه‌اری مدتی نخست‌وزیر کابینه نظامی بود؛ او مشاغل مهمی را در ارتش نظیر فرماندهی، ریاست دانشگاه نظامی نیروی زمینی و ریاست رکن یک و آجودانی مخصوص شاه را به عهده داشت که پس از استعفای دولت شریف امامی در ۱۵ آبان ۱۳۵۷ از سوی شاه به نخست‌وزیری برگزیده شد؛ از اقدامات دولت نظامی اژه‌اری، دستگیری نویسندگان مطبوعات و بازداشت دولتمردان رژیم شاه همچون نصیری، منوچهر آزمون، عبدالعظیم ولیان، داریوش همایون، غلامرضا نیک‌پی و امیرعباس هویدا بود؛ اژه‌اری در ۱۵ آذر ۱۳۵۷ در مجلس سنا اظهار کرد که سروصدای شب‌های تهران واقعی نیست بلکه صدای نوار است.

ارتشبد اویسی در سال‌های اوج‌گیری انقلاب در سمت فرماندار نظامی تهران قرار گرفت و کشتار راهپیمایان ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در دوره مسئولیت او رخ داد؛ او از نخستین افسران عالی‌رتبه متواری رژیم پهلوی بود که به همراه اشرف پهلوی، ارتشبد بهرام آریانا و عده‌ای از سران ساواک، گروهی با عنوان ارتش رهایی‌بخش ایران (آرا) تاسیس کرد که برای بازگرداندن سلطنت، به تلاش‌های نظامی علیه نظام جمهوری اسلامی از خاک عراق و ترکیه دست زدند که البته ناکام ماند.

از برادران که بعدها به عنوان خلبان شجاع به شرف شهادت نائل آمد شهید «محمد سبزی‌آبادی» نشسته بودیم که با چشم خودمان به صورت غیر متعارف دیدیم هواپیمای شاهین که هواپیمای اختصاصی طاغوت بود به دور از تشریفاتی که در سایر مواقع عادی پرواز می‌کرد، فرار کرد.

بعد از آن هم تشریف‌فرمایی حضرت امام (ره) به میهن اسلامی صورت گرفت؛ خداوند به ما توفیق داد با وجود اینکه در کسوت نظامی بودیم و حکومت نظامی هم بود، به عنوان عناصر کمیته استقبال ورود حضرت امام (ره)، حفاظت از درب ورود به بهشت زهرا (س) را بر عهده گرفتیم؛ در ادامه نیز در روز حماسی بزرگی برادران خوب ما در ۱۹ بهمن ماه با امام عزیز تجدید بیعت کردند؛ اگر چه تعدادی از عزیزان و همکاران عزیز به شهادت رسیدند، اما واقعا عزت، شرافت و استقلال این کشور را رقم زدند.

● در آن زمان برای اوج‌گیری فعالیت‌های قرآنی خود از روحانیان و بزرگان انقلاب به صورت مستقیم رهنمودهایی دریافت می‌کردید؟

قبل از انقلاب با دوستان قرآنی به ویژه به همت حاج آقا «سلطانی» مدیر دارالتحفیظ یک جلسه باصفا و خوبی در بامداد هر جمعه در مسجد امام حسین (ع) تهران برگزار می‌شد و در آنجا هم حضرات آیات ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی حضور می‌یافتند و بعد از جلسه کوتاه قرآنی که بود با فرمایشات و رهنمودهای خودشان ما را بهره‌مند می‌کردند که اتفاقا حدود ۱۵۰ جلسه شد که درس حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی تحت عنوان «یکصد و پنجاه درس زندگی» که در آن زمان بسیار جالب بود به چاپ رسید؛ در این جلسه دانشجویان و غیردانشجویان حضور داشتند، مردم، اصناف و بسیاری از قاریان مشهوری که الان در خدمت آنها هستیم نیز حضور داشتند.

● در پایان اگر صحبت یا مطلب خاصی دارید بفرمایید؟

با توجه به مجاهدات و زحمات مردانه اندیشمندان، رزمندگان، ایثارگران به‌ویژه امام شهدا و همچنین دانشگاهیان فرهیخته و فداکار در راه تحقق انقلاب اسلامی، همه ما موظف هستیم پاسدار و حافظ دستاوردهای آنان بوده و این راه را تا ظهور پر سرور حضرت ولی عصر (عج) ادامه دهیم.

خوانده‌اند و از آن استفاده کرده‌اند کتاب ارزشمند «سر البیان فی العلم قرآن» بود؛ جالب بود زمانی که این کتاب را خریدیم مشاهده شد که روی آن نوشته «تألیف سرهنگ حسن بیگلری» اول کار یکه خوردیم که آیا می‌شود یک عنصر نظامی هم نویسنده و مروج مسائل قرآن باشد؟ وقتی این بزرگوار را در مسجد «المصطفی» در چهار راه حسن آباد زیارت کردیم که متواضعانه حضور داشتند و درس قرآن می‌دادند دیدیم می‌شود؛ آن کسانی که واقعا معتقد بودند در این مسیر حرکت کنند، به هر سختی‌ای که بود حرکت خود را انجام می‌دادند؛ اینها یک دست‌مایه‌ای برای حرکت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شد به نحوی که الان سالیانه تمام دانشگاه‌های نظامی کشور چه در ارتش، سپاه و در ناجا و چه در وزارت دفاع مسابقات مفصل قرآنی در زمینه‌های مختلف برگزار می‌شود.

● خاطره شیرینی که در آن ایام و همزمان با اوایل انقلاب برای شما به عنوان یک نظامی مانوس با قرآن کریم شکل گرفت، حضور در مسابقات مالزی و کسب رتبه در این رقابت‌ها بود، خاطره خاصی از آن ایام دارید و تأثیری در ادامه فعالیت‌ها در دانشگاه‌های نظامی داشت؟

من بسیار خوشحال هستم که در همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی که خداوند توفیق داد و از مسابقات بین‌المللی قرائت مالزی برگشتم به محضر حضرت امام (ره) و همچنین رهبر انقلاب اسلامی شرفیاب شدم؛ با تشویق این مردان بزرگ الهی حرکت قرآنی در نیروهای مسلح اوج گرفت؛ وقتی با لباس نظامی در بسیاری از محافل چه در محضر رهبر معظم انقلاب چه در محضر بزرگانی دیگر توفیق قرائت قرآن را داشتم به خودم می‌بالیدم که خدایا تو را شکر می‌گویم که به عنوان یک سرباز کوچک در لباس خدمت‌گزاری و شاگردی قرآن می‌توانم مسیر اساتید و پیشکسوتان خود را ادامه دهم.

● در مورد روزهای انقلاب، در صحنه بودن دانشجویان و دانشگاهیان تصویر ماندگاری در ذهنتان مانده است که با مرور رویدادهای انقلاب بلافاصله آن تصویر برای شما زنده شود؟

تمام زمینه‌های آن برای ما جالب بود، روز ۲۶ دی‌ماه سال ۵۷ را به خوبی به‌خاطر دارم، محل خدمت ما پایگاه یکم شکاری مهرآباد بود، با یکی

دانشگاه انقلاب

امید انقلاب



امید
انقلاب

دانشگاه اسلامی ضرورت ناشی از انقلاب اسلامی

دین اسلام همواره تأکید فراوانی به فراگیری علم داشته است و علم آموزی را در همه سطوح برای زنان و مردان جامعه به صورت یکسان تعریف کرده؛ با نگاه به این آموزه دینی، انقلاب اسلامی که خود تحولی همه جانبه بود به ساحت سیاسی محدود نشد و دانشگاه اسلامی با این رویکرد آغاز به کار کرد؛ در خصوص اقتضائات علم اسلامی و نیز دانشگاه اسلامی گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام و المسلمین مرتضیٰ جوادی، رییس بنیاد بین‌المللی و اسراء داشتیم که مشروح آن را می‌خوانید.

● از دیدگاه اسلام و قرآن علم باید چگونه باشد؟

در خصوص کیفیت علم و چگونگی دست یافتن به آن، اولاً ضرورت فراگیری علم در منابع دینی و وحیانی وجود دارد که با تعبیری چون «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» بیان شده است؛ به این معنا طلب علم یک واجب است و حتی «ة» در «فریضة» برای مبالغه است؛ یعنی نه تنها ضرورت دارد، بلکه ضرورت تام دارد؛ ثانیاً تفاوت علم نافع و علم ضار اهمیت دارد. در خصوص علم نافع گفته شده است که علمی که در جهت تحصیل کمال و سعادت انسانی باشد و انسان را از ضعف‌ها و کاستی‌های انسانی برهاند، آن را به عنوان علم نافع می‌شمارند و در مقابل علوم که به حیثیت انسانی و جایگاه انسانی لطمه وارد کنند، آن را به عنوان علم مضر می‌شناسند؛ مثل علم سحر، جادو، شعبده، این دست از علوم را که در حقیقت

جز ضرر برای جامعه و انسان‌ها نیستند، هرگز دین توصیه نکرده است، بلکه تحصیل آن را هم برای کسانی که آشنایی ندارند، حرام دانسته است.

● چه ارتباطی بین علم اسلامی و دانشگاه اسلامی وجود دارد؟

از طریق حوزه‌ها و قلمروی که برای علم هست می‌توانیم تذکری داشته باشیم تا بعد راجع به علم اسلامی و دانشگاه اسلامی سخن گفته شود. قلمرو علم بر اساس گستره وجود انسانی است؛ چون خدای عالم انسان را مهیج کرده است که در گستره هستی حرکت کند و آفاق را برای شناسایی و فراگرفتن علم انسان توصیه کرده است و در عین حال انسان را در تسخیر کردن آسمان و زمین مهیج کرده است؛ خداوند می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شمارام کرد؛ همه از اوست، قطعاً در این امر [برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است. (جاثیه، ۱۳)] این تسخیر؛ هم علمی و هم عملی است؛ تا تسخیر علمی اتفاق نیفتد، تسخیر عملی، شدنی نیست؛ سر اینکه متأسفانه امروز آسیب‌های فراوانی به جهان و بحث محیط زیست زده می‌شود این است که آشنایی صحیحی نسبت به جریان طبیعت و همچنین تسخیر طبیعت وجود ندارد؛ لذا آسیب برای مجموعه نظام طبیعت هم گاهی اتفاق می‌افتد.

امادر خصوص علم نافع فرمودند که علم سه قسمت دارد؛ یا آیه محکمه، یا فریضه عادلانه یا سنت قائمه که این سه را در حقیقت به عنوان علم نافع از زبان رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم استفاده می‌کنیم.

آیه محکمه ناظر به آن اصول و بنیان‌های اصلی اعتقادی است که در حقیقت، علوم عقلی عهده‌دار آن است؛ کلام، فلسفه، عرفان عهده‌دار آیه محکمه هستند که از جایگاه اصول و بنیان‌های اعتقادی راجع به آنها گفت‌وگو می‌شود، فریضه عادلانه آن چیزی است که به اخلاق و سنن اجتماعی و انسانی برمی‌گردد و چون انسان دارای ملاکات نفسانی است، باید دانشی باشد که بخش وجودی آن را تأمین کند، آن را به عنوان فریضه عادلانه می‌شمارند و سنت قائمه هم ناظر به قوانین و نوامیسی است که در حوزه‌های مختلف علم فرا گرفته می‌شود؛ و لذا تمام علوم در سطوح مختلف، علوم طبیعی، علوم ریاضی و علوم کیهان‌شناسی و نظایر آن زیر مجموعه سنت قائمه می‌تواند تفسیر شود.

در خصوص اینکه چه ابزاری می‌تواند عالم را به لحاظ

علوم را که در حقیقت

علوم را که در حقیقت

علوم را که در حقیقت

علوم را که در حقیقت

علوم را که در حقیقت

علوم را که در حقیقت

علوم را که در حقیقت

رشته
ویژه
دانشگاه



سند دانشگاه اسلامی

سند دانشگاه اسلامی در سال ۷۷ تدوین شد و در جلسه ۲۵ تیرماه ۱۳۹۲ در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بازنگری قرار گرفت و اول مردادماه همان سال ابلاغ شد. در مصوبه این سند قید شده است که این اولین سند مدون ملی در راستای تحقق آرمان انقلاب اسلامی است که با مشارکت صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی تدوین شده است و براساس چشم انداز نظام آموزش عالی در افق ۱۴۰۴، چهار چشم انداز فرهنگی - تربیتی، آموزشی، پژوهش و فناوری و مدیریتی را مدنظر قرار داده است. این سند مشتمل بر ۱۲ هدف کلان، مهم ترین راهبردهای عملیاتی برای تعمیق و نهادینه سازی معارف و آموزه های اسلامی در دانشگاه ها و تولید دانش تمدنی به ویژه علوم انسانی - اسلامی را مدنظر قرار داده است و سیاست گذاری، برنامه ریزی و نظارت بر فرایند اسلامی شدن دانشگاه ها در چهار سطح، بستر قانونی برای تحقق این آرمان دانشگاهی را فراهم می آورد.

محمد ابراهیم سقزچی، معاون نظارت و ارزیابی شورای اسلامی شدن دانشگاه ها در مورد این سند می گوید: در ابتدای تنظیم سند یک سامانه ایجاد شد و از طریق آن دانشگاه ها و پژوهشگاه ها به مشارکت جدی فرا خوانده شدند؛ از افراد حقیقی و حقوقی برای تهیه سند کمک خواسته شد که طی این فراخوان ۱۲۷ دانشگاه در تدوین سند دانشگاه اسلامی نقش آفرینی کرده اند.



اصلا امکان ندارد که انقلاب سیاسی براساس دین اتفاق بیفتد و تحولی براساس معرفت و اندیشه در حوزه علم اتفاق نیفتد، نمی شود انقلاب اسلامی را شکل داد و همچنان علم به صورت غیراسلامی و غیردینی بخواهد تحقق پیدا کند؛ بنابراین علم ضرورت است، ولی برای راهیابی به آن همان مسیری که عرض کردم باید مورد توجه قرار گیرد.

● **با توجه به ضروری بودن دانشگاه اسلامی، راهکار رسیدن به چنین دانشگاهی از درون خود دانشگاه باید رخ دهد و یا از بیرون به دانشگاه شکل داد؟**

اگر علم دانشگاه بر مبنایی که ارائه شده است، شکل بگیرد و به تعبیری علوم دانشگاهی علوم اسلامی شود به تبع آن جامعه دانشگاهی هم اسلامی خواهد شد و هیچ نیازی نیست قدرتی از بیرون بخواهد جامعه و دانشگاه را اسلامی کند، بلکه خود عمل مثل حوزه های علمیه است، آیت الله جوادی آملی می فرمایند: برای اسلامی کردن حوزه هیچ انگیزه ای و هیچ راهی جز اسلامی شدن خود همان علم نیست و چون علوم در حوزه های اسلامی هست و حوزه ها هم همین طور است در دانشگاه ها اگر چنین روالی باشد اتفاق مبارکی خواهد افتاد و آن اسلامی شدن دانشگاه ها خواهد بود.

بایستی اعلام کرد که به جهت اینکه امروزه دانشگاه در همه جهات آن متأثر از فضای علوم غربی است حتی در حوزه انسانی هم از آن بخش مدد می گیرد، نمی توانیم دانشگاه ها را با این نوع نگرشی که وجود دارد، اسلامی بدانیم، باید تحول اساسی در حوزه علوم اتفاق بیفتد و اگر علوم، اسلامی شد فضای دانشگاه هم اسلامی خواهد شد؛ اتفاقی که امروز در فضای دانشگاه ها افتاده اتفاق مناسب و سازگار با انقلاب اسلامی نیست.

علم تسخیر کند؟ باید گفت که این کار به وسیله عقل است؛ لذا عقل اشکال مختلفی دارد؛ یک شکل از آن عبارت است از عقل تجربی که علوم طبیعی را تحت پوشش دارد، یک فرم و شکل آن ناظر به علوم ریاضی و به تعبیری عقلی نیمه تجربی است که علوم کیهانی و علوم اخترشناسی و بحث نجوم و هیئت را اداره می کند و مجموعه علوم ریاضی با این عقل اداره می شود و همچنین بحث عقل تجریدی است که علوم عقلی از جایگاه این عقل تدریس می شود.

● **در این صورت مراد از دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی چه خواهد بود؟**

باید توجه داشت که دو مسیر برای شناخت حقیقت در اختیار انسان است؛ مسیر نقل و دیگری مسیر عقل که این دو هم پای هم و کنار یکدیگر برای کشف حقایق هستی و هم از آنچه که به عنوان فعل و قول خداست، طراحی شده است؛ خدای عالم فعلی دارد به نام نظام هستی و قولی دارد به نام آن چیزی که به عنوان وحی است و خداوند دو مسیر را برای این کشف قول و فعلش قرار داده است؛ یکی مسیر عقل است و دیگری نقل، و اگر جامعه بشری این دو را مبنای شناخت و آگاهی قرار بدهد و فعل خدا را دفتر تکوین بداند و قول خدا را دفتر تدوین، و به وسیله عقل و نقل به سراغ این دو دفتر برود، آنچه که نصیب انسان می شود، طبعاً حقایق و معارف هستی است و همه آنچه که بشر در جنبه های مختلف حیات دنیوی و اخروی به آن نیاز دارد و از آن می تواند استفاده کند.

دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که با این رویکرد به سراغ پدیده های رود و جهان را اعم از جهان قولی و فعلی در پایگاه عقل و نقل می کاود و معارف را از این طریق برای بشر به ارمغان می آورد؛ وجود دانشگاه اسلامی مبتنی بر انقلاب اسلامی یک ضرورت است؛

سیدمحمد رضا طیبی:

جهاد دانشگاهی سمبل پیوند علم و دین

اگر بخواهیم به صورت مصداقی هم از میان دانشمندان جهان اسلام در حوزه برقراری رابطه بین علم و دین نام ببریم، ابوعلی سینا محصول این پیوند بود و در دوره معاصر نیز جهاد دانشگاهی سمبل دیگری از برکات این پیوند است.



شده است که در چهار برنامه پنج ساله این سند تحقق یابد.

هماهنگ عمل کردن به این معناست که با تغییر دولت‌ها و مجلس‌ها نباید تغییر در برنامه‌ها ایجاد شود؛ چرا که گردش‌های سیاسی باید اجرای بهتر برنامه‌ها را به دنبال داشته باشد، مساله‌ای که به شدت در خصوص آن با ضعف روبرو هستیم.

● اتحاد و همبستگی چه نقشی در پیشبرد این هدف دارد؟

وحدت در مبانی و اصول اساسی انقلاب اسلامی، همان وحدتی است که توسط امام(ره) عنوان شد؛ بر همین اساس، مسئولان در مصالح اصلی انقلاب و ملت باید متفق‌القول باشند؛ امام(ره) روح خودباوری را در جوانان زنده کرد.

بنابراین به عنوان یک محقق و دانشجومی توانیم اقدامات و امور بزرگی را به دست بگیریم؛ امام خمینی(ره) معمار انقلاب اسلامی بود که با اندیشه‌های ایشان توانستیم به پیروزی دست پیدا کنیم.

انقلاب اسلامی زمانی به نتیجه رسید که افکار امام(ره) در وجوه مختلف زندگی شخصی و اجتماعی مورد توجه و اجرا قرار گرفت و در این

انقلاب مطلوب، اما مبنای آن، صنعتی مونتاژی بود؛ صنعتی که اقدامات علمی آن توسط خودشان به انجام رسد و بتوانند بازار ایران را به دست بگیرند.

قبل از انقلاب اسلامی از لحاظ سیاسی و نظامی نیز تابع دول غربی از جمله آمریکا بودیم. انقلاب اسلامی با رهبری امام(ره) در عرصه حاکمیت به پیروزی رسید و مدعی بود که قصد دارد نظام جدید برای اداره ایران و دنیا ارائه کند و طبیعی بود که این انقلاب دشمنانی را به دنبال داشته باشد؛ چرا که مدیریتی مستقل دارد و نیز مدعی ارائه مدل جدیدی است.

در این میان، دانشجویان باید دو مأموریت اقتدار دفاعی و اقتصادی را برای آینده کشور رقم بزنند و برای رسیدن به این دو هدف، ویژگی خودباوری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که بر مبنای آن باید به برنامه‌ریزی پرداخته، بتوانیم به ثبات ملی دستیابیم و این مجموعه باعث غلبه بر مشکلات موجود شود.

بعد از خودباوری نیازمند برنامه‌ریزی مدون هستیم؛ چرا که پیشرفت‌های مدنظر، حاصل یک برنامه‌ریزی بلندمدت است؛ با توجه به سند چشم‌انداز نظام برای افق سال ۱۴۰۴، قرار بر این

● علم آموزی پس از انقلاب به خصوص در عرصه دانشگاهی چه جایگاهی دارد؟

اقتدار دفاعی زمانی اتفاق می‌افتد که دانش‌بنیان باشد و دانش و فناوری نیز متعلق به خودمان باشد، همچنین در اقتصاد نیز باید متکی بر دانش، علم و تولید خود، همراه با اخلاق باشیم؛ به خواب رفتن مسلمانان و بیداری غرب در دوره رنسانس و نیز توسعه علمی و صنعتی که در غرب پدید آمد، علم و اقتدار، ثروت و قدرت را به همراه داشت و این عوامل باعث شد که بتوانند در حوزه صنعتی بیش از پیش پیشرفت کنند.

برای رسیدن به پیشرفت و قدرت، دستیابی به مواد اولیه نقش مهمی در توسعه صنعتی دارد. با توسعه علم و نیز فاصله ارزشی که فناوری در محصولات صنعتی و اقدامات علمی به وجود آورد، ضرورتی وجود نداشت که کشورها استعمار مستقیم شوند و بهترین راه حل این بود که به موسسات مطالعاتی خود بازگشته و اجازه ندهند که جوامع کشورهای جهان سوم توسعه زیادی داشته باشند.

همان‌طور که امام(ره) فرمودند، قبل از انقلاب بسیاری از جوامع و ایران را به عمد عقب نگه می‌داشتند؛ چرا که توسعه صنعتی قبل از



ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب

بیماری‌های خود شفا طلبید و به آن برای حل مشکلات خویش استعانت جویید؛ زیرا قرآن شفای بزرگترین دردها است.

● فرهنگ به عنوان زمینه‌ای برای توسعه دانش بنیان چه جایگاهی دارد؟

توجه به مقوله توسعه صنایع فرهنگی با توجه به پتانسیل‌های بالای فرهنگی در کشورمان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ بشر و دنیای امروز از توسعه صنعتی خسته شده و نیازمند مباحث فرهنگی است، لذا باید به موضوع توسعه فرهنگی که کشورمان مستعد آن است، اهتمام بیشتری داشت.

خلاقیت مبتنی بر علم و فن در شرایط امروز بسیار حائز اهمیت است و پرداختن به موضوع توسعه فرهنگی در جهاد دانشگاهی می‌تواند نه تنها در ارتقای سطح فرهنگی جامعه بلکه حتی در بخش درآمدزایی به عنوان یک منبع اصلی درآمد منجر به استقلال مالی معاونت فرهنگی این نهاد شود.



تقوا، پرهیزکاری، اخلاق، اتحاد و صمیمیت، از خودگذشتگی و جهاد سبب می‌شود که علاوه بر سعادت‌مندی بشر در همه زمینه‌ها در حوزه سلامت هم به لحاظ روحی که منشا بیشتر گرفتاری‌های بشر بوده و هم به لحاظ جسمی، انسان از سلامت به معنای واقعی آن برخوردار شود؛ امام علی(ع) می‌فرماید، از قرآن برای

میان نیز باید به سیره خلف صالح ایشان رهبر معظم انقلاب توجه کنیم.

● علم آموزی و تعهد دینی در این راستا چه نسبتی با یکدیگر دارند؟

دین و علم از هم جدا نیستند که بخواهیم بین آنان پیوند برقرار کنیم؛ غفلت از پرداختن به این مهم بحث دیگری است؛ در قرآن کریم، نهج‌البلاغه، دعای عرفه امام حسین(ع) و دیگر اسناد دینی معتبر پیوستگی بین علم و دین مشاهده می‌شود.

اگر بخواهیم به صورت مصداقی هم از میان دانشمندان جهان اسلام در حوزه برقراری رابطه بین علم و دین نام ببریم، ابوعلی سینا محصول این پیوند بود و در دوره معاصر نیز جهاد دانشگاهی سمبل دیگری از برکات این پیوند است؛ توصیه و تاکید فراوان قرآن به علم‌آموزی و توجه به اسرار خلقت خداوند، همواره سبب تربیت عالمان برجسته حوزه سلامت در تاریخ شده است و وجود چنین عالمان دینداری خود دلیلی بر اثر بخشی قرآن کریم در امر سلامت است.

توجه جدی بشر به آموزه‌های قرآن کریم در زمینه‌های علم، آگاهی، قناعت، عدل، داد،



علی منتظری:

جهاد دانشگاهی ستون انقلاب

یکی از خاصیت‌های جهاد دانشگاهی این است که فاصله فکر و عمل را بسیار نزدیک کرده است و اگر اینطور نباشد، نمی‌توان میان برها را طی کرد؛ میان برهایی که برای یافتن و طی کردن آنها نیاز به انرژی جوانی است. این دیدگاه علی منتظری جهادگر دانشگاهی و از فعالان دانشجویی انقلاب اسلامی است که در گفت‌وگو با رایحه بیان کرده است.

● جهاد دانشگاهی چه نقشی در بازگشایی دانشگاه ایفا کرد؟

جهاد دانشگاهی مولود حرکت انقلاب فرهنگی بود که به منظور دستیابی به استقلال علمی، خودباوری، تکیه بر استعداد و توانایی درونی ایجاد شد؛ در ابتدای تاسیس ماموریت‌های

مختلفی برای جهاد در نظر گرفته شد و در روزهای آغازین توجه جهاد بیشتر بر بازنگری فرهنگی و عملی در دانشگاه‌ها استوار بود و تمرکز به سمت داخل دانشگاه‌ها، مدیریت دانشگاه‌ها و کمک به ستاد انقلاب فرهنگی و ساماندهی امور دانشگاهی جهت گرفت.

جهاد دانشگاهی تلاش کرد برای استقرار و ساماندهی امور دانشگاه‌ها در مدیریت دانشگاه‌ها مشارکت کند که نقش‌های مهمی را نیز در این زمینه ایفا کرد.

- پس از آن جهاد به تدریج فعالیت‌های پژوهشی مستقل خود را آغاز کرد که بخشی از این ایام مصادف با آغاز جنگ تحمیلی بود و جهاد تلاش کرد به ارائه کمک علمی، فنی و پشتیبانی به رزمندگان اسلام بپردازد؛ در آن مقطع (سال‌های ۶۴ به بعد) پی‌ریزی فعالیت‌های مستقل فرهنگی و عملی جهاد صورت گرفت و به تدریج این فعالیت‌ها آثار خود را نشان داد.

در این سال‌ها جهاد دانشگاهی دوره‌گذاری را از ماموریت‌های قبلی به ماموریت‌های جدید طی کرد و از سال ۷۵ به بعد نیز به یک بلوغ سازمانی دست یافت و در حوزه علم و فناوری، فرهنگ و مراکز علمی نهادهای مطابق با ضرورت‌های خود پی‌ریزی کرد که این فعالیت‌ها تا امروز ادامه دارد.

● در طول این ۳۵ سال، اتفاقی که پیش از همه شما را خوشحال کرده چه بود؟

در سال ۷۶ توفیق دیدار با رهبر معظم انقلاب دست داد؛ در این روز ایشان توصیفات بی‌سابقه‌ای در خصوص جهاد دانشگاهی ارائه فرمودند: این انقلاب دارای ستون‌هایی است؛ یکی از این ستون‌ها روحانیت است، یکی از این ستون‌ها سپاه است، یکی از ستون‌ها در هر زمانی آن نیروهای سطح بالای جامعه و عناصر اصلی دولت هستند، یکی از این ستون‌ها هم شما (اعضای جهاد دانشگاهی) هستید؛ شما تکان نخورید شما از ارزش‌های انقلابی و اسلامی به همان شکل صحیح دست بردارید.

این تعبیر از جهاد که آن را به عنوان یکی از ستون‌های انقلاب مطرح کردند در مخیله من هم نمی‌گنجید و این تعبیر باعث شد خود من با اینکه از ابتدا جزء جهاد بوده‌ام، یک نگاه وسیع‌تر و عمیق‌تری به جهاد داشته باشم و این جمله تاثیر زیادی بر من گذاشت.

● از دستاوردهای جهاد برایمان بگویید.

یکی از دستاوردهای بزرگ جهاد به لحاظ فرهنگی الگوسازی است؛ پژوهش‌های جهادگران به صورت ایده در جهاد متولد شد، رشد پیدا کرد و به نتیجه رسید و این الگو توسط سایر سازمان‌ها الگوبرداری شد و ما از این جهت بسیار خرسند هستیم؛ الگوسازی دستاورد کمی نیست. این مسائل در چارچوب آمار قابل گزارش نیست و

چگونگی تشکیل نهاد جهاد دانشگاهی

در پی فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، ستاد مزبور در تاریخ ۵۹/۵/۱۶ به منظور تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی را به عنوان یک نهاد انقلابی و برخاسته از انقلاب فرهنگی تاسیس کرد.

پس از تبدیل ستاد به شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه این نهاد مورد تجدیدنظر قرار گرفت و با حذف وظیفه مشارکت در مدیریت اداره دانشگاه‌ها و تاکید بر انجام فعالیت‌های فرهنگی و تحقیقاتی به منظور اسلامی شدن دانشگاه‌ها به تصویب رسید.

کار آن نهاد انجام فعالیت‌های فرهنگی و تحقیقاتی به منظور اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مشارکت در اداره امور دانشگاه‌ها بود؛ پس از تبدیل ستاد انقلاب فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی، ساختار جهاد دانشگاهی نیز دچار تغییر شد و وظایف آن به فعالیت‌های علمی-پژوهشی محدود شد؛ پس از تغییر ساختار شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۶۹ جهاد دانشگاهی به عنوان بازوی تحقیقاتی دانشگاه‌ها معرفی شد.

جهاد دانشگاهی نهادی است عمومی و غیردولتی و زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی، دارای شخصیت مستقل و از لحاظ اداری، استخدامی و مالی تابع مقرراتی است که در چارچوب اختیارات قانونی به تصویب هیات امنای جهاد دانشگاهی می‌رسد.

اهداف این نهاد شامل این موارد است:

- گسترش تحقیقات و شکوفایی روحیه تتبع و استعدادها در سطح جامعه برای نیل به خوداتکایی.

- توسعه امور فرهنگی در سطح جامعه از طریق همکاری با حوزه، دانشگاه و سایر مراجع و نهادهای فرهنگی به خصوص برای نسل جوان.

- گسترش طرح‌های کاربردی و نیمه‌صنعتی از طریق پیوند با مراکز علمی و تحقیقاتی به منظور به کارگیری نتایج پژوهش.

این نهاد در حال حاضر علاوه بر دفتر مرکزی دارای ۴۳ واحد جهاد دانشگاهی است که ۱۳ واحد آن در شهر تهران و ۳۰ واحد در مراکز استان‌ها استقرار دارند؛ همچنین تعداد ۳ پژوهشگاه و ۲۴ پژوهشکده، ۲۷ سازمان، مرکز، موسسه و شرکت به ثبت رسیده، یک مجتمع تحقیقاتی و ۲ پارک علم و فناوری نیز تحت پوشش این نهاد فعالیت دارند.

در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران جهاد دانشگاهی به عنوان نهادی انقلابی با هویت اسلامی، برخوردار از منابع انسانی متعهد و کارآمد، الهام‌بخش و موثر در کشور، پیشگام در توسعه علم، فناوری و فرهنگ با تعامل سازنده در عرصه ملی و بین‌المللی معرفی شده است.

در فرآیند دستیابی کشور به اهداف سند چشم‌انداز و متناسب با تغییرات اساسی در شرایط علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و اهداف و برنامه‌های کشور، محتوای سند جایگاه جهاد دانشگاهی نیز حسب نیاز مورد بررسی و بازنگری قرار می‌گیرد.

در طول فعالیت جهاد، بسیاری از فعالیت‌ها علمی و فرهنگی ریشه در جهاد دانشگاهی داشته است.

● جهاد دانشگاهی را چگونه نهادی می‌دانید؟

مانند همیشه سایه اخلاق و معنویت در همه کارهای ما باید گسترده باشد و تنها نگرانی که من دارم این است که خدایی ناکرده اینها کم‌رنگ شود؛ باید همه ما هر کجا که هستیم تلاش کنیم این مجموعه را با همین جوهر و ریشه حفظ کنیم؛ زیرا تنها امتیازی که باید به آن ببالیم همین روحیه جهادی، معنوی و ایمانی است. یکی از خاصیت‌های جهاد دانشگاهی این است که فاصله فکر و عمل را بسیار نزدیک کرده است و اگر اینطور نباشد نمی‌توان میان‌برها را طی کرد؛ یکی از کارهای جهاد طی کردن میان‌برها است اگر قرار است همان راهی که همه می‌روند را ما هم طی کنیم، چه ضرورتی برای وجود جهاد است و برای یافتن و طی کردن میان‌برها نیاز به انرژی جوانی هست.

● آیا جهاد به ویژه در سال‌های اخیر که به

نظر می‌رسد، علوم تجربی بیش از علوم انسانی مورد توجه جهاد دانشگاهی بوده است، به اهداف فرهنگی خود رسیده است؟

اهداف فرهنگی جهاد تنها در فعالیت‌های فرهنگی آن نبوده است؛ بلکه ابعاد فرهنگی خودباوری و ترویج این فرهنگ، دستیابی به استقلال علمی و... بر ابعاد علمی و پژوهشی این مسئله غالب است؛ لذا اگر از این منظر نگاه کنیم باید گفت که جهاد توفیقات قابل توجهی را به دست آورده است؛ یکی دیگر از دستاوردهای فرهنگی بزرگ جهاد تربیت جهادگرانی است که امروز در سراسر کشور در نهادهای مختلف علمی، فرهنگی و اجرایی در حال خدمت هستند؛ این افراد با همان روحیه جهادی فعالیت می‌کنند؛ چرا که در زمان دانشجویی به نحوی با جهاد در ارتباط بوده‌اند.

جهاد دانشگاهی امروز به تعبیر رهبر معظم انقلاب به یک درخت تنومند تبدیل شده است، اما همین درخت تنومند نیز امروز نیازمند مراقبت دائمی است و همه باید تلاش کنیم جهاد دانشگاهی دچار دیوانسالاری نشود؛ ما یک نهاد انقلابی و ارزشی هستیم و باید این نگاه را حفظ کنیم؛ باید تلاش کنیم به جوانان دانشجو فرصت بیشتری بدهیم که در این نهاد وارد شده و ایده‌های خود را مطرح و سازمان‌ها و مراکز نو در قالب و چارچوب فرهنگ جهادی ایجاد کنند.

آرمان خواه

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان امسال، مهمترین وظیفه تشکل‌های دانشجویی را «آرمان خواهی» دانستند و فرمودند: «وقتی یک آرمانی را دنبال می‌کند و بجد پای آن می‌ایستد، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند، موجب تصمیم سازی می‌شود». رهبر انقلاب در این دیدار الزاماتی را برای تأثیرگذاری تشکل‌های دانشجویی بر آینده کشور برشمردند که در این اینفوگرافیک مرور شده است:

تدبیر در ادعیه؛ مانند صحیفه سجاده

مطالعه کتاب‌های معارف اسلامی

انتخاب روش‌های مطالعاتی و برگزاری جلسات بحث، کنفرانس و ...

کار عمقی روی

ارتقای سطح معرفت دینی



جذب بدن +

بایدها



پیدا کردن و مطرح کردن حرف نو در زمینه مسائل دینی، سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی



استفاده از حضور اساتید ارزشی و مؤمنان



انتقال تفکر دینی با اقناع فکری مخاطبان



استفاده از شیوه‌های هنری طنز و تئاتر و ...



محدود نکردن اعلام مواضع به چاپ اعلامیه و کتاب

فهم واقعی

تداوم گرایش به آرمان‌های انقلاب بعد از رحلت امام (ره)

عبور از دشواری‌ها بدون خدشه به آرمان‌ها

افزایش توان درونی و اقتدار جمهوری اسلامی

گستاخ تر شدن دشمن در اثر عقب نشینی ما در برخی دوره‌ها

آینده ساز

«شما می توانید بیدار کننده و گفتمان ساز باشید... اگر محیط دانشجویی، اعتقاد راسخی به یک مطلبی پیدا کرد و آن را دنبال کرد در فعالیت های متنوع دانشجویی، این تأثیر گذار در آینده کشور است.»

انس با نهج البلاغه
و کلمات امیرالمومنین

انس با قرآن
و تدبر در قرآن

پرهیز از شعارهای
به ظاهر اسلامی
و باطن غیر اسلامی

مفاهیم اسلامی

پرهیز از سطحی نگری

نبایدها

دانشجویی



پرهیز از برگزاری
اردوی مختلط
و کنسرت موسیقی



پرهیز از حضور
عناصر نامطمئن
برای نظام و کشور
در تشکلهای



پرهیز از تئاترهای
بیپرده و اعتراضی
بدون جهت



پرهیز از حرف های
من در آوردی
به عنوان
حرف های نو

پیشرفت
در شرایط
تهدید و تحریم

مواجه بودن با
زور آزمایی
چند دولت مستکبر

حضور معنوی و نفوذ گسترده
جمهوری اسلامی
در منطقه

بهبود بودن مسأله هسته ای در
روبارویی غرب
با جمهوری اسلامی

بات کشور

آینده ساز

یادداشتی از عماد افروغ؛

عوامل ظهور کاپیتولاسیون علمی

عماد افروغ، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، یادداشتی درباره نقد نهاد دانشگاه نگاشته و در آن با توجه به سیطره دوگانه‌انگاری نظری، فهرستی از ۹ آسیب دانشگاه‌ها و تحقیقات این نهاد را بیان کرده است که مانع رشد علم شده است. افروغ بر آن است که علوم در ایران مبتنی بر تفکر منظومه‌ای شکل نیافته‌اند و همین آسیب‌هایی را متوجه نهاد دانشگاه می‌کند که یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها ظهور کاپیتولاسیون علمی با خروج مرجعیت علمی از داخل به خارج کشور است؛ این یادداشت را در ادامه می‌خوانید.

بیگانگی با مباحث نظری و غلبه واقعیت محسوس

اولین آسیب دانشگاه‌ها بیگانگی با مباحث ظریف معرفت‌شناختی و مبانی متافیزیکی است که اصولاً فلسفه علم و علوم اجتماعی و نحله‌های شناخت‌شناسی را نمی‌دانند؛ اصلاً نمی‌دانند اگر پوزیتیویسم را پذیرفتند یعنی ضرورت را کنار

گذاشته‌اند، یعنی ضرورت را به تعاقب هیومی تقلیل داده‌اند؛ یعنی پذیرش آمار استنباطی و استقراء در جهان باز طبیعی و اجتماعی که مشکلی هستی‌شناختی دارد؛ فرض استقراء جهان بسته است؛ در حالیکه جهان ما جهانی باز است؛ چه جهان طبیعی و چه جهان اجتماعی؛ اصولاً استقراء زیر سوال می‌رود نه تنها به لحاظ روش‌شناسی بلکه به لحاظ هستی‌شناسی.

۲. اثبات‌گرایی، رئالیسم تجربی، جهان‌تجربی و فعلیت‌گرایی و تک‌ساحتی هستی‌شناختی در دانشگاه غلبه دارد و واقعیت را همانی می‌داند که می‌بینند، یعنی واقعیت را به جهان تجربی تقلیل داده‌اند، در حالیکه واقعیت لایه‌لایه است؛ لایه اصلی واقعیت اصولاً دیده نمی‌شود؛ آن سه لایه‌ای که مطرح می‌شود؛ تجربی، بالفعل و واقعی که البته غیب است، نه اینکه عدم است، بلکه ناوجودی است که طی مراحل دیالکتیک به فعلیت می‌رسد؛ کجا بحث‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی‌رامی‌داند؟

غلبه نگاه سخت‌افزاری

غلبه نگاه پیش‌زمینه‌ای و سخت‌افزاری به علم در دانشگاه؛ در همین جاسوالی

دارم، شعرای ما، پیامی برای امروز بشر دارند، خیلی هم خوب است و قبول هم دارم، پیامی انسانی و عرفانی و غیره اما مولوی، عطار و حافظ در چه زیست‌جهان و چه فضای علمی مولوی، عطار و حافظ شدند؟ در چه فرهنگی به این مقام علمی رسیدند؟ فقط شخص بودند؟ یا یک فرهنگ و یک زیست‌جهان بودند، و آیا هم‌اکنون بر دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ما این فضا حاکم است؟ تصور نمی‌کنید مراکز علمی رسمی ما با آن شاخص‌های علم‌سنجی فرمالیستی خود، روز به روز از این فضا فاصله بیشتری می‌گیرند؟ ما الان چه می‌کنیم؟ حافظ پرور هستیم؟ مولوی پرور هستیم؟ عطار پرور هستیم؟ چه هستیم؟ یک تقلید کور کورانه، یک فن‌زدگی، یک تمدن‌گرایی کور به قیمت ذبح فرهنگ، یک طول‌گرایی به قیمت نادیده گرفتن عرض تاریخ حاکم است.

غفلت از ساز و کار درونی پدیده‌ها

غفلت از ساز و کار درونی پدیده‌ها که ناشی از نگاه ما به حقیقت و ضرورت پدیده‌هاست، امروزه نکته ظریفی وجود دارد، من هم معتقدم علم باید زبانی حکایت‌گر داشته باشد اگر می‌خواهد شناختاری باشد، اما عملاً چه چیزی دستمان را می‌گیرد؟ عملاً ما از طریق نوعی زبان چگونگی و ساختن و ایجاد کردن، به زبان حکایت‌گری نزدیک می‌شویم؛ ما اصلاً توجهی به شاخص چگونگی، ساختن و ایجاد کردن در علم نداریم؛ با مفروض رئالیسم تجربی هیوم‌گرایانه، فکر می‌کنیم به علم حکایت‌گری داده‌ایم؛ در حالیکه ما با هزار دردسر رابطه‌ای بیرونی را اندازه گرفته‌ایم؛ زبان علم زبان چگونگی است، مفاهیم را ما در عمل آزمون می‌کنیم، مفاهیمی را کنار می‌گذاریم و مفاهیم بهتر را جایگزین می‌کنیم؛ این بهتر و بدتر خودش را در آزمایش و عمل نشان می‌دهد؛ زبان حکایت‌گری و بی‌توجهی به زبان چگونگی و ساختن و ایجاد کردن.

تفوق عالمان طبیعی بر عالمان انسانی

تفوق عالمان طبیعی بر عالمان انسانی، حتی در حیطه اختصاصی علوم انسانی؛ حیطه علوم انسانی و طبیعی به‌رغم اینکه ارتباط دارند، تفاوت‌هایی هم دارند؛ اما کدام باید بر صدر بنشینند؟ علوم انسانی یا علوم طبیعی؟! اگر بحث درباره علم و فناوری است، مقوله و تخصصی است مربوط به علوم انسانی، اما عالمان علوم انسانی ما چه نقشی در رشد علم دارند؟ اصلاً مگر می‌توان گفت، علوم طبیعی، علوم انسانی نیست؟ آن هم مبتنی بر نگاهی به طبیعت است. مفروضات





مهدی گلشنی؛

دانشگاه، علم و ما

ماهیت علم در بعضی محیط‌ها به خصوص ایران، بد، فهم شده است؛ البته این سوء تفاهم‌ها با مرور زمان تغییر خواهند کرد؛ علم فارغ از اصول عام نیست؛ حال، این اصول عام می‌تواند سازگار با دین باشد و می‌تواند سازگار با دین نباشد؛ ما دانشمندان تراز اول بسیاری داریم که معتقدند جهان هدف ندارد و در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند جهان هدف دارد؛ گروه دوم به ادیان ابراهیمی نزدیک‌تر هستند.

اهل علم ماه‌نوز نمی‌دانند که تجربه، نظریه‌ها را تایید می‌کند، ولی ثابت نمی‌کند؛ به همین جهت می‌توانیم نظریه‌های مختلف داشته باشیم. تمام علوم؛ چه علوم انسانی چه علوم طبیعی همه مبتنی بر بعضی اصول عام است؛ هیچ علمی را نمی‌توان یافت که برخی اصول پذیرفته شده در آن وجود نداشته باشد؛ مثلاً در فیزیک نیوتنی ۴ قانون وجود دارد که بر اساس آن همه چیز را می‌سازد؛ این اصول مستقیماً از تجربه به دست نمی‌آید، اما از تجربه الهام می‌گیرد؛ اگر مستقیماً بر اساس تجربه بود بین علما اختلاف به وجود نمی‌آمد.



بودم، یکی گفت: من سه مقاله علمی - پژوهشی ISI دارم؛ گفتم: این عبارت ساده انگلیسی را بخوان؛ در حد یک دانش آموز متوسطه هم قادر به این کار نبود؛ برعکس دانشجویی که از مغز خودش استفاده می‌کند، دیده نمی‌شود؛ اگر فردی پر تلاش و اخلاقی باشد، فرار می‌کند؛ بالاخره عالم را قاعده‌ای است، عالم را ضرورتی است؛ این خیلی مهم است؛ فکر نکنید ما هم می‌توانیم مدام دستورالعمل صادر کنیم و مدام تعیین کنیم؛ عالم با تعیین گره خورده است نه با تعیین؛ بالاخره روزی پرده‌ها کنار می‌رود، روزی مشخص می‌شود که چه کسی با تعیین آمده و چه کسی با تعیین.

استقلال و آزادی عمل دانشگاه

تمرکزگرایی و بی‌توجهی به ظرف غیر متمرکز رشد است؛ با یک ظرف تمرکزگرا می‌خواهیم که علم رشد کند؛ علم، ظرف غیر متمرکز می‌خواهد؛ بارها هم این را گفته‌ایم؛ دانشگاه باید استقلال و آزادی عمل داشته باشد؛ بتواند متناسب با رشته و نیاز منطقه و شرایط اقلیمی‌اش، رشته تعریف کند، اما باید به دانشگاه هم گفت اگر این اختیار به شما داده شد، دست از جناح‌بازی و فرقه‌گرایی و... بردارید و اجازه دهید، شایستگی‌ها خودش را نشان دهد.

سرقت علمی

بحث بعدی من، وفور سرقت علمی است که این سرقت علمی هم نتیجه شاخص‌ها و رفتارهای قبلی است؛ وقتی شاخص‌های ارزیابی را اینگونه تعریف می‌کنید، بستر را به صورت ساختاری برای سرقت علمی فراهم کرده‌اید که متأسفانه هیچ توجهی هم به مقابله با این مسائل نمی‌شود.

معرف شناختی و هستی شناختی دارد که در علوم انسانی مطرح می‌شود؛ زمانی که پوزیتیویسم حاکم می‌شود و علوم دقیقه نیز اینگونه تفوق دارد، معلوم است که چه بلایی سر علوم انسانی ما می‌آید و اگر می‌بینیم یک جامعه‌شناس، معاون پژوهشی می‌شود، با همین شاخص‌های کمی، عدد و رقمی پوزیتیویستی چه افتضاحی در یک مقطع به بار می‌آورد؛ اینکه باعث رشد علوم انسانی نمی‌شود، چون در فضایی عمل می‌کند که خودش نیست.

غلبه مهندسی اجتماعی به جای نقد

غلبه مهندسی اجتماعی به جای نقد و اصلاح؛ ما به اصطلاح سه دلالت داریم، یکی مهندسی اجتماعی است، دیگری فهم و دیگری نقد و اصلاح است؛ هر کدام از این نحله‌های شناخت‌شناسی، دلالتی خاص دارند؛ اگر پوزیتیویسم را پذیرفتید، دلالتش مهندسی اجتماعی می‌شود با آن مباحث خودش؛ اگر هرمنوتیک را بپذیرید، دلالتش فهم و تفسیر می‌شود، اما اگر نحله رئالیسم انتقادی را بپذیرید، دلالتش اصلاح و نقد می‌شود.

کاپیتولاسیون علمی در کشور

خروج مرجعیت علم از داخل به خارج و ظهور نوعی کاپیتولاسیون علمی در کشور؛ اگر قرار است شرایط بومی ما مورد توجه قرار گیرد، اگر قرار است که ما توجه به عوامل پس‌زمینه‌ای موثر در علم هم داشته باشیم، نباید مرجعیت علم را همین‌گونه لجام گسیخته به مراجع خارج از کشور بدهیم که اکنون این کار را انجام می‌دهیم؛ مقاله ISI با آن همه ماجرا را ملاک‌گزینش می‌کنند و دانشجویان پر تلاش و صادق را کنار می‌زنند؛ در حال‌گزينش دانشجویان دکتری



جامعه را در جایگاه قشری که رهبری فکری جامعه را برعهده دارد به گردن بگیرد و بپذیرد، دانشجوی باید رهبری فکری یک جامعه را به عهده بگیرد و آزادانه در مقابل همه قدرت‌ها و همه کسانی که قصد نابودی بشریت و نابودی حقانیت و عدالت را دارند بایستد.

تأثیر دریافت‌های محیطی بر هوش انقلابی دانشجویان

در ادامه به سراغ جعفر کیوانی، معاون آموزشی دانشگاه خوارزمی و عضو هیئت علمی دانشکده فنی مهندسی این دانشگاه رفتیم. او با اشاره به ویژگی‌های دانشجوی بر این باور است که در جامعه ما دانشجویی که به فکر توسعه کشور است، نیازهای کشور را می‌بیند و حتی رشته تحصیلی خود را در آن زمینه انتخاب می‌کند. درس را خوب می‌خواند و تعامل خوبی با مسئولان دانشگاه، خانواده و جامعه دارد؛ اگر دانشجویی صرفاً به فکر درس باشد و تعامل نداشته باشد، تک‌بعدی محسوب می‌شود و نمی‌تواند در آینده یک فرد اثرگذار و مفید برای جامعه باشد. کیوانی اظهار کرد: بینش انقلابی ناشی از فرهنگی است که دانشجویان محیط خود، دانشگاه

نظرات پندتن از اساتید دانشگاه؛

دانشجوی تر از انقلاب اسلامی

با نگاهی به تاریخ معاصر به یقین می‌توان دانشگاه‌ها را همسو با جریان‌های جامعه دانست، شاید اگر هم از دانشگاه به عنوان منشا تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه نام ببریم، سخنی به گزاف نباشد. اما آنچه دستمایه نگارش این گزارش قرار گرفته، این است که در طی ۳۷ سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد آیا دانشگاه توانسته به تربیت دانشجویی تر از انقلاب اسلامی دست یابد؟ آنچه در ادامه می‌آید نظرات تنی چند از دانشگاهیان در همین رابطه است.

تراز اسلام و انسانیت

دانشجو تعلقاتی ندارد که مانع حق‌گویی‌اش شود او افزود: درباره انقلاب، از یک انسان انقلابی می‌خواهیم که همیشه رو به تکامل، آزادی، حریت و ظلم‌ناپذیری باشد، اما دانشجویی که نکته اضافه هم دارد، دانشجویی باید قشر آگاه و جهت‌دهنده به جامعه باشند. چون دانشجویی یعنی یک انسان باسواد آزاده و آزاد از قید تعلقات، دانشجویی پست، مقام، حزب و جناحی ندارد که مانع از حق‌گویی و آزادی‌نگری‌اش باشد، دانشجویی باید با حریت و آزادی‌تلاش برای رفع مشکلات

حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالحسن نواب، رییس دانشگاه ادیان و مذاهب معتقد است: تراز انقلاب اسلامی، تراز اسلام و انسانیت است. انسانیت که تراز انسانیت را برای او قائل هستیم، باید قبل از هر چیزی آزاده باشد؛ امام حسین (ع) فرمودند اگر دین ندارید حداقل آزاده باشید و این شرط عامی برای انسان و انسانیت است و دومین شرط برای مسلمان، ایمان است؛ حریت، شجاعت و آزادی هم جزء ایمان است.

دیدگاه

مجت‌الاسلام ممیدر(ضابمیری)؛

مولفه‌های دانشجوی قرآنی

ارتباط دانشجوی و قرآن از دو حیث قابل بررسی است؛ اول اینکه دانشجویی که یک مسلمان است و مسلمان خصوصیتی باید داشته باشد و دوم اینکه دانشجویی در یک رشته خاص تحصیل می‌کند و باید دید در آن رشته



ریشه

ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب



و خانواده می‌گیرد.

بینش انقلابی چیزی نیست که فقط از راه درس یا کتاب به دانشجو منتقل شود بلکه از مجموعه دریافت‌هایی که از محیط خود کسب می‌کند، هوش و بینش انقلابی او شکل می‌گیرد؛ لذا قطعا رسانه‌ها تاثیر گذار هستند و همچنین افرادی که با دانشجو سر و کار دارند، می‌توانند تاثیر داشته باشند، معلم، پدر و مادر دانشجو و قطعا دانشگاه می‌توانند از عناصر اثر گذار باشند.

دانشجوی تلاش‌گر در حوزه علم و تخصص

حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم کلانتری، رییس دانشگاه معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز با اشاره به ویژگی‌های دانشجوی تراز انقلاب اسلامی می‌گوید: بر اساس رهنمودهای امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب، دانشجوی تراز انقلاب اسلامی دانشجویی است که از نظر تلاش‌گری در حوزه علم و تخصص خودش واقعا شاخص و سخت‌کوش باشد و از تمام فرصت‌ها به نحو احسن استفاده کند، به گونه‌ای که در حوزه تخصصی خود، حرف جدید داشته باشد. او افزود: دیگر اینکه به لحاظ تدین از معرفت دینی عمیق برخوردار باشد نه یک شناخت عرفی

دینی که در حد عوام است، بلکه در حد نخبگان، معرفت عمیق دینی مبتنی بر تحقیق، مطالعه، تفکر و تعقل داشته باشد و چنین شناختی نسبت به دین داشته باشد، به لحاظ سیاسی نیز یک انسان آگاه و صاحب تحلیل دقیق از حوادث اجتماعی، حوادث جهانی، جبهه‌بندی‌های درون دنیای امروز، جبهه استکبار، مقاومت اسلامی، اسلام آمریکایی و... باشد تا اسیر و گرفتار تبلیغات سوئی که علیه اسلام ناب می‌شود، نشود.

تلاشگری هدفمند

کلانتری بیان کرد: درس خواندن و تلاشگری صرف برای آن نیست که کسی بخواهد عمرش را به پایان برساند، بلکه باید هدفمند باشد؛ یعنی همه تلاش‌ها، سخت‌کوشی‌ها و برنامه‌ریزی‌هایش معطوف به آینده‌نگری و نقش‌آفرینی مهم در کشور و نظام اسلامی و خدمت به جامعه باشد.

رابطه کرسی‌های نظریه‌پردازی

و ارتقای دانشجوی انقلابی

همچنین تقی ابراهیمی سالاری، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی، قانون اساسی را شاخصه‌ای برای شناسایی دانشجوی تراز انقلاب اسلامی می‌داند و می‌گوید: قانون

اساسی ما بر اساس اصول استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی است، دانشجویی که بتواند حول این سه شاخص مهم انقلاب حرکت کند درک و فهم درستی از حوزه داخلی، حوزه بین‌المللی و ضوابط بین‌المللی داشته باشد، دانشجوی تراز انقلاب اسلامی است.

او افزود: میزان انقلابی بودن نسبت به جمهوریت سنجیده می‌شود، جمهوریت شاخصی دارد و آن هم اینکه، مردم هر چه بیشتر در تعیین سرنوشت خود مشارکت داشته باشند حوزه جمهوریت بیشتر شکل می‌گیرد.

سالاری گفت: باید نسبت به آزادی‌های مصوب جامعه برای همه اقشار جامعه، تاکید بیشتری شود و باور عمومی از طریق نهادهای امنیتی به دانشجویان داده شود که اگر وارد گفت‌وگو، مناظره و کرسی‌های نظریه‌پردازی شوند که رهبر معظم انقلاب هم تاکید زیادی بر آن دارند، بینش انقلابی می‌تواند به صورت واقعی شکل بگیرد نه به صورت صوری؛ کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی می‌تواند در پرورش دانشجوی تراز انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته باشد.

نویسنده: لیلیاشرف

قرآن و مطالعه منظم روزانه قرآن با ترجمه به تدبیر راه پیدا خواهد کرد؛ به دانشجویان توصیه می‌شود ابتدا ترجمه و سپس متن اصلی آیات را قرائت کنند تا زمینه بیشتر تدبیر فراهم شود؛ دانشجو بعد از تدبیر به تفسیر احتیاج خواهد یافت و پس از آن پرسش‌هایی پیدا خواهد کرد که باید به سراغ فردی برود تا به سوالاتش پاسخ دهد؛ پیشنهاد من به کسانی که قدرت حفظ دارند، حفظ موضوعی است و اینکه جملات کوتاه قرآنی که بار معنایی خاص دارند حفظ کنند، تادر گفت‌وگوهایشان از آن عبارات قرآنی استفاده بکنند تا گفت‌وگوهای آنها قرآنی بشود.

قرآن چقدر می‌تواند نقش داشته باشد و از این حیث دانشجو چگونه می‌تواند قرآنی باشد.

دانشجو از حیث اینکه مسلمان است، باید نسبت به قرآن غیرت داشته باشد و باید توجه داشت که اکثر دانشجویان ما جوان هستند و غیرت در جوانی خیلی به صورت بارز، آشکار و بالایی وجود دارد. خبائث‌هایی که ما از طرف بیگانگان و دشمنان نسبت به قرآن داریم، باید غیرت دانشجویان ما را بیشتر به جوش بیاورد تا نسبت به قرآن توجه بیشتری بکنند تا از این حیث دانشجوی قرآنی باشند.

نکته دیگر بحث تدبیر در قرآن است؛ یعنی دانشجو پس از انس با



انقلاب در انقلاب

۱ پیشینه تسخیر «لانه جاسوسی»

سامان دهی کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق و استعمار نفتی و نظامی ایران توسط دولت آمریکا، موجب بی‌اعتمادی مردم ایران به آمریکا شد. این رویداد در کنار اقدامات آمریکا پس از انقلاب ایران نظیر تصویب قطعنامه سنا علیه ایران در اردیبهشت ۱۳۵۸ و صدور ویزا برای محمدرضا پهلوی و در پی آن، ورود شاه به آمریکا در ۳۰ مهر سال ۱۳۵۸ منجر به تسخیر سفارت آمریکا شد. در تاریخ ۲ آبان ۱۳۵۸ روزنامه کیهان در گزارشی از قول سخنگوی وزارت خارجه ایران چنین خبر داد که «چون گفته می‌شود شاه مخلوع برای معالجه بیماری صعب‌العلاجی به نیویورک رفته است؛ بنابراین وزارت امور خارجه از مقامات مسئول آمریکا تعهد گرفته که شاه و فرح در مدت اقامتشان در آمریکا اقدام به انجام هیچ فعالیت سیاسی نکنند».



۲ تسخیر «لانه جاسوسی»

در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تعدادی از دانشجویان با حضور و رهبری دانشجویان پیرو خط امام، سفارت آمریکا موسوم به لانه جاسوسی را تسخیر کردند؛ این واقعه ۴۴ روز ادامه داشت و با پذیرش قرارداد الجزایر از سوی دولت‌های ایران و ایالات متحده آمریکا پایان یافت. طی ۱۰ روز اول آبان ماه پنج تظاهرات برگزار شد. دانشجویان در ۱۳ آبان به مناسبت سالگرد شهادت دانش‌آموزان توسط رژیم شاه و نیز سالروز تبعید امام خمینی (ره) تظاهراتی را آغاز کردند. تظاهرات به سمت سفارت آمریکا کشیده شد و لانه جاسوسی تا پیش از ظهر به تسخیر دانشجویان در آمد. ساعاتی بعد از فتح سفارت توسط دانشجویان شعارهایی؛ مانند «نه سازش، نه تسلیم نبرد با آمریکا» در ورودی ساختمان سفارت خودنمایی کرد.

۴ پس از تسخیر

امام خمینی (ره) با استعفای دولت موقت که در اعتراض به تسخیر لانه جاسوسی به عمل آمده بود، در ۱۵ آبان موافقت کرد. کار تر نیز دستور متوقف کردن واردات نفت از ایران را صادر کرد. ایالات متحده به دستور کارتر، کلیه دارایی‌های رسمی ایران در بانک‌های آمریکا را توقیف کرد.

۳ انقلاب بزرگ‌تر

امام خمینی (ره) فردای روز تسخیر و در رابطه با این واقعه، در جمع گروهی از کارمندان بیمه مرکزی ایران در قم، گفت: «در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکا است، شیاطین را با فریاد دور خود جمع می‌کند و چه شیطان‌هایی که در ایران هستند و چه شیطان‌هایی که در خارج بودند... آن مرکزی که جوان‌های مارتی‌ها را گرفته‌اند، آن طوری که اطلاع داده‌اند، مرکز جاسوسی و توطئه بوده است. آمریکا توقع دارد که شاه را به آنجا ببرد و مشغول توطئه شوند... باید بدانند در ایران باز انقلاب است: انقلاب بزرگ‌تر از انقلاب اول، باید آن‌ها سر جای خود بنشینند و این خائن راز و دروغ‌پردازان».





موزه بزرگ ۱۳ آبان



هم اکنون بر سر در اصلی ساختمان سابق سفارت آمریکا عنوان «موزه بزرگ ۱۳ آبان» نگاشته شده است. این ساختمان با مساحتی در حدود ۱۴ هکتار دارای ۹ ساختمان است که مشتمل بر ساختمان مرکزی، محل اقامت سفیر، ساختمان انبار؛ مشهور به هتل قارچ، ساختمان های اداری و ساختمان صدور ویزا است. امروز این مکان محل استقرار مجتمع فرهنگی ۱۳ آبان و سازمان مرکزی بسیج دانشجویی است. هماهنگی بین این سازمان دانشجویی در این محل صورت می گیرد و معاونت های این نهاد در این ساختمان مستقر شده. همچنین این مجتمع همه ساله میزبان تظاهرات دانش آموزی - دانشجویی است که توسط بسیج دانش آموزی و دانشجویی برگزار می شود. همچنین مجتمع فرهنگی ۱۳ آبان موزه دائمی بخشی از جنایات آمریکا است. برگزاری برنامه و همایش های تبیینی از دیگر خدمات فرهنگی این مجتمع است.

میراث انقلاب بزرگ تر



حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۳۷ سال بعد از این واقعه، در خصوص تسخیر لانه جاسوسی، فرمودند: «حرکت دانشجویان برای تسخیر سفارت، واکنش به این همه خباثت بود که پیروزمندانه اتفاق افتاد؛ یعنی جلوی تحرک ابرقدرت پرروی زیاده خواه آمریکا را در داخل کشور گرفت؛ انقلاب یعنی این.

آن ابرقدرتی که عادت کرده بود ۲۵ سال، ۳۰ سال هر چه اراده می کند در ایران اتفاق بیفتد و انجام بدهد، انجام می دهد و ایران مال او است، متعلق به او است، دولتش، حکومتش، پادشاهش، نفتش، ذخایرش، معادنش، آینده اش، همه چیزش مال او است و حالا از دستش گرفته شده بود و در صدد تهاجم بود. دید جوان ها جلوی این تهاجم را گرفتند و ملت ایران ایستاد و رهبر این حرکت عظیم هم شخص امام بزرگوار بود.»



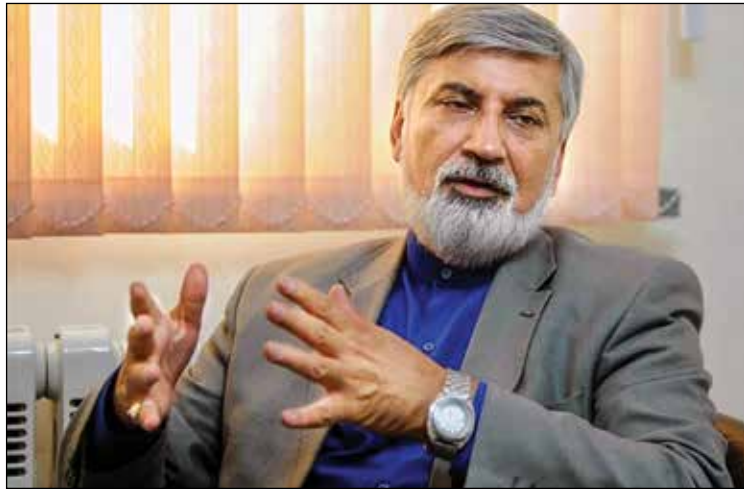
ایجاد فضای سیاسی در دانشگاه نه تنها موجب افزایش تحلیل سیاسی و بصیرت بخشی به قشر دانشگاهی می شود و زمینه را برای گفتمان سیاسی از درون دانشگاه فراهم می کند، بلکه موجب تربیت کادر نخبه سیاسی برای آینده کشور می شود.

وظایف اساتید دانشگاه از نظر مقام معظم رهبری
 رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه وظایف مهمی را برای اساتید برشمردند از جمله: القای روحیات مطلوب به نسل جوان مشغول تحصیل، جلوگیری از فروکش کردن شتاب پیشرفت علمی در کشور و برکنار نگه داشتن محیط علمی دانشگاهها از حاشیه سازی ها از جمله این وظایف است.

رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید فرمودند: اگر استاد ما متدین باشد، دارای غیرت ملی باشد، دارای انگیزه انقلابی باشد، دارای روحیه سخت کوشی باشد، به طور طبیعی اینها به متعلم منتقل می شود، اگر عکس اینها هم باشد، همین جور، اگر آن استاد یک انسان باانصاف و با اخلاق باشد امکان تربیت دانشجوی باانصاف و با اخلاق بالا خواهد بود.

اساتید نباید دانشجو را تشویق به مهاجرت از کشور کنند بلکه به فعالیت در کشور تشویق کنند؛ دانشجویان آینده سازان انقلاب اسلامی و مدیران آینده کشورند؛ بنابراین باید دید کشور به چه نیروهایی نیاز دارد.

از نظر رهبر معظم انقلاب کشور ما به جوانانی نیاز دارد که بتوانند: با زان پر قدرتی برای پیشرفت کشور باشند، سرشار از انگیزه ایمانی و بصیرت دینی باشند، دارای همت بلند و جرئت اقدام باشند، دارای اعتماد به نفس و خودباوری باشند، به ما می توانیم باور و اعتماد داشته باشند، افق های آینده را روشن و درخشان ببینند، از



مدیر فزاترقی:

دانشگاه آرمانی

دانشگاهی در تراز انقلاب اسلامی است که علوم انسانی آن بر اساس ارزش ها و مفاهیم دینی و اسلامی باشد و بخش پژوهش در آن از وزن و اعتبار مطلوبی برخوردار و خروجی آن دانشجویان مفید و کارآمد برای اداره مطلوب کشور باشد؛ دانشگاه آرمانی مورد نظر نظام اسلامی دانشگاهی است که در آن از ر کود و خمودگی خبری نیست و از سه عنصر: نشاط علمی، نشاط معنوی و نشاط سیاسی برخوردار است؛ این دیدگاهی است که حمیدرضا ترقی در یادداشتی به بیان آن پرداخته است.

از ۲۲ سال پیش رهبر معظم انقلاب فرمودند: دانشگاه باید یک محیط دینی باشد، در دانشگاه باید متدینان احساس کنند همه فضای عمومی آنجا به آنها کمک می کند، البته تدین، دین، معنویت و اخلاق و احساسات انقلابی از شعب این معنویت است؛ امروز کسی نمی تواند ادعای تدین کند، اما در تضاد با انقلابی باشد که بر اساس دین است. (۷۲/۹/۲۴)

نشاط علمی که وجه تمیز محیط دانشگاه از دیگر محیط های جامعه است از دیدگاه رهبر معظم انقلاب یکی از نیازهای اساسی کشور است و پیشرفت علمی موجب گره گشایی های بزرگی در کشور خواهد شد. دانشگاه تراز انقلاب اسلامی باید با اهداف عالی نظام هم راستا بوده و رویکرد علمی آن معنوی باشد؛ بیش



ویژه نامه
دانشگاه انقلاب

دیدگاه



پرشورترین مراکز علیه قدرت های استکباری و رژیم طاغوتی شاه بود؛ مرکز روشنگر و حرکت آفرینی که مجموعه های دانشجویی آن شعله انقلاب را با نثار خون در دل مردم برافراشته ساخت و از سرکوب دژخیمان شاه ترسی بر دل نداشت. روزی که دانشگاه در اشغال نظامیان شاه

مجت الاسلام تیمور علی عسکری، معاون دانشگاه آزاد اسلامی؛

دانشگاه مرکز روشنگری

نخبگان دانشگاهی اعم از استاد و دانشجو مایه امید جامعه محسوب می شود و دانشگاه نماد آزاداندیشی و استقلال طلبی جامعه است؛ دانشگاه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) یکی از



روحیه استغنا و بی‌اعتنایی به تحمیل‌های علمی دشمنان بر خوردار باشند، از موقعیت کشور فهم درست و صحیحی داشته باشد که کجا هستیم و به کجا خواهیم رسید و چگونه باید راه را طی کنیم، در برابر دست‌اندازی و تجاوز و خدشه‌دار شدن استقلال ملی کشور قاطع و مقاوم باشند و پرانگیزه، پرشور، بانشاط و فعال و سرزنده باشند. این نوع جوان را باید اساتید دانشگاه تربیت کنند و خروجی دانشگاه تراز انقلاب باید چنین جوانانی باشد؛ بنابراین اگر خروجی دانشگاه جوان، بی‌انگیزه و بی‌غیرت و بی‌بصیرت و فاقد اعتماد به نفس و متکی به بیگانه و در تضاد با آرمان‌های انقلاب اسلامی و ناامید نسبت به آینده و فاقد قدرت تحصیل شرایط کشور بود، این محصول مورد نظر انقلاب و نظام نیست.

مهم‌ترین فرایض دانشجویی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان در تاریخ ۹۴/۴/۲۰ مهم‌ترین فرایض دانشجویی را آرمان‌خواهی، تصمیم‌سازی، گفتمان‌سازی و هدر ندادن وقت و فرصت علم‌اندوزی دانستند. آرمان‌گرایی که از نظر رهبر معظم انقلاب مخالف واقع‌گرایی و نه موافق محافظه‌کاری است بدین مفهوم است که به واقعیت‌ها نگاه می‌کند و آنها را درست می‌شناسد و از واقعیت‌های مثبت استفاده می‌کند و با واقعیت‌های سلبی و منفی تعامل می‌کند؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی آرمان‌های دانشجویی را به این قرار تشریح فرمودند: ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی واجب بر تفکر اسلام سیاسی، اعتماد به نفس و تفکر مای توانیم، مبارزه با نظام سلطه و استکبار، عدالت‌خواهی و ایجاد دانشگاه اسلامی و دستیابی به رشد علمی از جمله این آرمان‌ها است.

امید انقلاب

آن‌ها برای ملت تعیین‌کننده بود. مطلب جالب توجه دیگر این است که در کنار تجلیل و تکریم از شهیدان دانشجو باید یاد و خاطره ارز‌شمن امام‌راحل (ره) را هم در دل‌هایمان زنده بداریم؛ امامی که انرژی جوانان را شناخت و توانست از وجود آنان به عنوان یک سرمایه و موهبت الهی استفاده کند و قدر دان واقعی وجود آنان باشد؛ امامی که اعتماد به قشر دانشجو و جوانان را در اولویت و راهبرد کاری خود قرار داد و آنان را منحرف و لامذهب خطاب نمی‌کرد و برای افکار و اندیشه‌های جوانان و احساس آنان ارزش و احترام قائل بود.

و مزدوران آمریکا قرار داشت و آمریکا سردمدار ظلم و جنایت در کنار انگلیس شناخته می‌شد، این دانشجویان آزادی‌خواه و مبارز بودند که پیشگامان رهایی ملت مظلوم ایران محسوب می‌شدند؛ شهادت جوانان دانشجو در آن روز سرآغاز مبارزه برای نجات از ظلم آمریکا و طاغوت بود. مبارزه‌ای که شکل سازمان‌یافته به خود گرفت و بعدها با رهبری امام خمینی (ره) باعث پیروزی ملت بر آمریکا و شاه شد؛ تاریخ‌گواه این حقیقت است که در آن روزهای سخت و طاقت‌فرسا برای ملت ایران، در دانشگاه انسان‌هایی آزاد و اندیشمند و آگاهی‌بخشی وجود داشتند که در ده‌های جامعه را خوب می‌شناختند و بینش مبارزاتی



انسان را نیز تامین کند؛ حال هر ابزاری که در رسیدن به این آرمان کمک کند مورد استفاده قرار بگیرد، مطلوب است.

● آرمان دانشگاه اسلامی نتیجه وضعیت دانشگاه در دوران پهلوی بود یا اقتضات فکری دینی؟

آرمان دانشگاه اسلامی چیزی نیست که در یک دوره خاصی در قبال یا بعد از انقلاب اسلامی شکل گرفته باشد؛ در طبقه عالم و دانشمند؛ بالاخص دانشمندان متدین و متعهد، همیشه این آرمان‌ها وجود داشته، اما به فراخور وضعیت اجتماعی خاصی که در دوره‌های مختلف وجود دارد، ممکن است دستیابی به این آرمان سهل‌الوصول‌تر و یا مشکل‌تر شود؛ در شرایط اجتماعی قبل از انقلاب، حوزه‌های علمیه بیشتر در این زمینه فعالیت داشتند و دانشگاه‌ها به مفهوم اسلامی امروز وجود نداشت و رشته‌های مرتبط با علوم اسلامی در حاشیه بود؛ در دوره بعد از انقلاب شاهد هستیم که این رشته‌ها از حاشیه درآمد و توانست به صورت رشته‌های اصلی مورد توجه نسل جدید قرار گیرد و خوشبختانه تکرار دانشگاه‌ها به لحاظ کمی و نیز کارهای عمقی و مطالعاتی و پژوهشی که در این رشته‌ها انجام شد، باعث شد این امر به لحاظ کیفی بسیار چشمگیرتر پیش رود؛ این آرمان بلند و متعالی که ان‌شاءالله بتوان به دانشگاهی رسید که در همه زمینه‌های علمی پاسخگوی نیازهای ما باشد، آرمانی است که شاید در این فرصت، نتوان به آن دسترسی پیدا کرد؛ الحمدلله بعد از انقلاب اسلامی شاهد جهت‌گیری خوبی در تحقق اهداف آرمان دانشگاه اسلامی بودیم و در رسیدن به قله‌های آرمان دانشگاه اسلامی گام‌های خوبی برداشته شده است.

محدودیتی در طرح این بحث که آرمان دانشگاه اسلامی نشأت گرفته از دوره‌های مختلف تاریخی باشد، وجود ندارد؛ من معتقدم در دوران بعد از انقلاب اسلامی رویکرد به دانشگاه اسلامی مقداری عمیق‌تر و پرنرنگ‌تر شده و به لحاظ نیازهای اجتماعی؛ چون احساس کرده‌ایم در حیطه‌های مختلف نیاز به پژوهش‌های بنیادین و کاربردی دینی هست، طبیعتاً بعد از انقلاب در زمینه‌های مختلف، به نوعی تکرارگری و تولید محصولات علوم دینی و انسانی بیشتر شده که قبل از انقلاب این نگاه وجود نداشت و بسیار محدود بود؛ حکومت اسلامی اقتضات خاص خودش را دارد و بعد از انقلاب اسلامی احساس



عباس تقویان؛

محوریت علوم انسانی پس از انقلاب

آرمان دانشگاه اسلامی متعلق به یک دوره خاص نیست؛ بعد از انقلاب اسلامی رویکرد به دانشگاه اسلامی، عمیق‌تر شده و بسیاری از رشته‌های علوم انسانی از حاشیه درآمده و به صورت رشته‌های اصلی و بنیادین دیده شده است تا مورد توجه نسل جدید قرار گیرد؛ خوشبختانه تکرار دانشگاه‌ها به لحاظ کمی و کارهای عمقی، مطالعاتی و پژوهشی که در این رشته‌ها انجام گرفته است، باعث شده تحقق آرمان دانشگاه اسلامی تسریع شود؛ در این خصوص گفت‌وگویی با عباس تقویان، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران داشتیم.

گذشته در حقیقت صرفاً متکی به کسب علم بوده و انگیزه‌های آموزشی دیگری بر علم ما مترتب نبوده و به این صورت، متعلمان در طول یک دوره طولانی، خودشان را درگیر کسب علوم می‌کردند. اگر مراد ما از دانشگاه اسلامی به طور مطلق مراکز تعلیم و تعلم است، باید دید آنچه که در آموزه‌های دینی مادر مورد کسب علم توصیه شده، همان علم نافع است و علم نافع در آموزه‌های ما علمی است که به درد دین و دنیای انسان بخورد و سعادت این دنیا و آن دنیا را تامین کند؛ اگر ما با این نگرش به علوم نگاه کنیم، علوم ما جهت‌دار خواهد شد؛ آموزه‌های دینی ما این گونه به ما آموزش داده‌اند که علم را به خاطر علم و به خاطر مباحث دنیایی فراموش نکنیم و علم باید رشد و شکوفایی جامعه را به دنبال داشته باشد، تحرک ایجاد کند و بتواند سعادت اخروی

● اندیشمندان اسلامی چه آرمانی برای دانشگاه اسلامی در نظر داشتند؟
اندیشمندان مسلمان در گذشته به دنبال نشر و ترویج معارف دینی بودند و در این امر از همه ابزارها استفاده می‌کردند؛ روش تعلیم و تعلم در گذشته نسبت به حال حاضر خیلی متفاوت بود؛ در گذشته، متعلمان و اهل علم به دنبال این بودند که همه علوم روز؛ اعم از علوم اسلامی و انسانی و حتی علوم طبیعی را فرا بگیرند و به همین جهت وقتی سرگذشت علمای قدیم را ملاحظه کنید، خواهید دید دانشمندان مسلمان آثار گوناگون و متعددی در علوم مختلف داشته‌اند و در مقام انتقال علوم، شاگردان زیادی را داشتند و آنها را طوری تربیت می‌کردند که جامع همه علوم باشند؛ همچنین این نکته را باید مدنظر داشت که نظام آموزشی



ویژه‌نامه
دانشگاه انقلاب



سیدریمه ابوالمسنی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران؛

کارکرد پنهان تشکل‌ها

سال ۸۹ پژوهشی در میان ۱۰ دانشگاه تهران انجام شد که در آن بانگاهی آسیب‌شناسانه به تشکل‌های دانشجویی طی سال‌های ۸۸ و ۸۹ پرداختیم؛ طی پژوهشی که از میان دانشجویان انجام دادم، نیازهای آنها را در ارتباطات با حضور در تشکل‌ها استخراج کرده‌ام که شامل: نیاز به ارتباطات جدیدتر، هویت‌یابی، اثربخشی و رفتار تأثیرگذار، شهرت و تأیید اجتماعی، اطفاء انرژی جوانی و تحقق روحیات آرمانی است.

کارکردهایی که برای تشکل‌های دانشجویی می‌توان قائل بود؛ کارکرد مثبت و یا منفی است، کارکرد مثبت به تعادل سیستم فردی و اجتماعی کمک می‌کند، اما کارکرد منفی تعادل فرد و جامعه را به هم می‌زند؛ کارکردهای دیگر تشکل‌ها، کارکرد آشکار و پنهان است؛ در کارکرد آشکار، اهداف و کارکرد مشخص است که می‌تواند موجب مشارکت منظم و قابل کنترل شود؛ در کارکرد پنهان، اگر این اهداف و برنامه‌ها تعریف نشود، کارکرد تشکل به سمت پنهان می‌رود و بسیاری از تشکل‌ها این کارکرد را پیدا کردند؛ متأسفانه در کشور ما به این مسئله خیلی پرداخته نشده است.

کارکرد واقعی تشکل‌ها، تحت نیازهای اجتماعی و سیاسی فرد دانشجویی و سایر نظام‌ها است؛ وقتی تشکلی را از کارکرد آشکار بازداریم، به سمت کارکرد پنهان می‌رود و این می‌شود که یک تشکل به جای فعالیت فرهنگی، کار سیاسی می‌کند و دست از تأمین این نیازهای سیاسی برنمی‌دارد همچنین اقتدار سیاسی می‌تواند مانع از آشکار شدن کارکردهای یک تشکل شود. کارکرد پنهان، خطرهایی دارد از جمله اینکه تشکل به سمت کارکرد منفی و همچنین رادیکالیزه شدن می‌رود؛ وقتی کارکردی آشکار باشد در تعامل با مسائل، متعادل می‌شود؛ مثل بچه‌ای است که وقتی جلوی شیطننت و بازی‌اش را به‌طور آشکار بگیری، این را در قالب دیگر و جایی دیگر بروز می‌دهد؛ فضای سیاسی اگر مانع از کارکرد متعارف و آشکار تشکل‌ها شود، آن سازمان بعد از مدتی دست به کارکرد پنهان می‌زند.

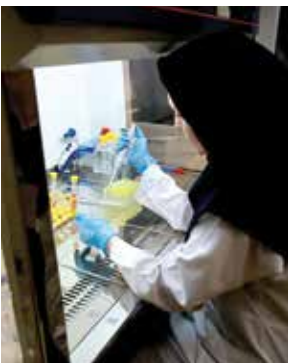
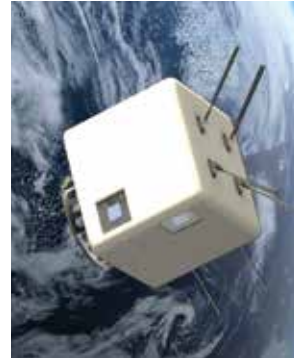
دانشجو، آنتنی برای نظام سیاسی کشور است که می‌تواند مسائل پیش‌رو را زودتر بفهمد و آن را تحلیل کند؛ داشتن شجاعت، صداقت، انرژی از ویژگی‌های دانشجوی جوان است که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

نیاز برای تأمین نیازهای اجتماعی به‌وجود آمد و به‌همین منظور دانشگاه در حیطه‌های مختلف علوم انسانی از منظر دین وارد شد و دانشگاه‌های مادر همین زمینه با چنین نگاه بیرونی توانستند ایده‌های مختلف را شکل دهند.

چون بحث ارزش‌های دانشگاه، علوم اسلامی است، به‌همین خاطر رشته‌های مدنظر به طور مطلق رشته‌های مرتبط با علوم انسانی است که در حوزه پژوهش‌ها و مطالعات علوم دینی قرار می‌گیرد؛ رشته‌هایی؛ مثل جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، سیاست، مدیریت، فرهنگ و ارتباطات و نیز علمی که به عنوان علوم پایه در علوم انسانی به حساب می‌آیند، رشته‌هایی؛ همچون مجموعه رشته‌های الهیات که می‌توان از منابع اصیل دینی برای به دست آوردن واکنش نظرات بنیادین دین برای رسیدن به مدل‌های مختلف علوم اسلامی، در حیطه‌های مختلف سیاست، مدیریت، جامعه‌شناسی، روانشناسی و... استفاده کرد؛ همچنین از این علوم برای مطالعات میان‌رشته‌ای نیز استفاده می‌شود؛ چرا که پایه هستند و با استفاده از آن‌ها می‌توان به اهداف اجتماعی در حیطه‌های مختلف رسید.

● چنین آرمانی چه نوع تغییری؛ مثبت یا منفی در تاریخ دانشگاه در ایران ایجاد کرده است؟

آرمان به این معنی است که مافله‌ای را می‌بینیم و برای رسیدن به آن هدف‌گذاری می‌کنیم، سپس در جهت آن حرکت می‌کنیم؛ هنوز این آرمان آنطور که مدنظر بزرگان است محقق نشده و مادر حال طی کردن این مسیر هستیم، گذشته‌ای را پشت سر گذاشته‌ایم و یک آینده بلند در پیش رو داریم؛ امید داریم که به افق‌های روشنی برسیم و اکنون زود است که بعد از سه دهه‌ای که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، بتوان به این آرمان دست یافت، فاصله زیادی بین شرایط موجود و شرایط مطلوب وجود دارد؛ با وضعیتی که اکنون در جامعه وجود دارد و نگاه عمیقی که در تأمین نیازهای علمی و پژوهشی دیده می‌شود، امید است بتوان فاصله بین شرایط موجود و مطلوب را روز به روز کمتر کرد؛ تغییرات حاصله در ذیل این هدف بلند، در مجموع مثبت ارزیابی می‌شود، اما این چنین نیست که هیچ نقطه ضعف و آسیبی وجود نداشته باشد، اگر با نگاه آسیب‌شناسانه موضوع را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم نقاط قوت و ضعف کجاست و در این صورت می‌توان نقاط ضعف را اصلاح و نقاط قوت را تقویت کرد.



راهنما

ویژه نامه
دانشگاه انقلاب

باشگاه مخاطبان نشریه رایحه خبرگزاری ایقنا

باشگاه مخاطبان رایحه مجالی برای ایجاد ارتباط دو سویه بین ما، خبرنگاران و تهیه‌کنندگان نشریه و شما مخاطبان همیشگی و پیگیر فعالیت‌های قرآنی است. شما می‌توانید از طریق عضویت در این باشگاه، نظرات خود را به ما اعلام کنید، سوژه‌هایی را که از دید ما پنهان مانده یادآوری کنید، نقدمان کنید، تشویق‌مان کنید و ما را در جهت اطلاع‌رسانی قرآنی یاری دهید. برای آگاهی از منتخب اخبار درج شده در خبرگزاری بین‌المللی قرآن می‌توانید به عضویت کانال تلگرام در آیید. برای مشاهده عکس‌های منتخب خبرگزاری، صفحه اینستاگرام ایقنا را پیگیری کنید. نظرات خود را از طریق ایمیل و یا سامانه پیامکی برای ما ارسال کنید. ما تنها با پشتیبانی مخاطبان خیرخواه است که امید به تأثیرگذاری در جامعه داریم، ما را به دوستان خود معرفی کنید.

شماره تلفن تماس:
۰۲۱-۶۶۴۷۰۲۱۲-۳

نشانی اینترنتی:
www.iqna.ir

نشانی کانال تلگرام:
[Telegram.me/@iqnanews](https://t.me/iqnanews)

نشانی صفحه اینستاگرام:
[Instagram/Iqnanews](https://www.instagram.com/Iqnanews)

نشانی پستی:
تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵
کد پستی: ۱۴۱۷۸۴۴۳۹۱

سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور

iqna

خبرگزاری بین‌المللی قرآن «ایکنا»

www.iqna.ir



سازمان عالی‌ترین قوا
دانشگاه عالی کشور



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری